ژوندون

اطلاعات او کلتور
شماره-۳۳
سال-۲۷
پنجشنبه ۱۵ عقرب ۱۳۵٤
۲ ذیقعده ۱۳۹٥
٦ نومبر ۱۹۷٥
قیمت یک شماره ۱۳-افغانی





ښاغلی رئیس دولت وصدراعظم هنگامیکه ښاغلی حفیظ کرامانی نمایندهٔ خاص رئیس دولت الجزایر را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند .

اختصار وقایع مهم هفته

در داخل

ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم، ساعت یازده قبل از ظهر روز۱۳عقرب ښاغلی حفیظ کرامانی نمایندهٔ خاص ښاغلی هواری بومدین رئیس دولت الجزایر را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند .

* * *

هیئت تجارتی ترکیه بریاست معین وزارت تجارت آنکشور برای عقد موافقتنامه تجارتی بین افغانستان وترکیه قبل از ظهر روز ۱۳ عقرب وارد کابل گردید .

کار پروژهٔ ساختمانی دستگاه تولید برق کجکی ولایت هلمند که دوسال قبل شروع شده بود تکمیل شد . در قسمت اولی این پروژه دو توربین برق به ظرفیت تولیدی مجموعی سی وسه هزار کیلووات نصب گردیده است .

* * *

تورنمنت مسابقات بز کشی که به سیستم لیگ در دو گروپ بروزدوم عقرب در غازی ستدیوم آغاز شده بود روز یازده عقرب خاتمه یافت .

* * *

اولین موافقتنامه تجارتی بین دولت جمهوری افغانستان و جمهور یمن عصر روز۱٤ عقرب درکابل به امضاء رسید .



* * *

به تقریب پنجا وهشتمین سالگره تاسیس دولت اتحاد جماهیر شوروی عصر دیروز محفلی ازطرف انجمن دوستی افغان وشوروی درکابل ننداری بر گزار گردید.

* * *

عقد نامه قرار داد همکاری های تخنیکی و اقتصادی بین حکومت افغانستان و حکومت هند در وزارت امور خارجه امضاء گردید .

* * *

در خارج

خوان کار لوس مؤقتاً رهبری دولت هسپانیا را بدست گرفت و اولین مجلس کابینهٔ هسپانیا تحت قیادت وی در قصر ریاست جمهوری در مادرید دایر گردید .

عساکر هسپانوی در صحرای غربی در امتداد سرحدات آنجا با المغرب در حال آماده باش کاملی در آورده شد .

* * *

روز نامه فایننشل تایمز ، چاپ لندن نوشته است حزب برسر اقتدار پیپلز پارتی پاکستان، به علت صدور ضمانت قبل از توقیف ازطرف کفیل قاضی محکمه عالی لاهور به یکعده کثیر از اعضای مخالف حزب با چلنج روز افزونی مواجه میباشد .

* * *

شیمون پریز وزیر دفاع اسرائیل اظهار داشت که بازدید انورالسادات از امریکا باعث مأیوسی اسرائیل گردیده زیرا مطبوعات امریکا به این موضوع بیش از حد توجه نموده است .

* * *

نمایندگان (۷) کشور عمده صادر کننده مواد وتکنالوژی ذروی درلندن گردهم آمدند تا راه های جلو گیری از تولید بمب اتومی را در کشور های فاقد این اسلحه جستجو کنند .

* * *

یاسر عرفات رهبر مؤسسه آزادی فلسطین بر رویه امریکا در مقابل فلسطین وبعضی کشور های عربی انتقاد نمود .

* * *

رئیس جمهور صومال سیدباری، خواستار جلسه فوق العاده مؤسسه اتحاد افریقا برای بحث در باره اوضاع انگولا شد .





سفیر کبیر اتحاد شوروی هنگام ایراد بیانیه در محفل انجمن دوستی افغان وشوروی درکابل ننداری .

پیک ژوندون

کوپراتیف ها وشرکت‌های تعاونی، زراعتی‌تولید ومصرف باشتراك اکثریت زارعین و به‌نفع آنان بوسیله دولت‌جمهوری تاسیس خواهدشد .

ازبیانات رئیس دولت وصدراعظم

پنجشنبه ۱۵ عقرب ۱۳۵٤ـ ۲ذیقعدة‌الحرام ۱۳۹۵ـ۶ نوامبر ۱۹۷۵

کنترول نرخ مواد ارتزاقی

اکنون که‌در استانه زمستان‌قرار داریم وهواروبه سردی میرودمسأله نرخ مواد ارتزاقی‌وکنترول آن‌اهمیت بسیار میابد . زیرا درآغاز زمستان مردم برای تهیه مواد ارتزاقی به منظور رفع احتیاج شان بیشتر به خرید وتهیه مواد مورد ضرورت می پردازند. دراثری همین‌تقاضا بیشتر مشتری نرخ مواد نیز در حالت تغییر قرار گرفته و معمولا صعود می کند بخصوص‌که‌تقاضای مردم چندی بعد زیادتر میشود. ازینجاست که فروشندگان نرخ‌موادرا اکثرادردست گرفته ومواد دست داشته‌شانرا بطور دلخواه بالای مردم عرضه می نمایند.

راستی اینست که تنها فرشنده مواد ارتزاقی یعنی بنیه گر و علاف درتعیین قیمت ونرخ‌مواد دست ندارد، بلکه فروشندگان اصلی یعنی تولید گران ومالکین این مواد نیز درامر بلندبردن نرخ مواد سهم بسیار دارند و چه بسا دیده شده، اینها در هنگامیکه احتیاج بسیار شدید به‌غله ومواد ارتزاقی موجود بوده است. مواد دست داشته خود رابرای یك فرصت مناسب ذخیره نموده اند، تاتقاضای مردم بپیمانه زیاد بالا رود و نیاز مندی‌مردم شدت بیشتر کسب نماید تا آنها مجبور شوندمواد عرضه شده‌را به هر قیمت که فروشندگان تعیین مینمایند بدست آرند . بنا برآن به اساس تجربه سالهای پیش،ازهمین حالا بایست جلوبلند رفتن نرخ‌مواد ارتزاقی گرفته شود. گرچه ښاروالی کابل برای جلو گیری از صعودنرخ مواد ارتزاقی محرو قاتی وغیره هر پانزده روز بعد نرخنامه‌بدسترس فروشندگان قرار داده وقیمت‌خرید وفروش‌موادرا براساس روحیه عمومی خریدوفروش دربازار ها، تعین مینماید و همچنان برای کنترول بازار از امکانات دست داشته وگماشتن مفتشین کار می گیرند ولی اکثرا دیده شده است که دوکانداران هیچگاه به اساس نرخنامه عمل نکرده وقیمت مواد دست داشته شانرا باساس محاسبه‌که‌نزد خود دارند تعیین می نمایند. ازینرو تطبیق نرخنامه‌های ښاروالی برای کنترول نرخ‌مواد وجلو گیری ازگران فروشی اهمیت بسیار میابد. بدینگونه از وظیفه تمام مراجع مسئول است تا درین روز هاکه هوا روبرسردی می رود بیشتر ازهر وقت دیگر بازارها ونرخ موادرا شدیدا تحت کنترول قرار داده وبرای جلو گیری ازگران فروشی تجاویز وراه‌های مثمر وعملی را به منصه اجرا قرار دهند. باید متذکر شد که دربابت نرخ‌محروقات نیز عین همین پرابلم موجود میباشد وفروشندگان مواد محروقاتی نیز ازهمین حالا دست به گرانفروشی زده و مواد دست داشته شانرا بالای مردم نیاز مند به‌قیمت که از طرف ښاروالی تعیین شده است به‌فروش نمی رسانند که جلو اینکار نیز شدیدا باید گرفته شود .

خبر هفته

مرحله اول سروی خط آهن بطول بیش از یکهزار و هشتصد کیلو متر عنقریب تکمیل میگردد .

استیشن قطارآهن درساحه دوصد جریب زمین در شمالغرب منطقه صناعتی کابل تعیین شده است .

مطالعات مربوط به احداث‌خط آهن بین‌کابل ، لوگر، غزنی،زابل‌وکندهار همچنان کندهار ، لشکرگاه، دیشو زاهدان کذا لشکرگاه، فراه، هرات و اسلام قلعه ، کند هار وسپین بولدك که در ماه اسد امسال آغاز گردیده‌تا ماه قوس تکمیل میشود .

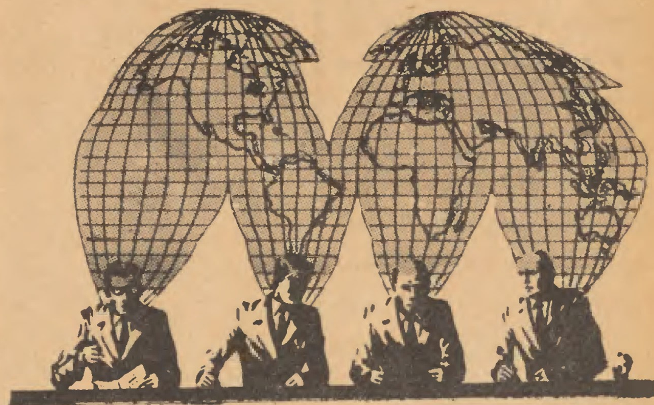
ښاغلی غوث الدین فایق وزیر فواید عامه ضمن ارائه این خبرگفت در نظر است پروژه احداث خط آهن کشور در چوکات پلان هفت ساله دولت جمهوری تکمیل‌و مورداستفاده قرار گیرد . طول مجموعی پروژه خط آهن در کشور یك هزار وهشتصد و پانزده کیلو متر در نظر گرفته شده است که هرکیلو متر آن پانزده‌ملیون افغانی مصرف خواهد داشت .

وزیر فواید عامه متذکر شدپروژه خط آهن از نزدیك ساحات معدنی و اراضی لا مزروع و شهر ها عبور کرده باینوسیله زمینه استفاده را برای مردم و درساحه حمل ونقل اموال صادراتی و وارداتی میسر میسازد.

ښاغلی فایق افزود فعلا در نظر است که بین کابل، کند هار دولین ودر سایر نقاط متذکره یك لین خط آهن تمدید گردد .

این پروژه توسط کمپنی‌مشورتی سوفرایل فرانسوی سروی ومطالعه گردیده و پس از آنکه راپور مفصل آن تکمیل شد امور ساختمانی آن آغاز میگردد .

(ب)



وقایع مهم سیاسی هفته

از: شفیع راحل

تغییرات در کابینهٔ فورد

اگرچه تغییراتیکه درکابینهٔجرالدفورد رئیس جمهور امریکا د رهفتهٔ جاری آورده شد در ظاهر امرناگهانی وغیر مترقبه بود اما در حقیقت مقد مات آن قبلا چیده شده بود .

چون یك سال به انتخاباتریاست جمهوری امریکا باقی مانده و فورد کاندید آن میباشد امر واضح است که آمادگی های لازم برای توحید و تقویه بیشتر حزب محافظه کار از همین حالا گرفته میشود . برایاینکه فورد بتواند در انتخابات سال۱۹۷٦ فایق گردد مجبور بود نام (لیبرال) را که صرف از یك جناح حزب ری نمایندگی میکند نه از تمام حزب از خود و همکاران خود پس کند . «راکیفلر» معاون رئیس جمهور امریکا که توسط جناح محافظه کار حزب محافظه کار بسیار (لیبرال) خوانده میشود رسما اعلام نمود که در انتخابات ریاست جمهوری آینده خودش را نه کاندید ریاستجمهوری ونه معاونیت آن میداند .

در زمرهٔ آمادگی های دیگر برای انتخابات، فورد ضرورت به تقویه کردن پالیسی دیتانت با اتحاد شوروی و عقد معاهده (سالت دوم) داشت . «شلیزنگر» و زیر دفاع اسبق امریکا در این ساحه نه با فورد ونه با دوکتور کیسنجر وزیر خارجهٔ آن مملکت هم عقیده بود .

«شلیزنگر» عقیده داشت که چون اختلاف شرق وغرب دایمی میباشد بناء امریکا تفوق نظامی اشرا بر اتحاد شوروی حفظ کند . وی همیشه خواهان پول زیادتر برای تو لید اسلحه دفاعی و تعرضی بود.همچنان ویکه ازماه جولای (۱۹۷۳)باینطرف وزیر دفاع آن مملکت بوده معتقدبود که پکت ناتو باید شدیدا تقویه شود .

بنابر پا فشاری وی بود که مذاکرات سالت دوم تعطیل گردید . ویکه از ماه جولای (۱۹۷۳)باینطرف «بك فایر» اتحاد شوروی در جملهٔ راکت حسابگردد و پا فشاریداشت که حاکمیت امریکا در کانال(پانامه) بعد از سال (۲ر۰۰۰) میلا دی نیز تضمین گردد .

فورد نمیتوانست شلیزنگر را با این نظریات افراطی اش که مغایر دیتانت بود و بر جریان سیاست خارجی و امورمحولهٔ وزیر خارجه‌اش تاثیر منفی میانداخت در کابینه‌اش حفظ نماید .

راپور هائی رسیده نشان میداد که «شلیزنگر»و «کیسنجر» در جلسات شورای ملی امنیت امریکا تصادمات مهم عقیده وی دارند.

در عین زمان دو کتور کیسنجر نمیتوانست بوجه ایکه لازم بود هم به امور وزارت خارجه و هم به امور شورای مذکور که رئیس آن بود رسیدگی کند . فورد جنرال«سکو-کرافت» را که معاون شورای مذکور بود . و نفر دست راست کیسنجر محسوب میشد بحیث رئیس شورای ملی امنیت امریکا گماشت «سکوکرافت» پنجاه ساله بود. ودر قوای هوائی امریکا خدمت کرده است . وی در رشتهٔ روابط بین‌الدول از پو هنتون‌کولو مبیا دوکتوری دارد . ریچارد نیکسن وی را در (۱۹۷۰) از پنتاگون به قصر سفید مقرر کرد .

مهمترین تغییر در کابینه فعلی فورد تقرر «ایلیات ریچارد سن»سفیر کبیر امریکا در لندن بحیث وزیر تجارت میباشد . ریچارد سن برای مدتی در ۱۹۷۳ بحیث وزیر دفاع ایفایوظیفه نمودهوبین (۷۳-۱۹۷۰) وزیر صحیه ومعارف بود.

ریچارد سن تا حال چند مرتبه بحیث جانشین دو کتور کیسنجر در مطبوعات امریکا ذکر گردیده.ناظرین سیاسی معتقدند که برایریچاردسن وظیفهٔ مو جوده خیلی کوچكمیباشد. به گمان اغلب فورد ریچارد سن را بحیث کاندید معاون ریاستجمهوری امریکا د رانتخابات آینده برخواهد گزید .

ریچارد سن نزد مردم امریکا کریدت خاص دارد. ویدراوج واقعه واتر گیت مدعی العموم امریکا بود وامر نکسن را برای برطرف ساختن یکی از حقوقدا نان دو لت نپذیرفت. بنا بهمین دلیل ریچارد سن درحزب جمهوری خواه مشهور به(مرد باپرنسیپ) میباشد .

جای تردید نیست که در تغییرات فعلی کابینه ، موقف کیسنجر و به تائید آن، آیندهٔ دیتانت مستحکمتر گردیده است . رفتن شیلزنگر از کابینه در حلقه های سیاسی بین ویبکنگ با تأسف تلقی گردیده دیده شود جانشین وی «رمزفلد» چهره روشنی را پیشرو میگیرد .

انجام

پیام بخوانندگان

دطبیعت دنکا مل دقا نون پـــه اساس دهیواد زلمیان باید دهیــواد چاری به غاړه وا خلی نولدی املـه زمونږ کو ښښنونه دی ته وقــف کیږی چی زلمیان په واقعی او ژوره معنی سره تحصیل وکړی تر څـــو راتلو نکی سر نوشت‌چه ددوی پــه لاس کښی دی، په ښه تو گـــه سرته ورسولی شی.

ددغی خاوری اود هغی دخلکـو دلوړو گټو په نسبت پدی فکر کښی ولویدو چه ننني نړی علم او تکنیك نړی ده او یو ملت‌دلا یقو او بـــا احساسه زلیمانو نه‌پرته نشی کولی دخپل هیواد دخلکو داړتیاوړ مطابق گټوری اوثمر بخښوونکی پړو ژ ی مینځ ته‌راوړی.

دهمدی‌مفکوری‌په پیروی‌مودتخنیکی او مسلکی ښوونځیو بنسټ کیښود اوزما دپاره دخو ښی ځای دی‌دهغه ځه‌چی مایوه ورځ فکر کاوه ،نـــن ربښتیا شو.

ژوند په خپله تجربه اودرس دی اوانسان دی همیشه له هغه نه زده کړه وکړی.

دوطن نیکمرغی لاره به هغـــه وخت وی چه‌د ملت‌زیاته برخه دوطن په‌خدمت کښی فعا له بر خه واخلی

عامه گټی اود ستری طبقی گټـــی دمحدودی طبقی نه لوړی وگڼـلی شی. زه تل فکر کوم چی عدا لـت دیوی ټولنی بنسټ اواسا س دی لدی امله مونږ باید کوښښ وکړو دهغو کسانو خدمت وکړو چی په رښتیا سره اړاو محتاج دی.

له‌لوی خدای (ج) نه‌د زلمیا نود پوره بری اود جمهوری نوی نظـام ددوام هیله کوم.



درین شماره



تابلوی‌متن ازمیرمن شکوروولی که‌اخیرا نمایشگاه آثارش در لیسه امانی‌دایر شده بود.



عکس پشتی صفحه اول جین مارینا مانکن‌مشهور اروپا . که تابحال چندین کمپنی‌فلم برداری ازاوبرای‌بازی درفلم دعوت‌نموده‌است.

گزارش خبرنویسان

از میر حسام الدین برومند

تصمیم داریم پس ازین هرهفته دلچسپ ترین وکوتاه ترین خبرهای جدید سیاسی ،ذوقی، هنری وعلمی جهان را خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم کنیم، برای تهیه چنین اخبار دلچسپ اینک سر از همین شماره درلا بلای صفحات معروفترین مجلات وروز نامه های جهان دنبال خبر میگردیم، خبر هایی که کو تاه باشد، دلچسپ باشد وباب «دندان» خوانندگان خوش ذوق.

امید است با ایجاد این صفحه جدید بتوانیم بیشتر باعث خو شی خاطر دوستان عزیز خود گردیم.

فرانکو یک ماه قبل از مریضی

تااین لحظه ایکه این خبر رابرای نشر تهیه میکنیم اوضاع صحی جنرال فرانکو هر آن وخیم تر وناامیدتر شده میرود اما بدون شک روز های یك ماه پیش از مریضی او روز های پرخاطره بود هم برای خودش وهم برای ایوان کار لوس.

یك ماه قبل از مریضی فرا نکو ایوان کارلوس صدراعظم هسپانیه بهمرا هی فا میلش راهی «مار سولا» سر زمینی که صد ها هزار آلما نی برای سپری کردن تعطیلات موسومی شان گرد آمده بودند ، شدند دراین سفرزوفی، خانم وایلینا، کریستیان وفلیپ فرزندان کار لوس در کلوپ ورزشی مارسا لوکه محل اقا مت شان تعین گردیده بود ماندند وتعطیلات شانرابخوشی سپری کردند

بعدا جنرال فرانکوضمن دعو تنامه ای ازایوان کار لوس وفا میلش تقاضا بعمل آورد تااز سا حل اتلا نتیک هسپانیه متفقا باوی دیدن کنند.

فرانکو وایوان کار لوس وفامیلش ضمن این ملا قات شان مارسالو را بصو ب آن نقطه از هسپا نیه ترك میگویند که درآنجا برای او لین بار سر نو شت امروزی هسپا نیه به وسیله فرانکو طرح ریزی میشودو پس ازیك سلسله مبا حثات ویاد آوری ازروز گاران پیشین هسپانیه کار لوس وفامیلش بار دیگر روانه مارسالو میشوند زیرا فلیپ فر زند کوچك کار لوس علاقه زیادی بـه دالفین هایی که در قسمت شما لی هسپانیا یافت میشود ازخود نشان میداد.

بعقیده ناظران سیاسی، بازدید فرانکو ازساحل بحر اتلا نتیك آخرین روزهای صحتمندی وی بوده.



جنرال فرانکو قبل از مریضی

دختر و نواسه های مجیب الرحمن در بن

اکنون ازمرگ شیخ مجیب الرحمن چند ماه سپری میشود دوزن جوان باقیافه های گرفته ومغموم درسفارت بنگله دیش دربن کنارهم دیده می میشوند این دوزن ستمدیده حسینه وریحانه دودخترشیخ مجیب الر حمن فقید میباشد که اولی ٢٦ ساله بوده ودومی شانزده سال دارد.

شوهر حسینه انجنیر وحید میا ازماه فبروری امسال بدینطرف بحیث محصل دربن تحصیل میکند دو روز قبل ازقتل شیخ مجیب الر حمن حسینه دخترش خواست برای ملاقات شوهر خود روانه بن شود وچند روزی رادراروپا کنار شوهرش بگذراند، دربروسل بودکه خبر قتل شیخ مجیب الرحمن پدر، مادر وسه برادرش رازرادیوی موترش شنید ناگزیر بااعصاب نارام خودرا در آلمان رسانیدزیرا اوضاع بنگله دیش رامتشنج فکر میکرد تاامروز حسینه بادو طفلش جوی وپتلو تول درسفارت شهرشان دربن که پس ازدوران انقلاب بنام سفارت «جمهوریت اسلا می بنگله دیش» یاد میشود بسر میبرند که درمورد اقامت آنها دولت آلمان ابراز داشته که میتوا نند بطور مداوم درآلمان زندگی نمایند واصلا کدام مانعی در زمینه وجود ندارد.





نواسه های مجیب

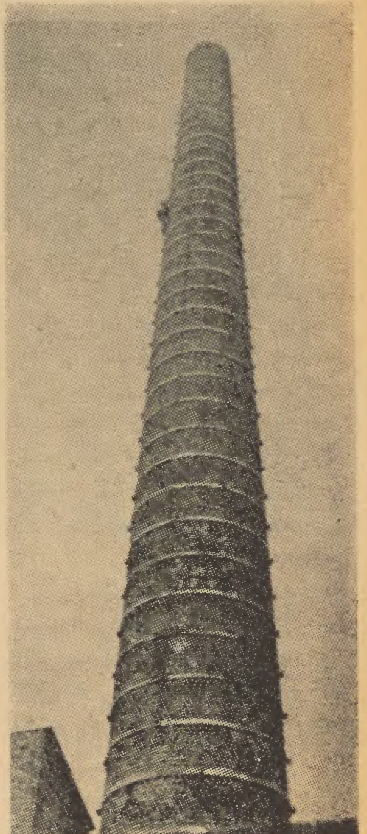
چانس با فلیپ لاوف بود

اغلب در اثنای فلمبرداری بالای کار گردانان وبازیگران سینمامصیبت های ناگوار ی می آید چنانچه یك حادثه بالای چهره درخشان سینمای امریکا جون فلیپ لاوف در بلژ یك آمد،فلیپ بنا بر اقتضای نقش بایست از بالای دودرو بخاری فابریکه ای که ٤٥متر ارتفاع داشت درظرف یك ثانیه فرود می آمدناگهانی در اثنای فرود آمدن توازن وجودش را ازدست دادوبشدت بزمین پرتاب شد اورا باعجله تمام بکمك امبو لانسی

ازسراسرجهان

در نزدیکترین شفاخانه که پولپر رینگ یاد میشود نقل دادند وبهمکاری دکتور جیتسیه وسایر دکتوران تحت معالجه گرفته شد، درین حادثه چانس بافلیپ بود زیرا برخلاف تصور کار گردانان که فکر میکردند اوجان بسلامت نخواهدبرد تنها پای چپش شکسته بود.





جون فلیپ لاوف پس از سقوط ازین برج دو دروکه ٥٤متر ارتفاع دارد توسط دکتوران معالجه میشود.



جوانیتاکاسترودرامریکا

ازدیرزمانیست که میس جوانیتا کاسترو خواهر فیدل کاسترو صدراعظم کیو با دوراز کشور رش یعنی دریکی ازشهر های اضلاع متحده امریکا مصروفیت دارد گرچه میس‌جوانیتا یگانه خواهر صدراعظم فعلی کیوبا ست باآنهم‌ازمدت ها بدینطرف بین خواهر وبرادریک سلسله اختلافاتی‌وجودارد به‌اساس همین اختلافات‌فامیلی میس جوانیتا کاسترو نخواسته درشهری که کاسترو برادرش آنجا حکومت دارد پستی رااشغال نماید.

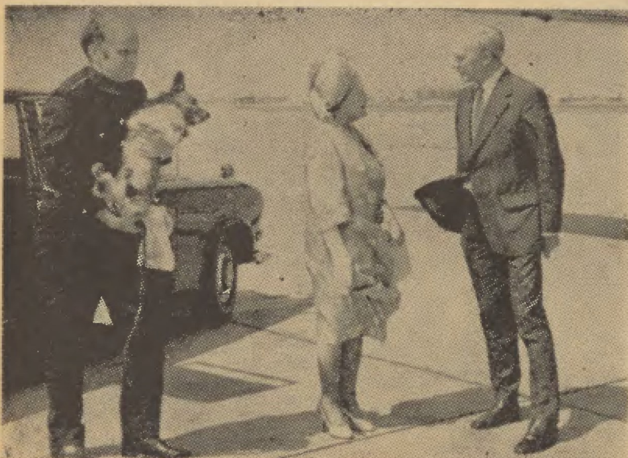


جوانیا کاسترو در امریکا مشغولیت‌دارد

گورکی‌پس‌ازیکساعت‌پیداشد

چندی‌قبل خانم‌ماری‌مادر ملکه انگلستان شتابزده‌خودش رادرمیدان هوایی ایاتروف لندن رسانیده وتا خواست سوار طیاره شده ودرجشن تولدی هفتادو پنجمین سالروز یکی ازدوستانش خودرا در قصری موسوم به‌می بر ساند گورکی سگ قشنگش از غرش‌ودود طیاره‌وحشت نموده فرار کرد.

بزودی همه سر نشینان طیاره درجستجوی گورکی شدند این سر گردانی یکساعت‌طول کشید تااینکه سگ مذکور رااز تحتانی ترین منزل یکی ازرستورانها که کنار آشپز- خانه‌ای پنهان شده بود توسط یکی ازاعضای سلطنتی انگلستان پیداشد وخانم ماری‌ازینکه درپروگرامش یکساعت تاخیر بعمل آمده و به اصطلاح وعده خلاف شده بود خیلی ها مضطرب بنظر میرسید.



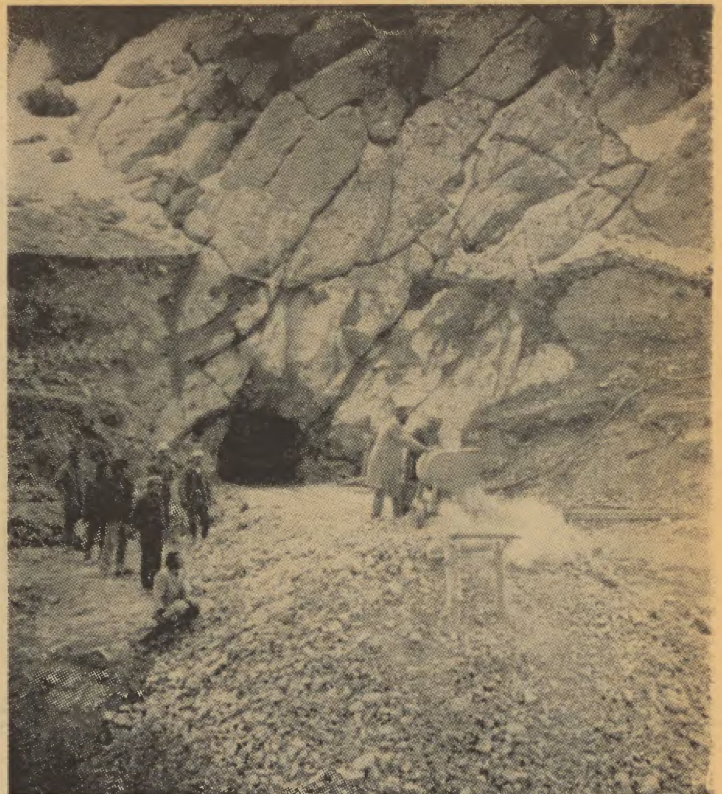
بالا خره گورکی رایکی ازاعضای سلطنتی انگلستان پیدا کرد.

ثروت دردل کوه‌ها

از: گل احمد زهاب نوری

۱۵° هزار تن لاجورد ،۱۲۰ هزارتن بیرایت ،۷هزار تن تلك درسال های اخیر استخراج شده است.

° دوملیارد تن آهــن در جنــاح جنوبی کوه‌بابا در ۱۳۰ کیلو متری کابل کشف شده که‌در حوزه آسیاکم نظیر است.



کارگران دریکی از معادن هنگـام‌فعالیت

سر زمین گسترده کشور ما،براز ذخایر معدنی پرارزشی است کــه استخراج و استفاده ازان ، ازیکسو براقتصاد ملی تاثیر به سزا یـــی می اندازد واز سوی دیگر باتاسیس وبکار افتیدن فابریکه های عظیــم درساحه استخراج معادن وذوب و استحصال مواد معدنی، نیروی بشری گروهی ازاجتماع ،درراه مثمر و— مثبتی فعال وبکار می افتد استفا ده ازآنچه درتحت طبقا ت مختلف زمین ازسا لهای بس دور زمان نهفته‌است ازامروز وديروز مروج‌نبوده ،بلکه سابقه طولانی یی دارد ،ولی ازنیمه قرن اخیر سروی ومطا لعه اسا سی وعلمی، برای بهره برداری اقتصادی آن آغاز گردید وادامه یا فت.

به اساس مطا لعا ت‌دامنه دا ری که‌از چند سال به‌اینسو صــور ت گرفت ومخصو صاً تلاش هایی که‌در سالهای پاردر زمینه استفاده ازمنابع معدنی انجام یافته، نشان مید هدکه کشورما ازحیث مو جود یت ذخایر معدنی، درزمره کشور های غنی به شمار می رود، که‌دردل کوه هاو— دشت ودمن های آن‌توده های عظیم فلزات وگازات وسایر مواد تحت— الارضی کشف گردیده است.

یك منبع وزارت معادن وصنا یع دربرابر سوالی پیرامون انواع معادن زیر زمینی کشورتوضیح داده.گفت:

—معادن لاجورد سا حه بد خشان آهن حاجیگك ،مس وکرو میت در لوگر، بیرایت در هرات، تلك در— ننگرهار، نمك‌درتاقچه خانه‌تالقــان بلخ،اند خوی‌وهرات زغا ل سنگ درده‌صوف ،اشپشه، کرخ وکر کر، فلورا یت در کندهار ورخام درهلمند معادنی هستند که‌هم ازنگاه ذخایر قابل توجه می باشند وهم بهــره برداری واستخرا جآن ها بصورت برداری واستخرا جآن ها بصورت فنی اقتصا دی است ،چه معدن آهن حاجیگك درحوزه آسیا کم نظیـــر است، لاجورد بد خشان از معا دن ارزشمند و بی مانند است، مــس وکرو میت حوزه لوگر درآینده مــی تواند ،برای کشور مثمرومفیدواقع شود ،زغال سنگ ونمك درولایات مختلف نیازمندی‌کشور را، بخو بــی تامین میکند، بهره‌برداری از بیرایت برای امور انکشا فی داخل کشــور وقسماً فروش وانتقال به خار ج— همین حالا آغاز یافته است.

منبع افزود:

البته درزمره ذخایر زیر زمینــی افغانستان‌علاوه برنفت وگاز ،ذخایر دیگری نیز وجود دارد، که کشف‌و تثبیت شدن اقتصا دی بودن آن‌از نگاه استخرا ج ایجاب مطا لعا ت‌و تتبعا تی درآینده را می نماید.

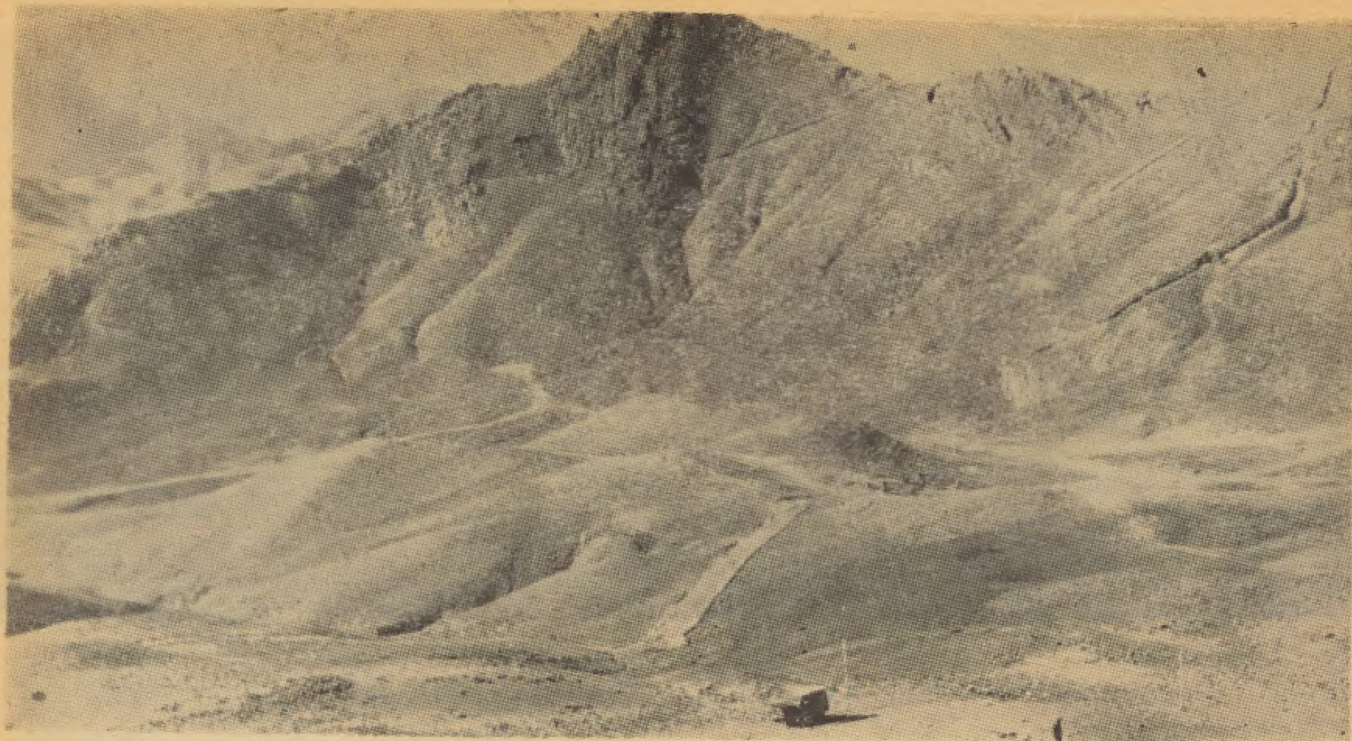
بنا غلی‌میر اکبررئیس استخراج وزارت معادن‌وصنایع‌درمورد استخراج وبهره برداری ازین معادن میگوید:

—دولت جمهوری‌افغا نستا ن ،به منظوراستفاده از ذخایر معد نی،— علاوه ازاجرای کار های وسیــع تفحصا تی، انکشا فی واستخراجی نفت وگاز سا حات شمال جنوب و حوزه هرات ،اقدا مات موثری در زمینه تفحص اکتشاف واستخرا ج معادن جامد درسا حات مساعدکشور نیز انجام داده است، که نتا یــج آن قنا عت بخش وامید وار کننــده است.

وی علا وه می کند:

—در حال حاضر علا وه ازمعادن لاجورد بد خشان ،زخایر نفت وگاز ساحات شمال وزغال سنگ ونمك ولایات مختلف‌کشور معادن بیرایت هرات وتلك ننگر هار نیز تحت استخرا ج‌وبهره برداری قرار دارد.





در بسیاری ازکوه های کشور ما معادن سرشار موجود است

رئیس استخراج میگوید:

وزارت معادن وصنایع از اوان استقرار جمهوریت در کشور تاحال علاوه ازآنکه فعالیت هـای تفحصا ی واکتشافی گسترده یی رادر ساحه معادن جامد انجام داده استوهم چنان استفاده ازمعادن نفت وگازو استخراج زغال سنگ ونمك رابرای رفع نیاز مندی داخلی وصدوربخارج ادامه داده در حدود پانزده تـــن لاجورد، دوازده هزار تن بیرا یــت، هفت هزار تن نلك نیز استخــرا ج نموده که صدور بیرایت همین حالا به‌اتحاد شوروی جریان‌دارد ولاجورد ونلك آماده فروش است.

می پرسم:

ـ کدام حوزه های کشور، ازنگاه معادن قابل توجه است؟

رئیس استخراج وزارت معا دن وصنایع میگوید:

معادن ارتباط مستقیمی، به‌احجار وقار مشتن های مختلفی دارد که‌در هر منطقه ،بصورت‌زیر زمینی موجود است. ذخایر نفت وگاز مربوط به احجا ررسوبی است. به‌اساســس مطالعا ت علمی که صورت گر فته درسا حات شما ل ،جنوب وجنوب غربی کشور ،احجار رسوبی تو سعه وانکشاف یافته‌است این‌امر نشا ن معادن ،درین سا حات قوی وحتمی است، در حالیکه درنقاط دیگر وطن ما،موجودیت چنین معدنی ازنگا ه علمی پیش بینی شده نمیتوا ند.

همچنان معا دن جامد که اکثر آن مربوط احجار ناریه ومنحو له است موجودیت آن ها، صرف در ولایا ی متصو ر است که احجار مذکور ،در قشر های زمین‌توسعه وانکشا ف یافته باشد نتیجه گیری کرده مـی توانیم که نواحی سلسله کوه های ـ هندو کش وبد خشان، پا میر و ســ حات لوگر از حیث موجودیت معادن جامد ،غنی می باشند.

بیرا مون ذخایر آهن، رئیســس استخراج می گوید:

ـ سروی ومطا لعا ت وزا رت معادن وصنایع نشان میدهد، کـــه چندین ذخیره آهن در نواحی مختلف کشور موجود است والبته نو عیت وسایر مشخصا ت این ذخایر نیــز تثبیت شده است، که بزر گترین ذخیره آهن در معدن آهن حا جیگك می باشد این معدن‌در فا صله (۱۳۰) کیلو متری شمال غرب کابــــل،در ولایت بامیان‌درجناح‌جنو بی کوه‌بابا مو قعیت دارد.

ذخیره معدن مذکور بصـــور ت مجمو عی در حدود دو ملیارد تن می رسد وفیصدی آهن آن‌به صورت اوسط از (۵۸ـ ۶۲) فیصد تثبیت شده است علا وتا مواد خام‌دیگری ازقبیل سنگ چونه ،دولو مایت، گل های مقاوم حرارت وکورسایت که‌برای سا ختن فولادضرورت است باشرایط مساعد در نزدیکی ایـــن معدن موجود است وذخایر آن در آینده ،برای ایجاد فابریکه هـــا ی ذوب آهن وفولاد سازی درشرا یط بسیار مسا عدی مورد استفاده قرار گر فته می توا ند.



در قلب این کوه ها ثروت عظیم نهفته است



جنکلات بزرگترین سر مایه ملی کشور ما را میسازند .

تنظیم منابع طبیعی

از:گ ، ز (سراب)

***ساحه علفچردرافغانستا ن به ٥٤ ملیون هکتار می رسد .**

***بهره برداری ازآهو های وحشی آغاز گردیده است.**

در شماره گذشته گزارش اختصاصی داشتم ،پیرا مون جنگل ها وپهنای گسترده آن ها در افغا نستان . در آن گزارش قرار گذاشتیم، تامطالبی هم پیرامون فرش نباتی ،منا بع- طبیعی وحیوانی کشور تهیه ونشر نماییم تنظیم منابع طبیعی، علفچر های حیوانی وبهره برداری ازحیوانات اهلی ووحشی ، در چوکات و زا رت زراعت وآبیاری مانند جنگل ها ،از طریق ریاست جنگلا ت وعلفچر ها صورت میگیرد درحقیقت این ریاست تنظیم ،سروی وحفا ظه منابع طبیعی حیوانی ونباتی رادر افغا نستان به عهده دارد.

ریاست جنگلات در سا حه انکشاف وسروی علفچر ها، اقدا ماتی نموده وامور مالچر ها، پارك های ملی آب های ایستاده مانند جهیل سیستان وبهره برداری از حیوا نا ت وحشی رانیز روی دست دارد.

ښاغلی سیدآقا انام رئیس جنگلات وزارت زراعت وآبیاری به سلسله گفت وشنود هفته گذ شته پیرامون بهره برداری ازحیوانا ت وحشی می گوید:

ـسروی حیوانات وحشی را آغاز کرده ایم درین سروی منظور ما، طبقه بندی حیوانات کوهی بوده تا ازلحاظ مفید بودن به زراعت،ممد- بودن به‌زراعت ومضر بودن بـه زراعت تفکیك گردند همچنان حیواناتی کـه نسل آن ها از لحاظ علمی مفید است ویاارزش اقتصا دی‌دارند دسته بندی گردند به‌سلسله ا ین مطا لعات درقدم اول شکار تمام حیوانات دشمن موش را منع قرار دادیم که پشك وحشی و روباه نیز ازآنجمله است از طرف‌دیگر مجادله وسیعی رابرای جلو گیری‌از شکار ماهی بوسیله بمب که سبب نابودی نسل آن میگردد نیز روی دست گرفته ایم علاوه برآن برا ی جلوگیری‌تلفا ت ماهی در تنگ‌غارو تلاش می ورزیم تاآب های‌فابریکات آن منطقه سبب نابودی ماهی، درین حوزه نگردد.

وی می گوید:

ـهمچنان شکار بعضی پر ند گان که نه‌از نگاه گو شت ارزشی داشت ونه‌از لحا ظ اقتصادی‌حایز اهمیت



بود، پس از مطالعه، منع‌قرارداده شد، تافقط تفنن و تفریح باعث نابودی نسل آنها درنقاط معین کشور نگردد در گذشته شکار آهو بوسیله وسایط سریع رواج داشت، چون این نوع شکار حیوانات ازیکطرف سبب می شد، تا آهو های ماده و حتی‌آهو بره‌ها، در تاریکی شب بوسیله موتر وموتر سایکل وغیره شکار گردد واز طرفی صید آهو- حیوان بی دفاعی به‌آن شکل عادلانه هم نبود، منع اعلام شد البته درنظر داریم تامقرراتی تنظیم گردد که استفاده از تفنگ وکار توس برای شکار حیوانات نیز بداخل مقرراتی بیاید ومحدود گردد.

تباغلی انام راجع به‌استفاده از- حیوانات وحشی میگوید:

-بهره برداری مثبت از آهوی مارکوپولو آغاز گردیده است در- گذشته گرخندوی شکار آهوی مارکو پولورا، برای یك عده‌سیاحان در بدل اجرت معینی، مجاز قرار داده بود، وزارت زراعت ازیکطرف تکثیر نسل‌این حیوان را مد نظر گرفته‌واز سوی دیگر زمینه شکار آن‌را بداخل مقرراتی برای خار جی ها،مهیا می سازد که البته اینکار، عاید قابل توجه یی نصیب کشور میگرداند. همچنان بهره برداری از دونوغ آهو ی دیگر درنورستان نیز تحت مطالعه است، خوك وحشی حیوان دیگر است، که ازنگاه‌زراعت مضر ثابت گردیده، شکار این‌حیوان رانیز برای خار جیان دربدل پول معینی درساحه هلمند مجاز قرارداده ایم. این اقدا مات هم سبب جلب سیا حان به‌کشور مامی شود وهم از بعضی حیوانات وحشی بهره برداری مثبت می گردد.

رئیس جنگلات وعلفچرها می گوید:

- علفچر یا مالچر ساحه است‌که از لحاظ علمی مواد خورا که حیوانات راتشکیل میدهد البته برای ما فرق نمی کند که‌این علفچر لب دریا و- حویچه‌ها باشد، یاجنگل ها، دشت هاوصحرا ها برای همه آن پرو گرام های وسیعی داریم.

سروی ومطالعه ابتدایی علفچرها در افغانستان انجام یافته وبرای حفاظت‌آن قانونی نیز تنظیم گردیده است.

وی می گوید:

-ساحه مالچر وعلفچر در کشور، بیش ازپنجاه وچهار ملیوون هکتار زمین‌تثبیت گردیده است که مشتمل ازساحات گو نه گونی است، از علفچر عالی بدخشان تاحصص کم علف ومو سو می دیگر منا طق‌شامل آن است.

در سروی مفصل این ساحات تشخیص نو عیت غدایی علف ها، ترکیب آن‌ها وموسم استفاده شان مدنظر است، تا تفکیك وحد بندی گردد.

مطا بق قانون علفچر ها ساحات مو سومی هرعلفچرتعیین وحد بندی میگردد، تاهم استفاده اعظمی و اقتصادی صورت بگیرد وهم تکلیف متخلف ها معلوم شود درنظر است تاعلفچر ها، بصورت خط ومسیری تنظیم‌گردد تا جلو گیری کمبودمواد خوراکه حیوانات‌شده باشد چه‌دریك منطقه مثلا دراوایل بهار تازه سبزه سرزده که سیل رمه‌ها آن رامی‌چرد ومحو می کند، در حا لیکه درنقطه دیگری علف ها روبه خشکی می گذاردو حیوانی ازآن استفاده نمی کند بهره برداری بصورت خط سبب می‌شود تادر تمام فصل های سال مواد خوراکه حیوانات مو جود باشد.

تباغلی انام میگوید:

-شرایط طبیعی افغانستان از- حیث علفچر ها ومالداری بسیار مساعد است وبا تنظیم درست مالداری، این غنای طبیعی تو سعه وانکشاف می‌یابد.

بقیه در صفحه ۶۰



جنگلات امروزی منابع عمده‌حیوانی ونباتی را تشکیل میدهد



اگر جنگلات بصورت اساسی وارسی صورت نگیرد بزودی ازمیان خواهد رفت.



که په میوند کی شهید نه شوی

به منا سبت سال بین ا لململی‌زن لیسه سو ریا محفلی بر پا کرد. واززن وواقعیت های موجود ونقش او در گذشته وامروز درین احتفال سخن ها رانده شد ودرنمایشنامه گفتنی های انعکاس یافت

از فریحه پرجوش اسحق

چادری ودلاق درستیز سوریا!

*دگر گونی ونوآوری در پوشیدن لباس همگام باروند زمان ودیگر تغییرات اجتماعی .

*زنها پیروز می شوند و موانع رااز هم می درند.

*خوا هریکه برادرش رابه‌ده سال زندان محکوم نمود!

*ملالی دختر مبارز وقهر مان افغان در نبرد میوند.

به سلسله قدردانی وتجلیل از سال بین‌المللی زن درمکاتب ، لیسه سوریا نیز ازین سال نیکو وپرمیمنت برای زنان، تجلیل کرد وچه زیبا وباشکوه هم تجلیل نمود .

این محفل آنقدر زیبا وپراز جنبه های ابتکاری بودکه حیف است اگر جریانش را ازنزدیك ندیدید ، حداقل ناخوانده بگذرید. برای همین استکه خواستیم گذ ارش قسمی ترتیب گردد تاباپروگرام همسفر شویم واز لابلای کلمات آنرا تماشا کنیم .

پروگرام سه بخش داشت : کنفرانس ، نمایشنامه وکنسرت . که هر بخش بیانگر مزایای خاص‌خودش بودکه متصدیان هرقسمت دربهبود آن از دقت وتوجه بخصوصی دریغ نورزیده بودند .

بخش کنفرانس :

درآغاز این بخش آیات چنداز قرآن مجید تلاوت گردید. به تعقیب دسته ای ازشاگردان بالباس های ملی شان سرودملی رادرحالیکه همهٔ حضار به احترام این سرود دل نشین بپاخواسته بودند، خواندند .

سپس محترمه میرمن حبیبه کبیر مدیرهٔ آن لیسه بیانیه اش را خوانده وراجع به حقوق زنان چنین گفت :

... باقبول این پرنسیپ که مردبه زن، چه ازنظر حقوق طبیعی وچه ازنظرواقعیت اجتماعی تفوق وبرتری ندارد، مگرطوری عملابه ملاحظه میرسدکه مردان ، بنابر عوامل مختلف بخود تفوق قایل شده وحاضر نمی شوند به ارادهٔ تسلیم خو د آنرا وا گذار شو ند.

این واقعیت راجامعه بین المللی درك وملل متحد سال ۱۹۷۵ رابنام (سال بین‌المللی زن) مسمی کرد. تاتمام ملل جهانرا آگاه سازند که بعدازین ممکن نیست زنان بردهٔ مردان باشند ومردرا برزن امتیاز خاصی بدهند. و...

بعدازآن میرمن مستوره آزادخوی مضمو ن پشتویی درزمینه قرائت کرد وبه تعقیب پیغله فهیمه انوری موقف زن راطی مضمون جا مع دری‌اش بررسی نمود .

همچنان یك تعداد ازمتعلمات این لیسه بامضامین واشعار زیبای دری وپشتو از مقام والای زن یادهاکردند وقدوم این سال راگرامی داشتند .

بخش نمایشنامه :

نمایشنامه ایکه تحت عنوان «زن‌وقضاوت» توسط شاگردان آن لیسه اجرا شد، نمایشی بود درخور توجه ویادآوری،هم ازنگاه‌دایرکت وهم ازلحاظ تمثیل . نمایشنامه «زن‌وقضاوت» دردوپرده اجرا شدکه هردو پردهٔ آن تماشایی وجالب بود. این نمایشنامه در صحنه اول پدری راتمثیل میکردکه دختر داشتن را گناه میشمرد! وازداشتن دختر زیاد به ستوه آمده بود. او پنج دخترویك پسر داشت . دختران خوب وشایسته وپسری نازدانه و بیکاره. ولی اوبازهم امید داشت تانوزادیکه درانتظارش اند پسر باشد. امازقضا،اینبار نیز نوزاد دختراست وپدر باشنیدن خبر آن برآشفته شده خانه راترك میکند .

صحنهٔ دوم بعداز بیست سال را نمایش میدهد. این قسمت گوشه دادگاهی است که درآن همان پسر نازدانه ویکدانه فامیل مذکور متهم وهمان نوزادیکه درآن شب پدرازتولدش ناامید وبرآشفته شده بود قاضی است . پدر نیز درقطار بینندگان سرافگنده وزار نشسته است . خواهرکه قاضی است برای برادرش



خدایرو لالیه بی ننگی ته دی ساتینه

حکم قانون رامجری ساخته واورابه ده سال زندان محکوم میکند و....

البته تمثیل این نمایش که همه توسط شاگردان لیسه سوریا اجرا شد خیلی‌تماشایی وارزنده بود وواقعا استعداد آنها قا بل ستایش وتمجید است .

بخش سوم :

بخش سوم پروگرام راکنسرتی میسا خت که درلابلای آن خواندنهای زیبای قوالی، کورس، رقص های قشنگ دستجمعی توام باخواندن ، رقص گلفروش واتن ملی نیز گنجانیده شده بودکه به گیرایی آن میافزود.

همچنان نمایشنامه ملالی دختر مبارز و پر افتخار افغان نیزدرجریان کنسرت تمثیل و به نمایش گذارده شدکه محفل رابه اوج شورش رسانیده بود، وباگرم جوشی استقبال گردید. این نمایشنامه هم توسط شاگردان آن لیسه تمثیل گردیدکه هریک در نقش خویش ورزیده بودند اما تمثیل (نسر ین صاعد) درنقش ملالی چیزدیگری بود وبراستی ودراولش موفق بود.

درمقدمه این نمایشنامه سطوری‌به‌مفاهیم‌زیر خوانده شد :

(ایثار وفداکاری برای وطن، یکی از خاصه های مهم مردم ماست، درین حس مقدس‌زنان ومردان باهم برابرند. گاه‌گاه ازمیان زنان به مانند مردان پیشوایانی برخواسته وکشور راازدستبرد سلطهٔ اجانب رهایی داده اند که تاریخ شاهد آن است . ازجمله چنین‌زنان وطن خواه وفداکار یکی هم (ملالی) بود. ملالی به مانند (ژان دارك) فرانسوی یك دخترساده دهاتی بودکه زمانه اورا درهنگام اضطراب ، برای نجات وطن عزیز برگزیده بود. او نه‌به کدام خانوادهٔ مهم منسوب ونه ازعلم ودانش بهره وافی داشت . ملالی یك فرد وطن‌پرست بودوحس مقدس وطن خواهی درروح‌شورانگیر این دوشیزه زیبای افغانی طغیان داشت . تمرکز احساسات ملی وفکر نجات وطن در وجود او، اورا برانگیخت وبه قیادت رهنمون شد. ولشکر شکست خورده را لشکرشکست دهنده ساخت. بانجات وطن وظیفهٔ وی برآورده شد. وماآنچه امروز ازآن نابغهٔ دوران میدانیم همین مختصر ولی بسیار قیمت دار است . امروزهروطن دوستی که از دشت میوندبگذرد به اوفکرمیکند ونسیم پرواز روح نو از آن فرشته آزادی را حس مینماید .

ما روح اورامیستائیم وبر روح‌ایثاروطن خواهی اوشادباش میگوئیم .)

نمایشنامه ملالی‌که حاکی ازفداکاری وایثار دختر افغان درراه نجات وطن بود با پیروزی سربازان ومرگ ملالی خاتمه یافت .

علاوه برآن درین بخش، نمایش لباس نز جاداشت . نمایش لباس، نه به آنگونه ایکه باآن آشنایی داریم‌وبارها وتکراری دیده‌ایم، بلکه نمایشی کاملا تازه وابتکاری .

آنهارسوم وعنعنه واقعی کشور شانرا به صحنه کشانیده بودند ومرحله به مرحله به نمایشات آن پرداختند. کفیم مرحله به‌مرحله بلی، آنها ازچادری، دلاق سروع کردند وبا سیرزمان یکجابه پیش تاختند .

چ دری بدون دلاق، چادری باجراب نایلون، لباس معمولی ومروج امروز (پیراهن زر ی، تنبان سفید، چادر کتودار باآرایش غلیظ .) وچهره زن افغان رادر اولین (روی لچی) به صحنه آورده بالاخره بانمایش بالاتنه وپطلون ومینی ژوپ مسیر زمانرا به عصر کنونی که دامن ها بلند (دراز) وبه گفته عام (باستر) گردیده کشانیدند .

گذشته ازآن، گنجانیدن خواندنهای قوالی ودسته جمعی شاگردان ورقص های زیبا واتن ملی زیبا ترازآن بخش کنسرت را تازگی بخشیده وگیراتر وجالبتر ساخته بود. البه هنرنمایی وسهم گیری شهناز علیزی یك نن ازشاگردان آن‌لیسه درین بخش قابل یادآوری وستایش است . شهناز در قسمت عمدهٔاین بخش (کنسرت) نقش های فعالی به عهده داشت . اونه تنهاخوب میخواند بلکه خوب هم بازی میکرد ودر تمام رول هایش (درام، خواندن، اتن) موفق ومسلط بود. چنا نچه خواندن قوالی (خواجه اجمیر) که توسط و ی وهمراهانش اجرا شدباحرکات موزون ونواختن موزیك توسط خودشاگردان حضار را محو ساخته بود .

رقص وخواندن گلفروش ، اتن زیبای ملی توام باترانه پشتو ،خواندن ترانه‌های‌وطنی، آواز گیرای لیلاملك سهم گیری فعالانه شاگردان پراستعداد آن لیسه وهمه وهمه‌این برنامه راممتایز واز یکنواختی بیرون ساخته بود .

ناگفته‌نماندکه ادارهٔ مکتب وبویژه متصدیان امور هربخش (محبوبه منصوری، فهیمه انوری وصفیه سهیمی) درین تجلیل وبزرگداشت توجه زیادی مبذول داشته بودند که در خور یاددآوری است .

ولی، ولی آیا اینچنین جشن هاوکنفرانس هاولو هرقدر باشکوه هم، برای احقاق حقوق زنان وبحال زار ونزار زن افغان کافی‌است ؟ ویا آیااین محفل هاوبرگزاری ها میتوانند به تنهایی کاری ازپیش برندو درتحصیل‌مساوات حقوق زنان ، یکه‌تاز وسودمند باشند؟ ویا.. به‌یقین نه، این برگذاری هاوتجلیل هاصرف به‌منظور بزرگداشت وقدر دانی از سال ز ن وسالی است که درآن زنان تبارز کرده اند. دست بدست هم داده‌اند تایکجا یی وباتلاش دسته جمعی به نتیجه ای برسند .

پس، ای زنان ! بیائید تنهابه این جشن‌ها دل شاد نسازیم وفقط به تجلیل وبزرگداشت این سال اکتفانکنیم . بیائید شعار(مساوات صلح وانکشاف)راباصدای بلند، باتصمیم قاطع وباایثار وازخود گذری به صحنه عمل کشانیم تاباآرزوی دیرینه مان نایل گردیم، زنجیر هارابگسلیم زن محکوم افغانراازقیدو بندآزاد سازیم .

فعالیتهای هنری در پوهنتون کابل



پیغلو نسرین ،فوزیه وزرغونه‌محصلات پوهنځی اقتصاد هنگام اجرای اشعار جمهوری .

فعالیتهای هنری پو هنتون کابل درین روز ها دلچسپ ودید نی‌شده وتا به حال بیش از سی هزار استادو محصل وخانواده های شان ازین پروگرا مهادر آدیتور یوم پوهنتون دیدن نمودند.

ښاغلی نثار احمد ضیاء مدیر سمعی وبصری پو هنتون تو ضیح مطلب بالابه‌جواب سوال‌دیگر گفت پرو گرام هنری اخیر به سلسله فعالیتهای هنری پوهنتون از طرف محصلان پو هنځی ساینس به کمك مدیریت سمعی وبصری به‌نما یش گذاشته شد که شا مل دو قسمت

یکی کنسرت انترك‌بودبخش کنسرت پروگرام بوسیله دو گروه هنری شرقی ودیگری غربی اجرا گردیدکه همه آنجا محصلان پوهنځی ساینس بودند که‌تعداد شان به‌بیست نفرمی رسید وی افزود پرو گرام هنری پوهنځی ساینس هشتمین نما یش هنری بود که‌در طول سال جا ری روی صحنه آمدوالبته این پرو گرام های هنری بر علا وه نمایش فلمهای هنری وتر بیوی وکنفرا نسها و سیمینار ها می باشد.

اوگفت قبلا نما یشات هنری پوهنځی های‌حقوق ،ادبیات،انجنیری ودیگر گروه های هنری پو هنتون از طرف این مدیریت بروی صحنه آمده که‌از طرف تماشاچیا ن باستقبال بسیار گرم مواجه شده است.

ښاغلی‌ضیاء بجواب‌سوال دیگری گفت زندگی در محیط علمی، امروز تنها کتاب ودرس نبوده بلکه در پهلوی آن محصلان به فعا لیتهای ما ورای در سی نیز احتیاج دارندکه زمینه رشد استعداد های ذهنی‌و اجتماعی آنهارامهیا سا خته محصلان رابرای پذیرش مشکلات آینده‌آماده سازد وهمچنان فعالیتهای اجتما عی مشترك رامیان محصلا ن بیشتر ساخته زمینه تفاهم بیشتر میا ن آنهارا فرا هم نماید که باین اساس امسال تصمیم گرفته شد تا درداخل پوهنتون چنین فعا لیتها را گسترش بدهیم وخو شبختا نه حالا در هر هفته نما یش دو فلم هنری‌در هر پانزده روز باجرای کنسرت ما مو فق شد یم بر علا وه در پهلوی آن نمایش فلمهای تعلیمی وکنفرانسهای علمی مبادرت میو رزیم.

مدیر سمعی وبصری پو هنتون گفت دروسط این ماه کنسرت محصلان پو هنځی اقتصاد بروی صحنه ظاهر خوا هد شد وفلمهای هنری افغانی ،ایرانی وهندی نیز برای سر گرمی بیشتر محصلان بنمایش گذاشته میشود تا محصلان در جریان امتحا نات‌سالیا نه خستگی امتحا نات را نفهمند.

ښاغلی ضیاء بجواب‌سوال دیگری گفت باوجود کم بودن فعالیتها ی هنری با زهم علا قمندان فعالیتهای هنری پو هنتون خیلی زیاد است چه استادان محصلا ن واعضای خانواده های شان وهمچنا ن علاقمندان خارج پوهنتون بادلچسپی خاصی ازین پرو گرامها دیدن می نما یند که تعدا د شا ن ازسی هزار بیشتر است وبا بانتظار تشریف آوری سایر علا قمندان پروگرامهای هنری‌پوهنتون هستم .



« چه میشود» پارچهٔ تمثیلی بود که از طرف محصلین پوهنځی‌ادبیات به نمایش گزارده شد .



محصلان پوهنځی ساینس هنگام‌اجرای یك پارچه فلکلوری که بـــااستقبال زیاد تما شا گران رو بروشده دیده میشوند

گروه هنری پو هنځی ساینس که‌باکف زدنهای پرشور تما شا گران‌روبرو شدند در یکی از کنسرت های‌شان دیده میشوند .



محیط آرام،فضای مساعدی برای حل سوالات کانکور است.

امتحان کانکور پوهنتون

امسال در حدود شا نزده هزار فارغان لیسه های کشور در امتحان شمول پوهنتون اشتراك خوا هند نمود.

امتحان شمول برای فار غان‌لیسه های ولایات کند هار، هیرمند،فراه نیمروز، با میان، غور، باد غیس- لغمان ولیسه‌های گرم سیر ولا یت ننگر هار صبح روز ۲۳ عقرب‌گرفته میشود وتاریخ اخذ امتحان فار غان سایر لیسه هابعدا باطلاع رسانیده خواهد شد.

یك منبع پوهنتون ضمن توضیح مطا لب بالابجواب سوالی گفت‌نتایج امتحان وشمول پوهنتون قبل ازماه حمل سال آینده ابلاغ خوا هد شد.

منبع بجواب این سوال که‌از کدام معیار هابرای ساختن‌سوا لات‌امتحان کانکور استفاده بعمل می آیدگفت: معیاریکه در سا ختن سوالات امتحان کانکور بکار برده میشود عبارت از پروگرام فعلی درسی صنوف ۱۲- ۱۱-و۱۰ مکاتب است. منبع بجواب سوال دیگری گفت یك فارغ صنف ۱۲در سالی یك مرتبه وبحیث کلی سه‌بار حق اشتراك درامتحان‌کانکور رادارد که امسال امتحا ن شمو ل پوهنتون دردو رشتهٔ علوم اجتماعی وعلوم طبیعي طور جداگانه اخذ میگردد واگر یك فارغ صنف ۱۲ کانکور علوم طبیعی موفق شودحق شمول رادر یکی ازپو هنځی هـای انجنیری،طب کابل، طب ننگر هار پولی تخنیك، زراعت،علوم، فارمسی ووترنری حاصل میکند کانکورعلوم طبیعی شامل پنجاه سوال ریا ضی پنجا سوال علوم‌طبیعی وپنجاه‌سوال زبانهای پښتو دری میبا شد.

منبع افزود کسانیکه در کا نکور علوم اجتماعی مؤفق شو ند دریکی‌از پوهنځی های ادبیات، حقوق،اقتصاد وشر عیات شامل شده میتوا نندکه سوالات علوم اجتماعـــی عبارت از پنجا سوال ازعلوم اجتما عی پنجاه سوال اززبا نهای‌پښتو ودری وپنجاه سوال ریاضی است که‌البته سوالات ریاضی رشته علوم اجتماعی آسانتر می باشد.

منبع متذکر شد چون در بعضی لیسه هارشته بندی علوم اجتماعی وعلوم طبیعی تطبیق شده ولی در لیسه های دیگر این رشته بنـدی صورت نگر فته باین صورت یـك فارغ صنف دوازده اختیار دارد که‌یا کانکور علوم اجتماعی راسپری‌نماید یاکانکور طبیعی را با ین معنی کـه یك فار غ التحصیل تنها در یـك رشته میتواند امتحان بد هد.

منبع بجواب این سوال که‌تعداد فارغان لیسه ها سال بسال زیاد- شده میرود. براساس پلا نهـای انکشا فی دولت وبادر نظر داشـت رفورم معارف چه تغییری در تعـداد جدید الشمول پو هنتون رخ خواهد داد گفت. که‌نظر به‌پرو گرام پیش بینی شده هرسال در حدود چهارتا پنج درصددر حجم جدیدالشمول لان پوهنتون افزایش رخ میدهد.

ازمنبع مذکور پرسیده شد کـه کانکور صنوف هشت مکتب هـا بالای کانکور پوهنتون چه تاثیـری خواهد داشت ؟گفت. تاثیر مثبـت دارد زیرا سویه تعلیمی شا گردان بهتر می شود.

منبع‌مذکور بجواب این سوا ل‌که نمره شمول پوهنتون چگو نه تعیین میشود ومفهوم نمرات اختصا صی پوهنځی هاچیست؟گفت نمره شمول درپوهنتون ثابت نمی باشد ونظربه سطح نمرات کاندیدان ضـرورت مؤسسا ت کشور وگنجا یشـــ پوهنتون تعداد جدید الشمـو لان تعیین میشودمفهوم نمره اختصاصی عبارت ازذوق واستعداد دختر وپسر درمضا مین‌بخصو ص همان‌پوهنځی که خودش علاقه نشان داده میباشد. عین مضا مین که شا مل امتحان- کانکور است هم نمرات اختصا صی هر پوهنځی را تشکیل مید هدوهم مجموغ نمرات آن نمـره شمـــول پوهنتون می باشد.

بقیه درصفحه ۶۳



گوشهٔ از صحنه ای امتحان کانکورپوهنتون

مصاحبه از الف زلمی

توفیق: هر چیز یکه زیباست شعر است



بناغلی توفیق

به سلسله مصاحبه های اختصاصی بـــا شاعران معاصر کشور، روی موضوع شعراین هفته گفتگویی داریم بابناغلی عبدالحسیـــن توفیق یك تن از شاعران کشورما .

ـ ازآقای توفیق می پرسم شعر چیســت وچه وظیفه دارد ؟

ـ میگوید : شعر بیان لطیف احساس‌است وظیفه آن اداکردن مطلب به نحو خوبتــــر و شایسته تر وزیباتر .

ـ شعر کی وچگونه پیداشده است ؟

ـدانشمندان درجستجوی هستند وبودند که فهمیده شود شعرکی وچگونه پیدا شده است . کتاب هابرآن نوشته‌اند، ولی به عقیده شخصی من چون شعر سخن منظوم وموزون است از آنگاه که صدا وصوت موجود شده شعر از همانوقت پیداشده وبوجود آمده، وچون صدا باطبیعت یکجا بوده حتماً شعرهـــم باطبیعت یکجا بوده وانفکاکی ازهم نداشته وگرنـــه صدای متناوب ودلپذیر قطرات آب را کـــه بایك نظم خاص برسطحی میریخته وفاصلـه های‌ضربه چکش را دردل ناقوس وجرس‌از اثر حرکت یاوزش باد یاقدم بــــرداشتن و گذاشتن اشتران قطار رادردل‌صحرا که‌باحرکت منظم‌طنین‌موزونی‌ایجاد میگرده‌چه گفته باشند؟

موسیقی های دلپذیر طبیعت رادر ریزشــ آبشار وریختن باران‌وترنم مرغکان‌وگاه صدای ماشن‌قافیه وتکیه‌خلق میکنند ازنظر دور نباید داشت وباینصورت شعر و موسیقی وصدا ، باصدد وموسیقی وشعر هما هنگ طبیعت‌اند و باطبیعت‌همراه بوده و هستند وخواهندبود.

ـ می پرسم رسالت شاعر کدام است ؟

بناغلی توفیق درینباره چنین ابـرازنظــــر نمـــود :رسالت شاعـــر آنستکه سیـــم های ارغنون حیات و احساس رابه لطیف تریـــن وپرشور ترین وگیرا ترین آهنگ پنجه کنــد و مردم رابه خوبیهای سخن ،حسن اداوزیبای کلمات ومطالب عالی‌ادب‌آشنا بسازد وتارعواطف بشری رابه شایسته ترین نحو بصدادر آورد. سخنان‌دلی‌رابه دلهایی برساندواحساس‌خودرا به خوبترین طرز منتقل سازد که همه جـزو رسالت شاعر است .

ـ هدف ازشعر درجامعه امروزی چیست ؟

ـ چنانکه در جامعه دیروزی بود، زیراهیچ شعری بدون هدف دیده نشده است .

ـ بناغلی توفیق فرق بین شاعر دیروز و امروزراچنین بررسی میکند: من فرقی چندان نمی بینم، شعر دیروز آیینه دار زمان خـود وشعر امروز نیز آیینه دارزمان خویش است وهرکدام به منطق خود :

بلبل به نواخوانی ومطرب به ترانه !

ـ ادبیات مترقی یعنی چه، وچگونه‌میتوانیم آنرانشوونما دهیم ؟

ـ هر ادبیات که مطابق وهم آهنگ بزمان خویش باشد ،چنگی بدل‌زند ،همان ادبیـات مترقی است‌که در نشوونمای آن نیز خودزمان توسط فرزندان دانای خود اینکار را میکند . وبسا ادبیاتیکه هم بکار دیروز آمده وهم بکار امروز می آید بدین تخمین :

مزرع سبز فلك دیدم وداس مه نو
یادم از کشته خویش آمدو هنگام درو

یا:ـ میازار موری که دانش کش است
که جان دارد وجان شیرین خوشست

یا:ـ بود مرد هنر ور را هر انگشت
کلیدی بهر فتح رزق در مشت
از آن دسی‌که ناید هیچ کـــاری
بود برتن عجیب بیهـــوده باری

فکرمیکنم اینگونه شعرها، نووکهنه نداشته باشد وگردش ماه وسال جزء اینـکه اوراق آنهارا کهنه ساخته باشد به حقیقت آنهــا، تاثیری وارد کرده نمیتواند.

بنا غلـی تو فیـق در بـاره صفات ومـشخصا ت شعـر خـوب عـقیـده دارد که: همان شعر یکه بردل نشنید، شعر خوب است . وی درباره شعر مقیدبه وزن وقافیه وشعر آزاد گفت: همه شان‌ترنمی است کـه ازیك نقطه آفرینشــ اوج میگیرد ، درفضا میرقصد وبرسطح می نشنید ودرپناه اهتزازات خود زنده است وشعر آزددآنستکه در ظاهربه نثر مصنوع ویا گسسته شباهت میرساند . البته مطالبی‌که به وزن وقافیه اداشده باشد، بهتر به حافظه می نشیند .



توفیق : هیچ شعری بدون هدف‌دیده نشده است

ازآقای توفیق پرسیدم‌که فرق بین شاعر ونویسنده چیست ؟ درپاسخ اظهار داشت : هردو میکوشندکه صحنه وافق دیدو احساس خودرابه عالیترین وجهی آیینه داری کنند .

ـ ازدیاد شعرا ونویسندگان در جامعه چه مفادی رابار خواهد آورد ؟

• • •

ـ چنانکه ازدیاد الحان باعـث دلپـذیر ی گلشن است ، ازدیاد شعرا ونویسندگان و ارباب علم وفضل نشانه غنای یك محیط است

بقیه درصفحه ۵۹

یا:

ابروباد ، ومه وخورشیدوفلك درکارند
تاتونانی به‌کف آری وبه غفلت نخوری
همه از بهر تو سر گشته و فرمانبردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

یا: ـ توانا بود هر کـــه دانا بود
ز دانش دل پیر بر نـا بـــود

برگ درختان سبز در نظر هو شیـار
هرور قش دفتر یست معرفت کردگار

یا:ـ گر مرهم دلی نشوی نیشتر مباش
عبادت بجز خـد مت خلـق نیست

(لعبت)

هرکه شعرم خواند میگوید بدل
نالهٔ این نی چه آتش میزند ؟!

• • •

قامتم بیند بخود نجوی کند
کاین کمانچه ساز دلکش میزند

• • •

راستی مضراب جان بخشای من
پنجه برجان مشوش میزند
باهمه افتادگی ،ویرا نگی
کس نمیداند خراب کیستم ؟!

• • •

هرکه میخواند نوای شادمن
حیرتی دارد که خندانم چرا ؟

• • •

گوش برآوای من داد ونگفت
کس که ـ همچون تارنالانم چرا ؟

• • •

از کبابم هرکسی لذت گرفت
کس نگفت اینگونه بریانم چرا ؟
می چکد خون ازدل سوزان من
کس نمیداند کباب کیستم ؟!

• • •

لعبتی روی ستیج خاطرم
گرم میرقصد که بربادم کند

• • •

شاد می چیند بساط حسن خود
تابناز وغمزه ناشادم کند

• • •

میزند ناخن بتار جان من
تا زدست خود بفریادم کند
رازدل ازپرده بیرون می فتـد
محو روی بی نقاب کیستم ؟!

• • •

ای مسلمانان ! زروی مرحمت
دست من بگرفته پیش اوبرید

• • •

قصه زنار بستن های من
خدمت آن کافر بدخو برید

• • •

همچو مودر آتش عشقم مرا :
پیش آن زیبای مشکین موبرید

• • •

تابپرسم از دو چشم مست او
کاسه خونم شراب کیستم ؟!

«توفیق»

دسرور زوی ژباړه

په آزاده هوا کښې يوه مدرسه

خه دپاسه شپيته کاله کيږی چه دډی مدرسی زده کوونکی چه عمر يی له اووکالو څخه تر شپاړ سوکالو پو ری رسيږی دما سا چو ست په وودز هو ل کی د کيپ کاد سا حلی کرښی او ولاړی اوبه دزده کـړو دپروژو له جملې نه دیوی پروژی په نامه څيړی دلته دزده کوونکو دپاره دطبيعی علومو دڅيړنی مـد رســه شته او دومره ملاتړ کوونکی لری چه دټل دپاره يو زيات شمير خلك وار نيسی ترڅو په دی مدرسه کښی ځپل نوموونه وليکی، په‌دی مدرسه کښـی له‌دی امله په علومو ټينکار شويدی چه‌دامريکا ددوو معتبرو مؤ سسـو يعنی دوودز هول داوقيانوس‌ايستلو دمو سسی او په سيند کښی دژوند کولو دپيژندنی دلابراتوار دزده‌کړی دبی سارو کارو څخه استفاده وشی.

دزده کړی دوره شپږ اونی وخت نيسی چه‌په اونی کښی پنځه ورځی اوپه ورځ کښی يونيم ساعت لوست په‌کښی کيږی.

دغه دوری کال په‌کال توپيريبدا کوی اودزده کړی په هغه کادر پوری اړه‌لری‌چه په‌پرله‌پسی ډول بدليږی‌او په‌هره دوره‌کښی‌شل ننه زده‌کوونکی منی.

دمدرسی زده‌کوونکی ليری سيمی دعلمی تحقيقاتو دپاره په دی توکه لټوی





په سيندو نو او کو چنيوسيندونو کښی علمی گرځيد نی دعلو مو دمدرسی له‌سترو اوخورا ښوفعاليتو نو څخه دی.د مدرسی زده کوونکی دکيپ کاد له سوا حلو څخه‌تيريږی ترڅو دډول ډول ځنا ورانو نه‌ونی راټو لی کړی.



دمدرسی زده کوونکی مدرسی‌ته‌ننو توپه حال کښی

دغه مدرسه دزده‌کړی یو ځانګړی اوغیر انتفاعی واحددی چه‌دووزدخول دلیسو دودانیو تر څنګ پرته ده‌اود دا/طلبو میندو اوپلرونو څخــه‌د ورلو راوړلو داسا نتیاوو دبرابرولو اواداری مرستو دپا ره استفـــا ده کوی.

دهرزده کوونکی دپاره‌دزده کـړی اجوره لږتر لږه شل ډالره ده اوهر کال ددری سوه تنو په‌شا وخوا کی زده کوونکی نومونه لیکی دیر زده‌کوونکی دزده کړی دپای نه وروسته بیرته ورځی څک ه‌چه‌دزده کړی دعه ډول لاره یی خو ښه ده دژوندانــه ډولو نه اود شاوخوا چاپیریال سره دهغوی اړیکی په‌وودز هول کښــی‌د کو چنیا نو د علو مو د مد رســی‌د پرو ګرام د لو ست اصلی‌مو ضوع ده‌اصلاداښته‌د محلی کوچنیا نــو او هغو کسانو دمشغول ساتلو دپاره ځای وچه ددوبی په موسم کښی دی ځای‌ته راتلل اوټخا او سندری ویل ورزده کیدل، وروسته بیایو لړ نور ټولګی جوړ شول ترڅو ځوان زده‌کوونکی‌په عملی طریقی اود طبیعت په‌کتنی سره‌دهغه‌په‌اسرارو وپوهیږی هره دوره په‌خپل چوکاټ کی بشپړه ده‌او دزده کوونکو دیوی خا صــی ډلی دپاره تنظیم شوی ده.

هیڅ ډول رسمی ازموینه نه لری اوله داوطلبانو څخه هیڅ علمی‌مدرك نه غوښتلی کیږی په نتیجه کښی‌د هغوی ترمنځ څه سیا لی وجود نه لری او ټول دزده کړی دخو ندو نو دپاره په دغو فعا لیتو نو کښی‌برخه اخلی.

دزده‌کړی پروګرام چه‌هر دو بی بدلیږی لوړی زده کړی په‌تیره بیا په‌سیندو نو کښی ژوند پیژندنه‌د

پاتی په ٤٦ مخ کی



دمدرسی زده کوونکی دخپلــو درسی پرو ګرامو نو اوتجر بو پــه ترڅ کښی په خوږو اوبو با نــدی‌ازمایښتو نه کوی.



اسپانیا، کشوریکه اکنون در آن بی نظمی داخلی حکمفرماست

سرزمین کاشفین بزرگ جغرافیا - مرکز زیباترین رقصهای جهان

وطن اصلی سپورت معروف گاوبازی

مهمترین کشور توریستیک جمهوریت اسپانیا

در اواخر قرن پانزدهم میلادی دنیا بـرای اروپاییان بزرگتر شده اکتشافات جغرافیایی زیادی صورت گرفت علت اصلی‌این اکتشافات میل جستجوی راه جدیدی بسوی هند بودکه سرزمین معدن گرانبها وادویه نایاب بشما ر میرفت و نتیجه آشدکه کوارتز وپیزارو برای اسپانیا مستعرات بزرگی را بدست آوردند . واسپانیارااز غنی ترین دول اروپایی گردانیدند. استقرار عثمانیان بر سواحل مدیترانه شرقی وبسته شدن راه آسیا ازطرف مصرو شـــام و کمیابی امتعه چین و هندوستان ممالـــك اسپانیاوپرتگال ازترقی فن دریانوردی واختراع قطب نما استفاده کرده ازمیان اوقیانوس اتلس راه غرب راپیش گرفتند . هنگامیکه پرتگالیها مصروف یافتن راه هندوستان از جنوب‌افریقا بودند کرستف کولمب ازطرف اسپانویهـــا مشغول دریانوردی وکشف راه هند از طریق بحربود کولمب پس ازسختی ومشکلات زیادی یکی از جزایر آنتیل رسید و تصـورکرد که هندوستان است و تا اخیر زندگی نفهمید که سرزمین کشف شده مذکور غیر ازهند براعظم جدیدی است، تاآنکه امریکوآنرا کشـــف و امریکا نام‌نهاد پس کشف این‌بر اعـــظم بزرگ ازاکتشافات مردمان این کشور است . تمباکو که امروز اهـــالی اروپـــا در دودآن میسوزند نیز توسط سیاح اسپانوی به اروپا آورده شد. کورتز اسپانوی مکزیك را تصرف وپیزارو پیرورا غارت کرد .

اسپانیا درتمام دوره ای اموی ازطرف‌والیها اداره میشد همینکه عباسیان برمسند خـــلافت نشستند عبدالرحمن خودرا نجات داده بـــه اسپانیاگریخت ودرآنجاازبی نظمی آنجااستفاده ودولت اموی اندلس رابنیاد نها د و۳۲ سال پادشاه بماند مسجد معروف کوردو (قرطبه)که حالا کلیسا شده ازبناهای اوست . عبدالرحمن سوم‌که بزرگترین خلیفه اموی اندلس اســت سلاطین عیسوی لیون، کاستیل نواررامغلوب ومهاجمین افریقه رااز اسپانیا راند و تعـداد مسلمین دراین کشور روز افزون گردید . تاریخ مدنیت اندلس ازادوار طلایی تاریـخ اسلام است .

مسلمانان، اندلس اسپانیا رااز ممالك ممتاز عالم ساختند چه ازحیث بنا وساختمانی وچه ازرهگذر علم ومعارف وطبابت نظیری نداشت و از نقطه نظر ساختمان و زیبایی ونقاشـی ازعجایبات روزگار شمرده میشد در تمام‌منازل آب بواسطه نلها تقسیم میشد ودر شهـــر دارالعلوم هابود وهر شخص در خانه ای خود کتابخانه داشت .درصنایــــع نــــز اندلس ترقی زیادی داشت، رنگ سازی، چرمگری ، کاغذ وقندسازی ترقی شایانی کرد، از معادن استفاده کافی بعمل مــــی آمد .امــوال و مصنوعات اسپانیا بدنیای خارج صادر میشد تجار اسپانوی دراروپا وافریقا به تجـــارت اشغال داشت قرطبه مرکز بزرگ تجارت‌وقت شمرده میشد. درحفظ ونگهداری وجود وپاکی بدن توجه ای خاصی داشتند چنانچه تنها در شهر قرطبه ۷۰۰ حمام وجود داشت برعـلاوه طبابت به حداعلی خود رسیده بود سپـور ت اهمیت زیادی پیدا کرده سپورتمین های اروپا بقرطبه جهت مسابقه می آمدند خلاصه دنیان متمدن روشنی علم ودانش راباآهنگ نوی از دست اعراب گرفتند وتاحال قصور، باغها و عمارات باشکوه دوره اسلامی مانند الحمراء در شهر غرناته باقیمانده است .

اسپانیاهمان کشوریست که روزی در جهان ماامپراطوری بزرگی رادارا بود بعداز آنکـــه امریکا توسط دریانوردمشهور این کشوربه تشویق دربار اسپانیا کشف شد برعظمت این کشور افزوده شد. اسپانیا درگذشته پنجمین کشور مستعمراتی جهان بودکه مستعمرات زیادی در آسیا ،افریقا وامریکا داشت. اسپانیاه‌بـر ٦ حصه شبه جزیره ابریك رادر بر گرفته از فرانسه توسط کوههای صعب العبور پیرنـه جدا میشود . کوه سیرانوارا درجنوب اسپانیا ازبلندترین کوههای این کشــو ر محســو ب میگرددکه بلندترین نقطه آ ن به ۳٤۸۱ متر میرسد ازبزرگترین دریای این کشور تاگ وابرو رامیتوان نامبرد .

اقلیم درسواحل‌معتدل وبحری بوده ومتباقی حصص اقلیم بری دارد ازاینرو د ر حصص مذکور زمستان سرد وتابستان سوزان دارد. اسپانیا کشور اقوام وکلتور مختلفه بوده و بیشتر نفوس این‌کشور راکاستیلی‌ها،گالیس وباسکاها تشکیل میدهد . زبـــان ر سمـــی اسپانوی وادبیات اسپانیا بلسان کاستیلـی میباشد . شهر های بزرگ برعلاوه پایتخت پارسلونا، والنسینا، سویلاومالاگا میباشد . بصورت عموم اسپانیا ۱۵۲ حـــوزه اددری قسمت یافته است .

اسپانیایگانه کشور میوه جات مدیترانه‌یی ازقبیل مالته، سنتره ولیمو بوده وتولیدات آن ۳۰ فیصد تولیدات جهانی راتشکیل میدهد از رهگذر بادام ونیشکر یگانه کشور اروپایـی بشمار میرود . درختان زیتـون وکـــارك در اسپانیا زیاد و اولن صادر کننده کارك‌جهان میباشد .

یکی از واصله طبیعی بین بحیره مدیترانه (روم) بحر اتلانتك همانا آبنای معـــروف جبل الطارق است که بیشتر بسوی جنـو ب اروپا رابشمال مراکش تمایل بخشیده است طول آبنای مذکور ۹۰ کیلو متروکمتریـــن عرض آنرا بین خاکنای مروتی (آخرین نقطـه اروپا بسوی افریقا) وسیری (نزدیکترین‌نقطه افریقا بسوی یورپ) که از ۱۵ کیلومتر تجاوز نمیکند تشکیل میدهد . نسبت بسایر آبناهای اروپا آبنای جبل الطارق عمیقتر ویگانه محلی که عمق کمتر رادارد عبارت ازخط سیرجهازات میباشد که‌عمق آن در آبنابه ۲۰۰ متره‌رسد.

لطفا ورق بزنید



آسپانیا چنین دکانهای مملو ازصنایع‌دستی‌رادرهرقلم برخ سیاحین میکشد.



از کلیسا ی معروف «یعقوب مقدس» درسرز سانتیاگو در کومپو ستیلا



در استوریا اساسات زراعتی بشکل‌عنعنوی آن تا امروز حفظ شده است

ازاینرو چقری آبنای مذکور رول مهمی راجهت تصفیه آبهای بحیره مدیترانه وبحر اتلانتیك بازی میکند . سواحل دوطرفه تنگنا صخره‌یی وعبور ازآن مشکلست که بیشتر شکل‌آبشار دارند وصخره هاامکانات تاسیس چندین بندر ماهیگیری رابوجود آورده است .

درادوار قدیم آبنای مذکور جلب توجه دو بحراعظم رابخود جلب کرده بود. فنیقی ها وهم چنین یونانی ها آبنای جبل الطارق را سرحد اکتشافات خود میدانستند . بعداز یونانی ها سواحل آبنای مذکوربدست فارسیها افتاده سپس موقع برومی هارسید بعداکاسها برای مدت ۲۰۰ سال بالای آبنای مذکورحاکمیت قایم کردند ونورمن هاشایداولین دریانوردانی باشند که آبنای جبل الطارق راعبور کرده‌اند.

اسم جبل الطارق درقرن ۸میلادی گذاشته شده است یعنی درسال ۷۱۱ میلادی هنگامیکه موسی بن نصیر نایب الحکومه افریقای شمال طارق رابفتح اسپانیا گماشته ودرنتیجه یك جنگ مهم وتاریخی درخاك اندلس درکنار رود گوادالات، شاه اسپانیا ازبین رفت اسلامیت درخاك اروپا ازگوشه جنوب عرب نفوذ کرد طارق هنگام عبور ازآبنادر پای صخره های آنجا مرکز گرفته شروع بفتوحات می کند وازآنروز ببعد آبنای مذکور بنام جبل الطارق (کوه طارق) نام نهاده شد سپس بعداز ۲۵۰ سال حکمروایی اسلام آبنای مذکور بدست انگلیسها افتاده وجبل الطارق کلیدی بود که انگلیسها ازطریق بحیره مدیترانه بسوی هندوستان راه یافته ومستعمرات زیادی بدست آوردند تااینکه در۱۹٤۷ هندازقلمروانگلیسها خارج گردیده ودر ۱۹۵٦ کنترول آنها ازکانال سویز خاتمه یافت در ۱۹۵۹ قبرس و در ۱۹٦٤ مالتا وبالاخره درختم ۱۹٦۷ عدن از مستعمرات انگلیس خارج گردید وتنها جزیره نمای طارق (کلید بحیره مدیترانه) برای انگلیسها باقیماند . باوجود تقلیل رول‌سیاسی وعسکری شهر طارق هنوزهم برای انگلیسها حیثیت یك بندر ترانزیتی مهم بحری را داراست چنانچه در ۱۹٦٦ درحدود ٦۵ هزار کشتی ازین راه عبور کرده اندکه بعداز هر۸ دقیقه یك کشتی ازآن عبور میکردکه این رقم ۳½ مراتبه نسبت به کانال سویز و۷ مراتبه نسبت به کانال پانامه بیشتر بوده است بعداز افتتاح کانال سویز اهمیت جهانی آبنای جبل الطارق کاسته شد .

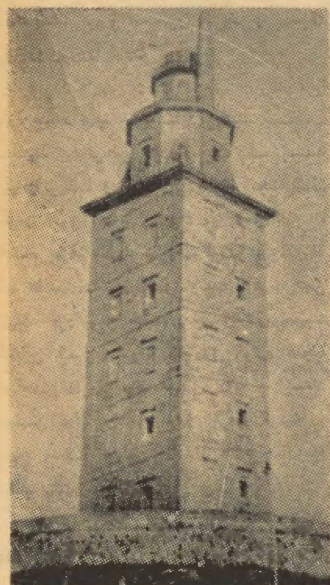
طارق که یگانه شهر وبندرگاه انگلیسها و درجنوب اسپانیا موقعیت دارد دارای ٦ کیلو متر مربع ساحه و۲۷ هزار نفر جمعیت میباشد تقریبا ¾خاك طارق را سنگلاخ پوشانیده امکانات زراعت را ندارد چون دارای سواحل مقبول ودرعین زمان باغ الامیداکه ازساختمان های اوایل قرن ۱۹ میباشدازهرحیث تماشایی ومورد توجه توریست هاست این باغ که‌بالای صخره های مقبول ساخته شده است یگانه باغ اروپایی است‌که انواع شادیها آزادانه در گردش وتحت تربیه گرفته شده اند .

سیاحین دراین شهر اضافه ازیك یادوروز اقامت نمیکنند باآنکه درهوتلهای آنجا بیش ازیکهزار بستر موجود وتعداد مهمانان دراین سرزمین سالانه به ۲۵۰ هزار نفر بالغ‌میشود. درمدت ۲۵۰ساليکه اسپانيا شهر طارق را از دست داده وبتصرف انگلیسها درآمده است چندین مراتبه جهت دوباره بدست آوردن خاك خویش کوشش کردند ولی بی نتیجه ماند اهالی جزیره نمای طارق رااسپانوی،پورتگالی ایتالوی وانگلیسی تشکیل داده به هوتلداری وصنایع مترقی نساجی، تمباکووماهی مشغول اند. بسال ۱۹٦۲ در طارق ۱۰ هزار اسپانوی استخدام گردیده که عایدات سالانه شان از ۲-۳میلیون پوند استرلنگ تجاوز میکرد .

میدان هوایی جزیره نمای طارق (جبرالتار) که نزدیك منطقه بیطرف بین اسپانیا وجزیره نمای مذکور ساخته شده تقریبا ۳۰۰ متر در بحر بسوی غرب دنوی آن پیش رفته است وازمیدانهای هوایی مدرنی میباشدکه انگلیسها درآنجا ساخته اند . ترانسپورت هوایی براعظم اروپا درحال حاضر به ۱٤۵ شرکت هوایی رسیده است و کمترین پروازراشرکت هوایی (جبرالتار هیروید) دارامیباشد که دارنده یك طیاره دی‌سی ۳ بوده صرف بیك خط پرواز میکند که یك پروازبین طارق و تانگر (٦۰ کیلومتر) میباشد پرواز روز دو مراتبه صورت گرفته و۲۵دقیقه وقت رادر بر میگیرد ازمیدان مذکور دوشرکت‌هوایی‌انگلیسی استفاده میکنند که همه روزه بالندن ارتباط دارند . دولت اسپانیا ازچندین سال باینطرف اجازه عبور طیارات خارجی راازفضای منطقه بیطرف نداده لذایگانه راهی‌که طیارات مذکور بمیدان هوایی طارق برسند صرف از طریق بحر میباشد .

شان دولت اسپانیا راعقاب سیاه باسپری تشکیل میدهد ودرآن چهارسمبول دیده میشود که نمایندگی ازدولت شاهی آن‌کشور می‌کند. شیردرنشان مذکورلیون، قصرمعنی کاستیلیا، پسرباکمربند سرخ، طلایی سمبول شاهان دراگونیا و کاتلونیا رانمایندگی میکند و در سمبول چهارمی زنجیر های ناورا را نشان میدهد .

ناورا حوزه تاریخی درشمال اسپانیا که درقرون وسطی سلطنت جداگانه ای داشت. سانچوی سوم شاه اسپانیا (۱۰۰۰-۱۰۳۵) که خیلی مقتدر ودین عیسوی رادر سراسر اسپانیا انتشار داد پس ازمرگ سلطنت را بین چهارپسر خویش قسمت کردکه بالاخره دوحکومت جداگانه کاستیلیاواراگونیا رابوجود آوردندکه در سمبول این‌کشور دیده میشوند. این ناحیه اسپانیا تاریخ درخشانی از خود داشته زمانی منحیث یك سلطنت مستقل تمام اسپانیارابه شمول نواحی همجوار اداره میکرد



برج هرکولس یکی ازلایت هاوس هایی که‌درجهان امروز باقی مانده ۱۹۰۰ سال قبل توسط رومی‌ها در ساحل شمال اسپانیا ساخته شده است .

درین دوره اسپانیا بحداعلی خود رسیده بود بعدازمرگ سانچوی ششم ناورابدست شاهان شامپانی‌افتاده سپس بتصرف فرانسویهادرآمد ازقرن ۱۳ تاختم قرن ۱۵ ناورا شدیدا تحت اداره فرانسویها بود ودر ۱۵۱۲ دو باره



ازعید فلابرای انتخاب ملکه زیبایی دوشیزگان بابهترین لباس های محلی خودرا مـی‌آرایـایند



حیات بومیه اهالی دریکی از شهرهـای عالی اسپانیه

تحت اداره اسپانیا درآمده ومرکز کاتولیـک هاگردید .

ناوارایی ها تقریبا ده فیصد اهالی اسپانیا راتشکیل وزندگی شان باصنایع و زراعـت متکی است این حوزه مهم تاریخی اسپانیـا شاهـراه مهم بین اروپا و اسپا نیـا راتشکیل میدهد که ازکوتلهای صعب العبور گذشته واسپانیا رابا اروپای غرب و وصـل میسازد از آثار مهم تاریخی این حوزه کـه درشهرتاریخی پامپیونا واقعست کـلیسا ی میباشد که میتوان آنرایکی از کلیسا هـای عجیب وغریب اسپانیا شمرد که بطرزخالص رومنها بنایافته است . درمیان ساختمانی های تاریخی این حوزه یکی معبد مقدس‌اگجنامن وفرمینا میباشدکه ازفاتحین درجه یك اسپانیا بشمار میرود ودر جنگلهای اسپانیا ،فرانسـه جانفشانی قابل قدری نموده اند . اسپانویها بدین مناسبت جشن های دارند که از هرحیث جالب وروز های خوشی محسوب میشوند .

چنانچه جشن معروف فرمینا از۶-۲۰جولایی وعید فسیتا درشهر کپروسو ازیکشنبه او ل تادوم ماه سپتمبر ادامه دارد که درروز یکشنبه توسط مارش‌وآرکستراشروع عید اعلام میگردد طوریکه آرکسترا درجلو وبه تعقیب آن‌گروپی ازجوانان درحالیکه بیرقهای ملونی در دست داشته ودرآن نوشته ها ورسمای مختلفـی میباشد رقص کنان عیدرا استقبال می کننـد هرگروپ ازجوانانی که بنام سوادریلا یـا د میشوند تشکیل وبموضوعات اجتماعی خیلـی علاقه مند اند .

عید مذکور شکل فامیلی را نداشته بلکـه عمومی است آنها دورهم جمع ودر جاده هـا برقص وخوشی میپردازند بعداز رقص بـرای استراحت بمنزل برنگشته ، بلکه دور هـم درمحلی جمع وبنوشیدن نوشابه ها وخوراکه هاییکه درطول هفته جمع نموده اند میپردازند دراین محل که عبارت ازیك سالون بـزرگ میباشد همه دور میز نشسته موسیقی جوانان وملی بصدر سالون اخذ موقع‌نموده پیهـم نواخته وجوانان برقص وشادی میپردازند در این قسمت اسپانیا ارزش بیشتررادوشیزگانی دارندکه دارای موهای خرمایی باشند .

درروز دوم عید فسیتا مردم د سته جمعی ساعت دوبجه بسوی کلیسا شتافته ولبـاس این روز برخلاف روز گذشته بوده همه‌بلباس مرتب ، دریشی وبوتهای پالش زده آراسته میباشند زنان دستمال سیاهی رابسته وداخل کلیسا میشود وطبق معمول به عبادت عنعنوی خویش میپردازند . روز بعد عیدکه مراسـم رقص وعبادت خاتمه مییابد همه دسته جمعی بمحلی شتافته که درآنجا گاوبازی اجرامیگردد ساعت پنج عصر همه درمیدانی‌که قبلا تعیین شده میباشد گردآمده انتظار ورود گـاو را میکشند لاری مملو ازگاوبمحل مسابقه گاو ها راانتقال میدهد چندتن ازجوانان محلی ملبس

بقیه درصفحة

تیاتر پانتومیم

پانتو میم درام بی حرف، مرکب ازبالت ونمایشی که متن آنرااکتور ها به‌کمك اشارا ت چهره وحرکا ت اعضای وجود اجراء میکنند .

پانتومیم کلمه یونانی وبه معنی خاموشی کلی است یعنی هم چیز بدون سخن زدن .

پانتو میم به‌درام مختصری اطلاق می‌شد که‌اکتور های آنرول خودرا بادهن بسته یعنی بااشارا ت خاصی اجراء میکردند اگر به‌درامه هــای روی ستیج دقت کنیم بعضا بخش های راداراست که‌در آن خا موشی کامل حکمفر مابوده فقط حر کـت دستها وپا ها باحرکات عضلات‌چهره مطلب اکتور را اجرا میدارد .

همچنین بالت عصری بخش های دا د که‌در آن حر کات دانسر تنها به‌انتظام وهما هنگی بین حر کا ت اعضا وملودی مو زیك اکتفاء نکرده بلکه با اشارات و جســت و خیـز خود مطلبی رانیز به‌بیننده بیان می دارد.

ازجانب دیگر اوپرانیز بعضــی ازحر کات پانتومیم‌رابا سرود موزیك ودانس اجراء میکند. اینکه چه وقت پانتو میم دردنیا ایجاد شد معلــوم نیست ، ولی مشابه به پانتـو میـم صحنه نفر یحی وتفنن در زمــان امپرا طوری قدیم روم رواج داشت.

در آنوقت اکتور ها ماسکهای سه پارچه یی می‌پو شیدند وهر پارچـه آن شکل ورنگ مختلف داشت.

تیاتر پانتو میم بین سا لهــای ۱۷۰۰ و۱۸۰۰ عیسوی محبوبترین

بقیه در صفحه ٤٦



دست هاوپا هاوعضلات‌چهره‌مطلب‌را افاده میکند

حرکات مختلف‌بیانگر موضوع،است

زن و قانون

به مناسبت سال بین لمللی زن

نوشته : راحله راسخ

در حالیکه آخرین روز ها وهفته های سال بین المللی زن تجلیل میگردد، فیصله‌ای در جریان است تا به تعقیب پیروزی های زنان در جهان دهه انکشاف اعلام گردد وجهت یك مبارزه منظم دهساله بخاطر جبران همه مظالم که بر زنان روا داشته اند اقدامات عملی صورت گیرد.

اخیرا در واشنگتن کنفرانسی تحت عنوان (زن وقانون) دایر گردیده بود که از جمله اعلام نمودند. از آن جاییکه یکسال برای زنان کافی نیست باید دهه انکشاف زنان علام شده ودر سطح عالیتری با امکانات وسیع برای زنان مبارزه صورت گیرد.

در کنفرانس مطالب جالب وحیاتی مورد غور وبررسی قرار گرفت که دو مطلب ازهمه بیشتر قابل توجه بوده که مختصرا به آن انگشت می گذاریم.

مطلب نخست عبارت از وضع قوانینی است که در آن از حق مساوی زنان با مردان اعتراف صورت گیرد ودیگر اینکه باید درسواد آموزی وارتقاع سطح دانش، آگاهی وموقف اجتماعی زنان چنان فعالیت به عمل آید تا تاثیری مثبت آن متبارز باشد.

به تعقیب گفته های فوق موضوع دیگر چنین علاوه میگردد که زنان در پهنای تاریخ عظیم وکهن با اینکه خوب درخشیده اند ولی درهمه پله ها وزمانه های طی شده، فراوان رنج برده اند ودرخم وپیچ دهلیز های تاریخ با اینکه سخت درخدمت اجتماع قرار داشته اند بشکل ظالمانه منحیث اعضای فعال جوامع بشری محسوب نشده اند تا اینکه درراه احیای شخصیت اجتماعی وحقوقی خویش به مبارزه دست زده اندو دردهلیز های تاریخ هنگامه آزادگی را براه انداختند و بعد از نطفه بندی خموشانه وپیدایش نهضت های دیموکراتیک زنان قدم به عرصه پنهاور عمل گذاشتند وبابانگ وفریاد بلند از حقوق طبیعی وانسانی خویش دفاع نمودند وبه این ترتیب وارد مرحله رشد تدریجی شده وبا قبول شکست ها وحتی جهش های قهقرایی شجاعانه پایداری نمودند واز شکست ها پند وتجربه آموختند ودر عقب سنگر های آزادی خواهی پیروزی هایی را کمائی نمودند.

از جمله راه یافتن اسم وشخصیت اجتماعی زنان در قوانین بعضی از کشور های جهان، زنان حق رأی دادن را بدست آوردند وبعد از گذشت فرصت های دیگری زنان درانتخابات پارلمان ها ومجالس به حیث انتخاب شونده وانتخاب کننده شرکت نمودند

البته این مطلب به شیوه های گوناگون در کشور های مختلف راه عمل راپیدا نموده ودر بعضی کشور ها تاکنون ازآن اثری به مشاهده نمی رسد اما در کشور های مترقی و پیشرفته جهان زنان تااندازه توانسته اند آرزو هایشان رابه کرسی بشانند ودرین راه تا هنوز هم کوشاانند.

به ارتباط اعتراف حقوق زنان در قوانین ممالك این نکته قابل بحث می باشد که تنهاروی کاغذ از حق اجتماعی زن یاد نمودن دردی را دوا نمی نماید بلکه در راه عملی نمودن آن نیز فعالیت های براه انداخته شود.

طی پیشنهاد دیگری در کنفرانس واشنگتن روی مطلب ذیل با فشاری صورت گرفته که باید عملا سطح آگاهی، درك و موقف اجتماعی زنان در پرتو تعلیم وتربیت بلند برده شود وسعی درین طریق صورت پذیرد تا خود زنان مستقیما درطرح ووضع قوانین وایجاد شرایط مساعد سهم داشته باشند زیرا زنان خوبتر به مشکلات وپرابلم ها وتعدیکه برایشان شده بهتر پی می برندو چاره آنرا ماهرانه می اندیشند تا مردها.

با مباحثاتی که درین کنفرانس وکنفرانسهای عدیده ای درسراسر جهان صورت گرفته زنگها به صدا درآمدند ومطالبی ارایه گردیده که حالا همه واقعبینان وعدالت پسندان همراه با زنان درین راه گام نهاده وپیش میروند گرچه تدویر کنفرانس ها ایراد بیانیه ها ونمایشات فلم‌ها وغیره به این منظور ادامه دارد ولی امید است تا بازهم طرح های اساسی بنیان گذاری شود که برای عملی شدن آن بازهم کارشود وبامبارزات جدی درین طریق بسوی آینده قدم های استوار بر داشته شود.

سخنی که پیوست به مطالب گفته شده ضروری پنداشته می شود اینست که درین باره باز هم باید اندیشه صورت گیرد وراه‌حل های معقولی سنجیده شود تااین حق تلفی ها مرفوع گردد.

درنتیجه باتاکید وضع قوانین در مورد بالا بردن سطح آگاهی زنان همه زنان جهان بابانگ رسا اعلام می‌دارند که به تعقیب سال بین‌المللی زنان بایست دهه انکشاف زنان در سراسر جهان آغاز گردد زیرا این خواست عمومی همه زنان مبارز ترقی پسند ان و هوا خواهان نهضت های دیموکراتیک زنان در جهان است.

پیوسته بگذشته

فریادهای مرگ

دوکتور بایدوك بجواب آخرین جمله من گفت: این غیرممکن است . زیرا پروتیرو مدتی قبل ازآنکه ریدینگ باشما رو برو شود بقتل رسیده بود.

مالچت اعتراض کرد: امادوست من، یگانه کسی‌که ادعا کرده است مقتول نیم ساعت یا۳۵ دقیقه قبل به قتل رسیده، شما بوده‌اید.

– سی یاسی وپنج نه، بلکه ۲۵ دقیقه گفته‌ام ولی درهر صورت جنایت مقارن زمانی که ریدینگ باآقای کلمنت روبرو شده،اتفاق نیفتاده است . اگراینطور می بود هنگام معاینه من باید جسد گرم میبود .

من ومالچت بسوی هم نگاه کردیم . چهرهٔ بایدوك چنان تغییر کرده بودکه ویرا خیلی پیرترازسن وسالش نشان میداد . بعدی که این تغییر ناگهانی مراسخت دچار شگفتی‌کرد. مالچت که از حیرت زدگی بیرون آمده بود ، اظهار داشت :

– گوش کنید آقای دوکتور. نظربه اینکه ریدینگ اعتراف کرده‌که پروتیرو رادرساعت ربع کم هفت به قتل رسانده ....

بایدوك برپاخاسته حرف پلیس راقطع‌کرد: من بشماگفتم‌این غیرممکن‌است . اگرریدینگ چنین ادعایی کرده باشد بدین معنی است‌که وی دروغ میگوید . من يك دوکتورم و این چیزهاراهم خیلی خوب میدانم . خون مقتول درحال لخته شدن بود .

مالچت گفت: اگر ریدینگ دروغ گفته باشد ..... لحظه ای خاموش ماند وحرف خود راناتمام گذاشت بعد گفت: بروم ریدینگ راملاقات کنم .

درراه حرکت به طرف اداره پلیس کمتر حرف زدیم ولی درست در لحظه ای که از درب مرکز پلیس داخل میشد یم بایدوك باسست کرده باصدایی آهسته درگوش من گفت : ازین جریان هیچ خوشم نمی آید . بعلاوه در این کارچیزی نهفته است که‌من درست ازآن نمی فهمم .

مفتش سلاك درمرکز پلیس بود. چندلحظه بعدمارا باریدینگ روبرو ساختند . رنگش تاحدی پریده اماحرکاتش مطمئنانه و آرام بنظر میرسید .

مالچت که خیلی اندیشناك معلوم می شد گفت: آقای ریدینگ توجه بفرمائید . به‌مفتش سلاك گفته اید که‌درساعت ربع‌کم هفت بمنزل جناب کشیش رفته ودرآنجا باپروتیرو روبرو شدید . سپس بااو گفتگو کرده، بعداورا به قتل رساندید واز آنجا خارج شدید .

– آری، درست است .

– من از شما سوالاتی می کنم ومطمئنم بشما تفهیم شده‌که مجبور نیستید بسوالاتی که دلتان نمی خواهد جواب بگوئید . وکیل تان ....

رسام ریدینگ حرف اورا بریده گفت : من چیزی برای پنهان کردن ندارم . من پروتیرو راکشتم .

– خیلی خوب ... تپانچه رابچه دلیل با خود داشتید ؟

ریدینگ باتردد جواب داد :

– تپانچه در جیبم بود .

– وآنرا باخود تان بخانه کشیش‌بردید؟

– آری .

– چرا ؟

– من همیشه تپانچه‌ام راباخود میگردانم .

درموقع ادای این جمله بازهم دچار تردد شد ومن نتیجه گرفتم که اوچیزی را پنهان میکند.

– وقت ساعت راچرا عقب بردید ؟

– ساعت را ؟

– آری . ساعت ۶و۲۲ دقیقه را نشان میداد .

رسام درحالیکه وجنات صورتش افاده ای خشك داشت گفت :

– آه ... آنرا .... آری ساعت رامن تغییر دادم .

بایدوك ناگهان داخل صحبت شده گفت: بکدام جای پروتیرو فیرکردید ؟

– فکر میکنم به سر او فیرکردم . آری سرش .

– آیا مطمئن هستید ؟

– وقتی اینمطلب رادیده ودانسته اید چه لزومی دارد ازمن سوال کنید ؟

ریدینگ ضمن اظهار این مطلب خواست وضعی گستاخانه بخود بدهد، اما زیاد موفق نشد .

درینموقع ازبیرون سروصدایی بلند شد و بعد يك نفر پلیس یونیفورم دار نامه ای در دست وارد شده اظهار داشت‌که نامه به‌آقای کشیش کلمنت تعلق دارد. روی پاکت نوشته بود. اشد عاجل !

نامه رابعجله کشوده خواندم . نوشته بود:

« خواهش میکنم لطفا نزدمن بیائیدنمیدانم چه‌کارکنم وضع فجیعی دارم ولازم است همه چیزرابه یکنفر بگویم واعتراف‌کنم. یکنفردیگر رابانتخاب خودتان همراه آورده‌میتوانید؟»

(آن پروتیرو)

بانگاهای معنی داربه مالچت نگریستم اوبه مطلب من پی بردوهردو باتفاق هم از اتاق بیرون آمدیم . لئورانس ریدینگ چشم ازنامه‌ای که‌دردست من‌بود چشم‌برنمیداشت.تا آن لحظه درچهرهٔ هیچ انسانی آنهمه اضطراب ونومیدی که درصورت ریدینگ موج میزد، ندیده بودم .

من آن جملهٔ (آن پروتیرو) رابخاطر آوردم که دراتاق کارم بمن گفته بود : (من خیلی نومیدم) وقلبم بایاد آوردن این مطلب مثل یکپارچه سرب سنگین شد .

اینك می فهمیدم که تسلیم قهر مانانه ریدینگ، میتواند مفهوم خاصی داشته باشد. مالچت باسلاك مشغول صحبت بود :

– توانستی بفهمی آنروز ریدینگ تا شامگاه چه‌کار های دیگری انجام داده است؟ خیلی ممکن است پروتیرو راقبل از ساعتی که اعتراف کرده به قتل رسانده باشد . اینموضوع رابدقت بررسی کن . سپس بطرف من متوجه گردید و من بدون يك کلمه حرف نامهٔ آن پروتیرو رابه وی دادم . بعداز آنکه به عجله آنرا خواند لبان خودرا ازحیرت‌گزید وبعدبا کنجکاوی بمن نگریست وپرسید : آیاموضوعی که صبح میخواستید بدان اشاره کنید، همینست ؟

جواب دادم : آری . درآن لحظه از چیزی که باید اظهار میداشتم زیاد مطمئن نبودم ولی حالاکاملا اطمینان دارم . سپس آنچه‌راکه یکروز قبل درآتیلهٔ رسام دیده بودم شرح دادم .

مالچت یکی دوکلمه بامفتش صحبت کرد . سپس باهم بسوی قصر قدیمی حرکت کردیم دوکتور بایدوك نیز باما بود .

درمدخل قصر يك نفر ملازم مودب وبا تربیت ازما پذیرایی کردو مالچت به اوصبح بخیرگفت وافزود: به ملازم اتاق خانم پروتیرو اطلاع بدهیدکه ماآمده ایم . لازم است باخانم پروتیرو حرف بزنیم . پس ازرسانیدن این خبر، نزدمابرگردید تا بسوالاتی که از شما داریم جواب بدهید .

ملازم به سرعت دور شد وچند دقیقه بعد نزدمابرگشته وبه مالچت گفت: که او امرش راانجام داده است . مالچت گفت :

– حالا راجع به جریانات دیروز حرف بزنیم . آیاآقای پروتیرو طعام چاشت را در خانه صرف کرد؟

– آری آقا .

– آیا وضع وحال اومثل همیشه بود ؟

– تاجائیکه بخاطر می آورم بلی .

– پس ازآن چه واقع شد ؟

– بعد از صرف چاشت، خا نم پروتیرو برای استراحت به طبقهٔ بالارفت وپروتیرو عم داخل کتابخانه شدومیس لتیس هم باآتوموبیل دونفری خودش برای بازی تینس رفت . آقا وخانم پروتیرو درساعت چهارونیم در سالون چای عصرانه نوشیدند وساعت پنج بوسیلهٔ اتوموبیل خودشان به سوی دهکده رفتند . تام در لحظه‌ای‌که آنها ازمنزل بیرون شدند. آقای کلمنت تلفون کردند. (باگفتن این جمله به سوی من ادای احترام کرد) ومن بجواب ایشان گفتم‌که خانم وآقای پروتیرو از منزل خارج شده اند .

مالچت (هیم) گفته بعد سوال کرد :

– آخرین دفعه‌ای که آقای ریدینگ بقصر آمده بود، چه روزی بود ؟

– روز سه شنبه نزدیکی های شام .

– فکر میکنم بین آقای شما وایشان یکنوع سوء تفاهمی رخداد .

– آری آقا منهم‌اینطور فکرمیکنم . جناب پروتیرو بمن امرکردند که باردیگر آقای ریدینگ رابه منزل راه ندهم .

– مستر پروتیرو معمولا به صدای بلند حرف میزد واگر کار گفتگو به مباحثه شدید منجر میشد، اغلب فریاد میزد، بنابر این باید شما قسمتی از مشاجره آقای پروتیرورا باآقای ریدینگ شنیده باشید. آیا فهمیدید دلیل مشاجره آنهاچه بود ؟

– اگر اشتباه نکنم علت مشاجره آنها پرتریتی بودکه مستر ریدینگ کشیده بود . پرترهٔ میس لتیس .

– وقتی آقای ریدینگ خارج میشد ، اورا

دیدی ؟

– آری آقا. من اورا مشایعت کردم .

– خشمگین بود ؟

– خیر آقا. حالت شخصی راداشت که موضوع بیش‌ازحد خنده‌داری رادیده باشد.

– راستی دیروز آقای ریدینگ به قصر نیامد ؟

– خیر آقا .

– آیاکس دیگری به اینجامراجعه کرد ؟

– خیر .

– پریروز چی ؟

– پریروز حوالی شام آقای کلمنت به‌اینجا آمدند . دوکتور ستون نیز آمد ، وشب هم یکنفر خانم سری به اینجا زد .

مالچت درحالیکه شگفتی زده شده بود، پرسید :

– گفتی یك خانم ! کی بود ؟

ملازم نتوانست اسم آن خانم رابیادبیاورد. لاجرم گفت: ازآنهایی‌که تاکنون دیده ومی شناسم نبود. وقتی به‌اوگفتم‌که آقای پروتیرو مصروف طعام شب هستند ، گفت مانعی‌ندارد منتظر میمانم . بنابران من اورابه اتاق پذیرایی کوچك راهنمایی کردم . این بانوی ناشناس درصدد ملاقات آقای پروتیرو بود نه خانم شان . بقول ملازم وقتی اواینموضوع‌را به اطلاع پروتیرو رسانید اربابش از پشت میز شام بلند شده به اتاق پذیرایی کوچك رفته بود .

– خانم ناشناس دراینجا چقدر معطل شد؟

– فکر میکنم حدود نیم سا عت . سپس آقای پروتیرو شخصاآن خانم را مشایعت‌کرد. آه صبر کنید مثل اینکه نام بانوی ناشناس بیادم آمد. بنظرم خانم لبسترانگ بود .

این واقعا تعجب آور بود. مالچت زیر لب زمزمه کرد. خیلی عجیب است . درهر حال این بحث رازیاد مورد مطالعه قرار ندادیم . زیرادر همان لحظه به ما اطلاع دادند که‌خانم پروتیرو برای ملاقات ماحاضر اند .

(آن) روی بستر خود بودورنگش پریده بنظر می آمد. چشمانش مثل اینکه تب‌شدیدی داشته باشد سرخ ودرخشنده‌بود. درسیمایش حالت خاصی وجود داشت که مرا شگفتی زده حال خانم بامن شروع به صحبت کرد :

– ازینکه خیلی زودخواهش مرااجابت کرده اینجا آمدید، خیلی متشکرم، پدر مقدس . در عین حال معلوم است قصد مرا ازاینکه گفتم هرکه راخواسته باشیدمیتوانید باخودبیاورید، بخوبی درك نموده اید. بهترین راه اینست که قضیه را خیلی زود حل وفصل کنیم . من فکر میکنم که افشای حقیقت موضوع نزد شماخیلی لازم باشد، آقای مالچت . شوهرم راکه می شناسید ، من کشته‌ام. این یك حقیقت است شاید درست نبودکه باین‌زودی وآسانی اصل موضوع رامطرح کنم ولی من ازآن تیپ زنانی‌که حملات هستریك را گذشتانده‌اند . نیستم. مدت زیادی است که ازشوهرم نفرت داشتم ودیر وز فرصت آ ن بدستم آمدکه اورا بقتل برسانم .

سر خودرا در متکا فروبرده چشمانش را ازماپنهان کرد ادامه داد :

فقط همین . حال اختیار من‌بدست‌شماست تادستبندم بزنید و بطرف زندان رهنمایی کنید. تاآنجاکه ممکن باشد بزودی لباس میپوشم وبرای همراهی باشما آماده میشوم .

مالچت گفت: خانم پروتیرو ، آیا ازین موضوع که ریدینگ رسام به عین این جنایت اعتراف کرده اطلاع دارید ؟

(آن) چشمان خودرا کشوده سری تکان‌داد وگفت: میدانم. این شخص دیوانه وار عاشق من است . کاری که کرده نوعی قهرمانی بشمار میرود اما طفلانه است .

– آیا اومیداند که شما مرتکب جنا یت شده اید ؟

– آری .

– ازکجا میدانست ؟

زن لحظه‌ای تردد نشان داد ومالچت تکرار کرد :

– آیا خودتان به او گفتید ؟

(آن) هنوز متردد بود ولی درنهایت تصمیم خودرا گرفت وجواب داد :

آری من خودم به اواطلاع دادم . بعد شانه های خودرا از روی ناراحتی تکانداده گفت : (خوب، نباید حرکت کنیم ؟ من همه جریان رابشما اعتراف کردم .دیگرنمی خواهم بیش ازین روی این مطلب صحبت کنیم .

– تپانچه راازکجا بدست آوردید ، خانم پروتیرو ؟

– تپانچه‌را؟ آه، آری ازشوهرم بود. اسلحه راازروك میز توالیتش برداشتم .

– ودرحالیکه تپانچه رانزد خود داشتید بمنزل آقای کشهش رفتید ؟

بقیه درصفحه ۶۳



هدایات ارزنده

در ظروف شیشه ئی :

اگر سرپوش ظروف شیشه یی ویا بلوری محکم شده وبه آسانی نمی توانید آنراباز کنید پارچه‌ای رادرآب جوش فروبرده وبدورشیشه ویاظروف بلوری بکشید تاآنرا باز شود .

آب سماوار یادیگ :

برای اینکه آب سماوار یادیگ زودترجوش بیاید اولا نصف آنرا آب انداخته بگذارید تا گرم شود بعدا بقیه آب رابه آن اضافه کنید بدین ترتیب آب زودتر جوش می آید .

لیمو ترش :

اگر همه لیموترش های بریده شده مورد استفاده شماقرار نگرفته است میتوانید برای جلوگیری ازخشک شدن آنها بداخل یك ظرف یك قاشق شکر انداخته وآنگاه لیموترش‌بریده شده رابداخل آن بگذارید تاتازه باقی بماند.



زندگی امروز

متصدی: فریحه پر جوش اسحق

انسان به امید زنده است!

ساموئیل جانسون میگوید :به احتمال‌قوی، امیدبزرگترین شادی وسروری است‌که خداوند به‌انسان اعطاء کرده است. وبراستی‌همچنین است . امید بهترین روزنه ایست‌که انسان ازآن روشنایی زندگی رامی بیند وناظرونگران آن است .

امید لازمه حیات بوده وهر فرد و اجتماع ناامیدی درادامه‌زندگی ناکام‌است . پیروزترین وکامگار ترین مردمان، همیشه کسانی بوده‌اند که در سخت ترین شرایط ودشوار ترین اوضاع وحال امیدرا ازدست نداده اند دربرابر مشکلات وناهمواری هاباقلب های‌آکنده ازامید به فعالیت ومقاومت ادامه داده اند وبا موانع سدهاوناامیدی ها سرسختانه دست وپنجه نرم نموده اند .

یك فردامیدوار، یك انسان خوشبین است واین خوشبینی سبب میشود تاوی دوستان زیادی داشته باشد که این خود بهترین پاداش است که ازامید داشتن خویش گرفته است ، داشتن دوستان زیادخود وصمیمی از بهترین نعماتی است‌که دریافتن آن برای هر کس میسر نیست .

ناامیدی خودبدبینی میافریند وبابدبینی زیستن ، حالتی است غیر قابل تحمل و رنج آور ، شخص بد بین وناامید دنیارا بادید دیگری مینگرد. دنیای اودنیایی است غیراز دیگران . اودر جهانی ازتاریکی هابسر میبرد . زندگی برایش غبار آلود وخیره است . اوتنگ نظر است وبااین تنگ نظری‌اش دنیارانیزکوچك وحقیرمیشمارد وزندگی رابیهوده ونامثمر . حیات برایش یکنواخت وتحمیلی است . فرد ناامید به بهتر زیستن نمی اندیشد، بلکه زیستن برای او فقط وفقط زنده بودن است . ویابه عبارت دیگر اومرده ایست متحرك !

ازیك مردهٔ متحرك چه میتوان توقع داشت. آیابرای چنین شخص ناامید یکه به همه چیز بدبین است حتی به خودش وامور مربوطه‌اش! زندگی کدام مفهوم ومزیتی خواهد داشت ؟ البته که نه .

ولی باید گفت که این حالت یعنی ناامیدی وامیدراازدست دادن مانند صد ها امراض روحی دیگر، ریشه عمیق روانی داردکه باید اشخاص مبتلا به‌آن درمان گردند تاازآن وضع ناخوشایندوقید وبست آن آزاد شوند ودنیا برایشان بزرگ وزندگی دوستداشتنی گردد .

اولین قدم درراه برداشت این مشکل و مداوای‌آن شناخت انگیزه ودرك منبع آن است. سپس گرفتن تصمیم قاطع وارادهٔ مستحکم وپایدار، برای رهایی خویشتن ازین ناراحتی.

گرچه درزندگی هر انسانی لحظاتی پیش می آیدکه واقعا اورا اززندگی و از آینده ناامید مسازد. امادرنظر داشت اینکه زندگی سراسر فرازونشیب است باید زود مایوس نگردیم و بخاطر داشته باشیم که حالات شور انگیز وفرحت زا یا ناهنجار وناگوار برهرانسانی آمدنی‌است ولی همیشگی ودوامدار نیست . این حالات آنقدر ناپایدار اند که از تصور بدور است . پس نباید یك‌رویداد ناهنجار رانقطه پایان زندگی شمرد واز آن ناامید شد .

هرگاه چنین حالتی از یاس وناامیدی به شمادست داد ویاوقتی از آینده هراسان‌شدید فورا فکر تانرا متوجه حال سازید ، به‌رویداد هایی‌که میتواند شمارا شاد سازد بیاندیشید وآنرا در ذهن تانرا مرور کنید .

ویتامین درخدمت زیبایی!

برای صحت خوب داشتن وزیبا وسر حال بودن‌دررژیم غذایی روزانه خود حتماً ویتو مینها را بگنجانید.

دوهفته پیش راجع به ویتامین هاوتاثیرات آنهادربدن حرف زدیم وازاهمیت آنها آگاه شدیم وهم ویتامین (آ) را بشناختیم . اکنون ویتامین (ب) رامطالعه میکنیم. می بینیم چه خواص دارد، برچند نوع است، درکدام چیز هابیشتر یافت میشود وبدن چه نیازی به آن دارد ؟

ویتامین (ب) انواع زیاد دارد که با اعداد ۱–۶ و۱۲ نامگذاری شده است . مانندویتامین بی یك، بی‌دو، ویتامین بی شش وبی دوازده.

ویتامین بی یك :

این ویتامین بیشتر در سبوس گندم، برنج شیرتازه،جگر، حبوبات،سیب،مالته، سبزیجات تازه مانند: بادنجان رومی، کاهو، پالك، گلپی کرم موجود بوده این مواد منابع اصلی آنرا تشکیل میدهند .

کمبود وفقدان این ویتامین دربدن باعث امراض گوناگون میگردد. بهم خوردگی وتنبلی معده و روده ها، استفراغ ورم اعصاب، عدم رشد،قلت ترشح صفرا وسردردی های‌مختلف اثر وعلایم کمبود این ویتامین است .

چون ویتامین بی یك دراثر حرارت از بین میرود، برای استفاده ازآن باید ازمیوه ها و سبزیجات تازه وخام خورد .



بخش آشپزی



درین هفته طرزتهیه دوقسم کدورا به شما شرح میدهیم تادرین روز هاکه کدو فراوان است وبه ارزانی میشود خرید کرد، آنرابپزید وسفرهٔ خودرا بااین غذای مقوی وپرویتامیـن بیارائید .

سوپ کدو بازردی تخم

موادلازم برای پنج نفر:

یك‌کیلوکدو،نیم کیلو بادنجان‌رومی،دوعددتخم جارقاشق روغن ،نمك وسیربه قدرضرورت،در صورت تمایل کمی شیر .

طرز تهیه :

کدورا پوست گرفته به مربع های کوچك خوردکنید، سیررا میده کرده بالای روغـــن داغ بریزید سپس کدوهای خورد شده را با آن علاوه کرده کمی تفت دهید، مقداری آ ب برآن بریزید وبگذارد نرم شود. وقتی نر م شدآنرا باقاشق له‌کنید تاخوب باآب مخلو ط گردد. دوعدد زردی تخم راکه در ظرفی خوب زده اید به آن بیافزائید وداغ سرو کنید . دیگر خواسته باشید کمی هم شیر بامسکه با آن علاوه نمائید .

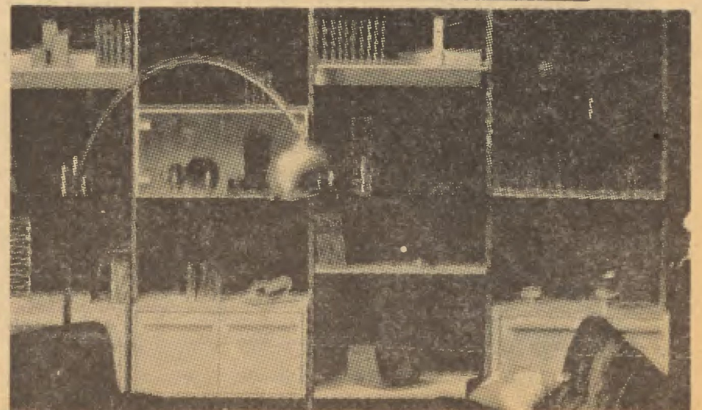
خوراك کدو باکوفته :

مواد لازم برای چارنفر :

یك کیلو کدو، ۲۰۰ گرام گوشت سرخی گاویاگوساله . نیم کیلو بادنجان رومی، روغن ونمك به قدر ضرورت، مقداری هم سیر .

طرز تهیه :

کدورا پوست گرفته خورد کنید ودر آ ب محتوی نمك بپزید. درجریان این مدت که‌کدو درحال پختن است . ساس آنرا آماده سازید. پیازراحلقه کرده درروغن تفت دهید . گوشت راماشین نموده وبابادنجان رومی‌ماشین شده وسیر یکجابالای سرخ شده علاوه نمائید بگذارید خوب پخته شود. پارچه های خورد شده وجوش خورده کدورا ازآب‌خارج کـرده درظرفی محتوای روغن داغن بریــان کنید . سپس این کدوها رادردیش چیده وساس را رویش بریزید .



دندان

این صدف نایاب !

همانگونه که همه اشیاء پربهاو نایاب‌دنیا نیازبه مراقبت‌وحفاظت بیش ازحددارند. دندان های سالم وزیبا نیزکه باارزش ترین ونایاب ترین جواهر ومروارید دنیااندنیازمند نگهداری قابل توجهی میباشند .

یکی ازبهترین عامل سلامت دندانهامسواك زدن مرتب وبه موقع است . هربار پس از خوردن غذا مسواك زدن مرتب دندانها حتمی است تاذرات غذاازمیان دندانها خارج شـده وسبت کرم خوردگی دندان نگردد .

انتخاب مسواك وبرس دندان هم در زمینه اهمیت خاصی دارد . برس دندان نباید زیاد نرم ویابرعکس خیلی درشت وخشن باشد . زیرادرین صورت به دندانها آسیب میرساند وهم گاهی باعث خرابی بیره ها می گـــردد. بنابران بایست درانتخاب مسواك دقـــت وتوجه زیادی مبذول داشت .

برس زدن دندان تنهابه دلیل سلامت‌دندان هانیست، بلکه در زیبایی شا ن نیــز نقش موثری دارد. پس برای داشتن دندان هـــای سالم وزیبا هرگزنباید بدلیل تنبلی ونداشتن وقت ازمسواك زدن وبرس نمودن دندان پرهیز کنید .

درنگهداری وحفاظت خوب ازدندانها مساله مهم دیگر انتخاب نوع غذاست . غذا هـــای شیرین، قند، بوره، چاکلیت های گوناگـون غذاها وخوراکه های‌داغ ویابیش‌ازحد سرد که پیهم خورد شود وامثال آنها خرابی دندان ها راسبب میشوند . هرقدر درخوردن شیرینی ومواد قندی زیاده روی کنیدبه همان انـدازه به خرابی دندانهایتان کمك نموده اید .

قندوشکر درمدت کمی دردهان اسیدی‌تولید میکندکه اگر زودازبین نرود (شسته نشـود) باعث خرابی وکرم خوردگی آن می گردد .

برعکس میوه های تازه بخصوص سیب و زردك نه تنها زیانی به دندان نمی رسانند ، بلکه مفید هم اند. خوردن یك دانه سیـب

بقیه درصفحه ۶۰



الماری بهترین جا برای ریزو پاش

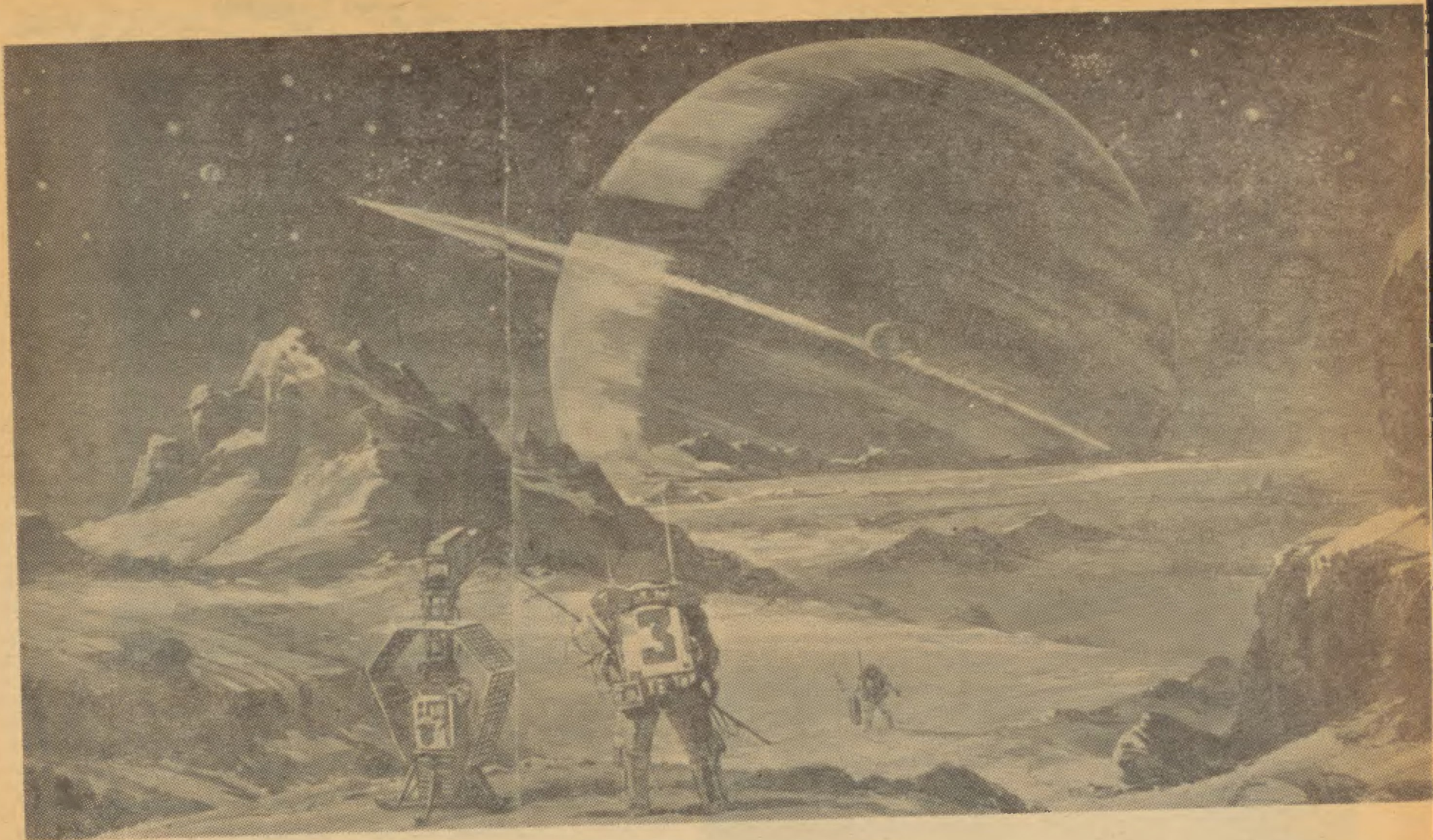
داشتن یك الماری زیبا باجاکتابی ها آن درگوشه ای ازاتاق گذشته اززینت بخشیدن، مزایای زیاد وموارد استفادهٔ گوناگون دارد . باگذاشتن یك الماری دراتاق، قبل ازهمه از دردسر ریخت وپاش اشیا ی اتاق رهایـــی میابید . برعلاوه کتابهایتان که آنهمه‌دوست شان دارید وپرارزش اند از بیجایی رهایی یافته به خرابی وفرسودگی نمی‌گرایند .

همچنان شما میتوانید اشیای زینتی اتاق‌را به‌آن بچینید، یك‌گلدان زیباراباچند شاخه گل درآن جادهید، لوازم کارآمد، ضروری و دیگر ریزوپاش منزل رابه خانه های آن بگنجانید ، رادیو ،تیپ ریکادر ،گرامافون و مانند اینها رادرآن قرار دهید وباظروف وچینی های‌اضافی رابه خانه های پوشیده آن بگذارید ودرشـــ ببندید ..... خلاصه اینچنین جاها در منزل نهایت ضروری وکارآمد اند .

ساختن این الماری هاهم چندان مشکـــل وگران نیست ومیشود باهزینهٔ کـــم آنها را داشت .

شمااگر مردباذوقی باشید وکمی هم ازامور نجاری بدانید بخوبی میتوانید باصرف کمی وقت ومقداری پول آنهارا بسازید و ازیـــن طریق کمکی به خانه وخانوادهٔ خویش نموده باشید .

آنچه درساختن آن ضرورت دارید اینهااند: جوب ،میخ افزار نجاری ،رنگ وبـــرس آن



درحمت خیر زوی ژباړه

دفضائی چارو په باب نوی اکتشافات

دساینس او تکنالوژۍ په برکت انسان دفضایي چارو دڅیړنې په‌لړ کې، همدا اوس داکتشافاتو او اټکلونو یونوی اود ډاډ وړپړاو ته ځان رارسولی دی او ورځ په‌ورځ حتی شیبه په‌شیبه یې دعلمي او حساسه لاره کښې دنوو حقایقو او وا قعاتو سره مخامخ کیږي.

په اوسني وخت کې دفضا یـــی چارو دلا پیژندني او څیړنې په‌لړکی دزحل ستوري دانسان دزیاتـــی څیړنې او تحقیقاتو دپاره یوه په‌زړه پوری تحقیقاتي هسته جوړ ه کـړی اودفضایي چارو دلاپرمختګ په‌برخه کښې‌یې نوی اکتشافات او اټکلونه دانسان په‌نصیب کړی دی.

دزیاتو فضایي څیړنو او کتنو په نتیجه کښی دا واقعیت دانسان په وړاندی څرګند شو چه دزحل‌ستوری دځمکی په‌شان اواره اوکلکه سطحه نلري. څکه نوانسان نشي کولی چه دنوموړی ستوری په سطحه باندی‌را کښته شي بلکه ددی امکان شته چه داآسما ن په د دغـــه ستـــو ری ز حـــل د غتی او عظیـــم الشانـــه سپوږمی تایتان په سطحه کښی‌یوه رصدخانه جوړه او پکار وا چوی‌د کازمیکی چارو پوهانو نزیاتو با سی چه‌د ځپلو تحقیقاتو او عملی کوښښونو په نتیجه کښی چه‌د زحل دستوری دلسو سپوږمیو او‌یادمشتری‌ددولسو سپوږمیو څخه‌یوه انتخاب‌کړی‌او‌هلته دفضایی چارو دزیاتو اکتشافاتو په مقصد یوه لویه اودډاډ وړ رصدخانه جوړه کړی څو وکولی‌شی ددغی‌لاری څخه دکائیناتو داسرارو په باب‌نوی اوتازه معلوما تراغونډ اود بشریت په‌ګټه کار ځنې واخلي.

که چیری دیوی روښانه شپی په غیږ کښی دلایتناهی فضا لور ته په خیر وکتل شی سمدستی دیوی‌سپوږمی په‌ځای ،یوشمیر زیاتی‌سپوږمی لمن کښی معلو میږی‌او ښکلی‌منظره یی میدان ته‌راوړی وی. لاکن‌له‌بده مرغه چه‌داسی‌منظره هیڅکله‌ستاسی په‌مخ کښی واقعیت نشی پیداکولی. داځکه چه تاسی‌باید دزحل‌په‌ستوری کښی ژوند کړی وای چه دغه رازپه زړه پوری منظره دسر پـــه سترګو دنږدی څخه لیدلی وای. دا ځکه چه‌د زحل دستوری سطحه دځمکی په‌څیر اواره اوکلکه نده خوبیا هـــم ددی زیات امکان شته چه‌یو وخت انسان دزحل دستوری په‌یوه سپو ږمی کی ځای ونیاکی اود دغی نقطی څخـــه دنورو ستورواو‌یی شمیره سپوږمیو په‌باب ځپلو تحقیقاتو او څیړنو تـــه دوام ورکړی.

معقوله خبره به داوی، چه لمړی دزحل دستوری په باب معلو مـــات پیدا کړو اووبو هیږو چه نوموړی ستوری دکاییناتو په پراخه لمن‌کښی څنګه موقعیت لری.

دزحل ستوری دشمسی نظـــام دنورو ستورو په‌لړ کښی دشان او شوکت ستوری ګڼل کیږی دځمکی سره دنوموړی ستوری ډیره نژ دی فاصله تر ۱۰۲۸ میلو زیاته اټکـــل شوی ده قطریی ٦٧ زره میله اودلمر څخه‌یی منځنی‌واټن ۸۸۷ملیونه میله اټکل شوی دی .ددغه ستوری پـــه شاوخوا کښی دری حلقی په سترګو لیدل کیږی.

ددباندی حلقی قطر یی۰۰۰ر۱۷۱ میله.

او دداخلی حلقی قطر یی ۰۰۰ ر ۱۲۲ میله دی

نوموړی حلقی دکنګل دزرا تـــو پواسطه پوښل شوی دی. دفضایی چارو پوهان تراوسه پوری پدی نـــه دی‌بر یالی شوی چه‌دزحل دستوری دحلقو په څیر، نوری وزته حلقـــی دکاییناتو په‌هیڅ یوه بله نقطه کښی

پیدا کړی.

په نولسمه پیړی کښی ستــو رو پیژندونکو اوریاضی پوهانو دزحل دستورو دحلقو دپیژندنی سره زیاته مینه څرگنده کړه څنگه چه‌په ۱۸۷۰ عیسوی کال کښی یوه اسکا تلندی فیزیك پوه کلارك ماکسول دریاضی په مرسته داخبره څرگنده کړه، چه دزحل دستوری حلقی دډیــرو وړو زراتو څخه جوړی شوی دی. پـــه ۱۸۹۵ میلادی کال کښی پور تنـــی نظریه تایید اوومنل شوه. په‌حقیقت کښی دانو هغه وخت ؤچه پو هانــو دغټو دوربینو په مرسته داوا قعیت معلوم کړچه‌رښتیاهم دزحل‌دستوری دحلقو داخلی مواد نسبت دباند نیو موادو ته‌په ډیر سرعت سره حرکت کوی. وروسته بیا پوهانو دنو موړی ستوری نوری برخی هم کشف کړی اوپه پای کښی‌پوهانو دزحل دستو- ری‌په منځ کښی یوه داخله نیم‌شفافه حلقه کشف کړه چه‌د کرپ دحلقی‌په نامه‌یی یاده کړه.

که څه‌هم تر دغه وخت پــو رې‌د زحل دستوری په‌باب دغټواوحساسو تلسکوپو په‌مرسته معلومات لاس‌ته راتلل، لاکن نن‌ورځ انسانـــان ددی انتظار لری چه‌د موډرن ساینس‌او ټکنالوژی په قوت اود فضایی بیړیو په‌مرسته ،دنژدی‌څخه دزحل‌دستوری

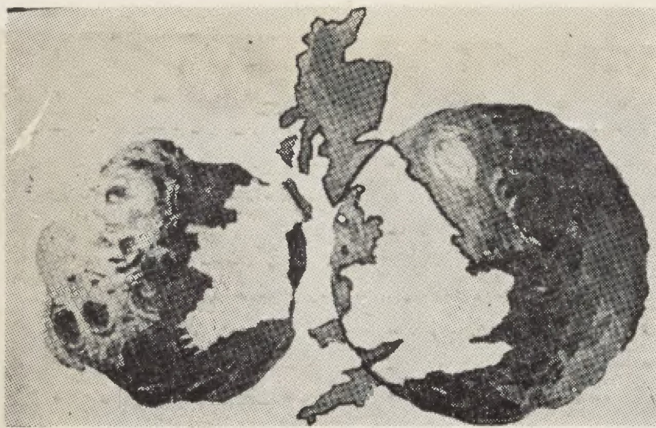


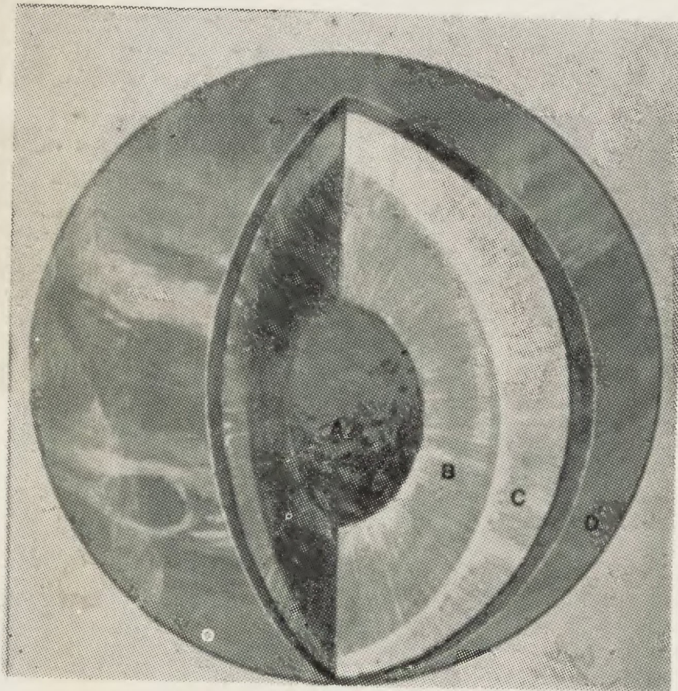
په‌باب نوی اوتازه معلومات تر لاسه کړی.

اټکل شوی ده چه‌دامریکا ماینــر فضایی بیړی په ۱۹۸۱ میلادی کال کښی زحل ته ورسیږی، امیدشته‌چه ددوهم پایونیر فضایی بیړی بــه‌د نوموړی بیړی تر څنگ تیره شی‌او ددی امکان شته چه ددغو فضا یــی بیړیو څخه به‌ډیره دانه دنو مــو ړی ستوری دیوی حلقی په‌دننـــه کښی تیره‌شی اوداواقعیت به‌څر گندکړی چه‌ددغی حلقی قطر څومره دی اوایا دزحل ستوری مقناطیسی ساحه‌لری که‌نه؟ کله چه انسان دفضایی‌بیړی په‌مرسته وکولی شوای چه‌د زحل‌د ستوری په‌باب زیات معلومات‌راغونډ کړی، نوبه یی دمعلوماتو اندازه د مشتری دستوری په څیر پکی‌زیا ته شی څوموده مخکښی دپاېو نیــــر لسمی فضایی بیړی چه‌د مشتـــری ستوری ته‌نژدی تیره شوه داواقعیت څرگند کړ چه‌د مشتری ستــوری‌د لایتناهی تودوخی او حرارت تاثیری دی‌او نوموړی فضایی بیړی په ډیـــر مشکل سره وکولی شول چه‌دمشتری دستوری دسو ځوونکی کمربندوڅخه ځان خوندی وساتی اوپه بری سره خپله لاره ووهی. هغه معلو مات چه ددغی بیړی په مرسته دمشتـــری د ستوری څخه راکړل‌شول، سمدستی یی‌انسان ته دمشتری په باب نوی اوتازه حقایق پلاس ورکړل اود دغه ستوری دچاپیر یال په باب نسبت پخواته نوی معلومات انسان ته پیدا شول .

دمشتری ستوری‌یوه داسی‌اسمانی حیرانو ونکی‌حیولاده چه‌اته اتیا زره اوه سوه میله قطر لری او ځمکی ته یی‌نژدی ترینه فاصله دری سوه‌نوی میلونه میله اټکل شوی ده او داسی گمان کیږی چه‌د مشتری ستــو ری دیولړ داسی غازاتو څخه جوړ شوی دی‌چه دیوی جامدی هستـــی‌پرشاو خوایی ځان احاطه او فشار را وړی دی، دمشتری دستوری مخ دیو لړ داسی وریځو لخوا احاطه شوی دی چه‌ډیری ښکلی اورنگا رنگ حلقـــی یی‌منځ ته راوړی دی. همدا رنگـــه دوریځی دسطحی پرمخ باندی یـــوه سره رنگه نقطه معلو میږی چه۰۰۰ر ۳۰میله اوږدوالی اواته زره میله‌پرا- خوالی لری .

حقیقت دادی‌چه‌د مشتری ستوری دولس سپوږمی لری چه غټـــه یـــی دځمکی ترسپوږمی لویه ده‌اومعمولا دکانو اوتیږو څخه جوړه شوی ده





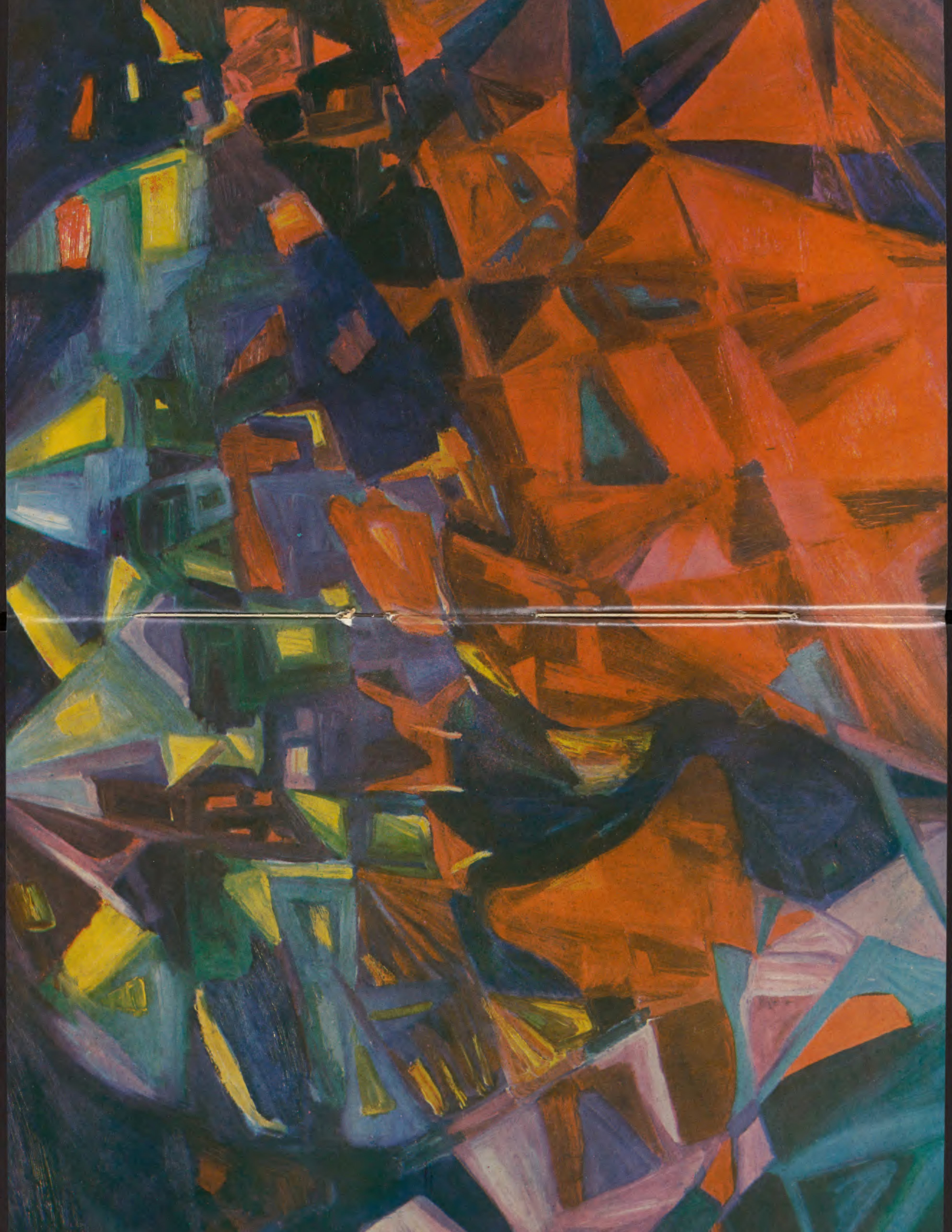
لاکن دنوموړی ستوری یوه سپوږمی دکنگل څخه جوړه شوی ده.

دلسمی پایونیر فضایی بیـــړی کشفیاتو داخبره څرگنده کړه، چه‌د مشتری ستوری پو پراخ مقنا طیسی میدان لری اوکمر بندونو یی دداسی الکترونی اوپرو تونی وړا نگو څخه تشکل موندلی دی چه زیاته انر ژی تولیدوی .

په حقیقت کښی نوموړی فضا یی بیړی دمشتری په ستوری کښی تر دی‌اندازی پوری دمقنا طیسی ساحی ترتاثیر لاندی راغلی وه چه په ډیر مشکل یی ځان‌دساحی څخه وویست.

دلسمی پایونیر فضایی بیړی دما- موریت په‌نتیجه کښی دا وا قعیـــت څرگند شو، چه‌د مشتری ستو ری په‌خپله فضا کښی دهیلوم گاز لری اوهمدا رنگه په نوموړی ستوری کی دهیدروجن، هیلوم، امونیا، میتان‌او دارنگه نورو عناصرو موجود یـــت ثابت شوی دی .دیادونی وړ موضوع داده چه‌دمشتری دستوری وزن‌نسبت نورو اتو ستوروته زیات ښودل‌شوی دی. که‌چیری دمشتری ستـــوری‌د فټبال دتوپ په اندازه وگڼو نوځمکه نسبت هغه‌ته دیوه الوبالو ښه غوره کوی. همدا رنگه دنورو جهانو لــه مخی‌هم دمشتری‌ستوری دځمکی‌سره زیات توپیر لری. دمثال په ډول! د ځمکی قمری حرکت پـــه اوه ویشت ورځو کښی پای ته رسیږی. څنگه چه‌د مشتری په‌ستوری کښی‌ددولس میاشتو په جریان کښی ۱۲سپوږمی په‌بیلو بیلو مدارو کښی څر خـــی، ځکه نوقمری حرکت یی دشپږ ساعتو نږ‌څخه تر دوکلونوپوری دوام کوی.

پاته په ٤٥ مخ کښی





ترجمه : میرجمال الدین فخری

صحبت بی پرده

مخاطب ماوالدین است . ولی موضوع صحبت ماجوانان رانیز علاقمند می سازد . این سخن راتصادفی نمی گویم بلکه صحبت اولم‌که تحت عنوان (احساس اولین) به‌نشر سپرده شد نامه های بی حدزیادی دریافت کردم که اکثر آنها توسط یکعده زیاد جوانان برشتهٔ تحریر درآمده بود .

(این مضمون تحت همین عنوان توسط همین مجله انتشار یافته است . مترجم)

چقدر جوانان ازمن خواسته اند که به‌ادامهٔ صحبتم روی همین موضوع ادامه دهم. تاچه حدجوانان تشنهٔ آنست راجع به هرمکتوب نمی توانم اظهار نظر کنم (چونکه تعداد آنها به ده هامکتوب میرسد) ولی سعی می کنم که به‌جواب بعضی ازین مکاتیب که‌به‌اصطلاح تیپیك است جواب خواهم گفت: تیپیك ازین نگاه‌که مسایل مختلفی راطی نامه های شان مطرح ساخته اند .

وبدینترتیب نامه اول رامی گشایم :

(چندی قبل شانزده سال عمرم را پشت سرگذاشتم . به صنف نهم درس میخوانم . روزی برای ماپارچه های کاغذ دادند که روی آن سوالات مختلفی نوشته شده بوداز آنجمله: «دوستی چیست؟» (وعشق راتعریف کنید!) (راجع به سعادت چه میدانید ؟) خواهر خوانده هایم ورفقای همصنفم چه جواب گفتند :

(دوستی عبارت ازشاهراه بزرگ، زندگی ماست که آغاز دارد وانجام نه) و (سعادت وقتی معنی پیدا می‌کندکه تراکسی دوست داشته باشد) وحتی نوشتند (عشق – یعنی مرگ ...) ولی من هیچ چیزی ننوشتم ....

چونکه هیچ نمی توانستم بنویسم ... امابعضی اوقات ازخودم می پرسم :

(عشق – یعنی چه ؟، وبالاخره این عشق چه است ؟) همینکه این سوالات درمخیله ام ظهورمی کند بعضی اوقات ضربان قلبم زیاده میشود غمگین میشوم وبعضا خوشحال میگردم چرا اینطور میشو م ؟؟؟)

واین هم سطرهای چندی ازنامهٔ دختردیگری که درمکتب مشغول تحصیل است . هنوزسن وسالش به شانزده نرسیده ودر همین روزها شاید شانزدهمین سالگرد حیاتش را جشن بگیرد .

(درحیات خودبه یك پسرکی دل نبسته‌ام، من ازسه پسر خوشم می آید. وهر لحظه ای فکرمیکنم‌که هرکدام شانرا تاآخر عمرم دوست خواهم داشت .

ولی همینکه یك ماه می گذرد آنهارافراموش میکنم . همین تابستان امسال باپسری بنام تالیا آشنا شدم واکنون‌که شش ماه از ین شناسایی مامی گذرد نمی‌توانم فراموشش‌کنم باخودم فکرمیکنم‌که این چه عشقی است که بسراغم آمده است .

عمیق ترفکرکردم . شاید مادرم هم متوجه من شدکه بی قرارم وبمن گفت : (روحت را بی موجب میازار وبخاطر این پسر و آن‌پسر رنج مکش . این جزء سرگرمی‌وعلاقمندی‌چیز دیگری نیست . خیالاتت راباچتیات مشغول مساز. دروس راگذاشته ای وهر روزی ضعیف وضعیف ترشده میروی ...)

کلمات مادرم مرا رنجاند . شاید او حق بجانب بود؟ ولی من نمی دانم وشایدبراستی من عشق رابازیچه ای ساخته بودم ...)

ولی این سوال تقریبا درتمام مکاتیب‌به اشکال مختلفی منعکس شده بود .

(چطور بدانیم که عشق بسراغ ما آمده . واگر اینرا دانستیم از کجابدانیم که این عشق حقیقی است ویابه اصطلاح ... مجازی؟ من به هیچ اساسی نمی توانم سخنا ن نویسندگان این مکاتیب راقبول نکنم و برای این‌کار دلیلی هم ندارم‌که نپذیرم . تمام این مراسلات – یادداشت های زیبا ودل انگیز ، پرزه های اندوه آفرین – بیش ازهمه حاکی ازاحساس های قبل ازوقت منتظرین عشق ومحبت است‌که توسط عشاق جوان بر شتهٔ تحریر درآمده است .

(احتیاج قوی عشق اکثرا بعوض خودعشق پذیرفته می شود. درین حالت موانع این عشق رابه هوس وشهوترانی، به‌اقناع وارضا مبدل میسازد ... وبالاخره نابودش میکند.)

اگر مااین سخنان بیلنسکی راکه در اثر معروف خود (قهرمان عصرما) یاد آور شد مورد مداقه قرار بدهیم گفته می توانیم این مقالهٔ اوبحیث دلیل درست وبی شائبه‌ای در مورد عشق، عاشقی وسرگرمی های عاشقان قبول کنیم .

جرقه های سریع وهمچنان فرو نشستن سریع شعله های احساس یأس نا امیدی می آورد. پس آیاهمچو عشق (سریع‌السیر) بدرد شما میخورد ؟ آیابه این چنین عشقی تشنگی بخصوصی احساس میکنید دخترك‌های عزیز ودوشیزه های نو بالغ ؟؟ نه، نخیراین چنین عشقی راهیچکدام تان آروز نمی کنید. بهترین شهود قلب های پاك تان درنزد من موجود است واین شهود همین نامه های شماست که از صفای قلب تان جهیده وروی صفحهٔ کاغذ نقش بسته است .

یکی از دوشیزه ها بنام نعنا ازشهر علی بهرام علی جمهوریت آذربایجان شوروی بمن مینویسد :

(باپسری دوست شده ام‌که هژده سال دارد . وقتی که باهم یکجا هستیم به من بسیار خوش میگذرد اکثرا روی موضوعاتی

که قبلا مطالعه کرده ایم جروبحث میکنیم خاصتا درمورد اشعار وفلم هایی‌که دیده ایم بیشتر باهم می پیچیم ومباحثات ماافاضه تر طول میکشد. طی این مشاجرات من دوست پسرم راخوبتر میشناسم‌که تاچه اندازه او انسان متین، بااراده، ساعی، صادق، بی‌آلایش ومهربان است ! وقتی اوبامن است ازهیچ چی نمی هراسم برعکس همیشه خوش و خوشحالم . احساس میکنم که چراغی درقلبم می درخشد. بسیار دلم می خواهد که تمام مردم جهان مثل من سعادتمند باشند !)

بدون اینکه دوشیزه نعنا خودش بداندوآگاه باشد به جواب سوالاتی که دوشیزه های همسن وسالش مطرح کرده اند جواب میگوید ویاددهانی میکندکه عشق جوانی چه مفهومی دارد .

قدرت عشق – دربلند بردن انسان مانند (شخصت) است . عشق کلیهٔ استعداد های شمارا به محراق گردمی آورد، زندگی شمارا گوارا میسازد، واکثرا آنقدر بدان رونق میبخشدکه نه تنها سرور رومانتیك به آ ن هدیه میکند بلکه آرزوی اینراکه با اکثرمردم درمورد آن صحبت کنید درشما بیدار میسازد.

عشقبازی به معنی عاشقی عبارت ازاحساس روشن جوانیست که انسان رابه محك تجربه می آزماید، عقل وقلب اورا صیقل میدهد . انسان راباتحمل ، بردبار، دقیق ، با اعتنا صادق وعادل بارمی آورد .

انتون چخون یکی از بزرگترین شخصیت هایی که حق داشت بابارایك ترین رشته های روح بشربازی کند می نویسد :

(وقتی عاشق میشوی، ثروتی رادر وجودت می یابی، عطوفت، دلسوزی، آنقدر در توقوت میگیرد که تصور نمیتوانی‌کسی راچنین‌دوست داشته باشی ؟).

آری، عشق– بصیرت اعجاز آفرین قلب آدمی است . چه سعادتی ، وقتی ضربان دو قلب هم آهنگ میشود. بعضا به نحو دیگری هم اتفاق می افتد. سویتا دختری از شهر برنول مینویسد : (بیست سال دارم . پسری رادوست داشتم یعنی عاشقش شدم . چند ماهی همه چیز روبراه بود وبه میل‌ما. بعدها ملاقاتهای ما قطع شد . اوازمن بیزار شد. به مکاتیبم پاسخی نمی گوید. آری من غرورم رافراموش کرده‌ام، همواره به اوتلفون میکنم، بهانه هایی میجویم تاملاقاتش کنم ... اوهمچنان بی تفاوت باقی مانده حتی در مناسبات خودبامن خشن، ظالم وبی عاطفه گشته ...)

راجع به (عشق غیرقابل تقسیم) مکتوب دیگری دارم. نویسنده های این چنین مکاتیب باانده ودرد میپرسند : (چطور گنیم ؟ چگونه براحساس همدیگر فایق آئیم ؟ آیابه دختران اجازه است که اول اظهار عشق وعلاقه کند؟ اگربخاطر کسی که عاشق اوئیم ارزش‌آنرا داردکه تنزل‌کنیم وگناهی رامرتکب شویم ؟... ومانند اینها .)

بیائیدازحقیقت نگذریم: متاسفانه ناملایمات عشق وعاشقی درجهان وجود دارد . انسان دربرابر بدبختی هایی که ازناحیه عشق‌نصیب میشودچه روشی رابابد انتخاب کند ؟

بازهم به نامه ای مراجعه میکنیم :

(فقط هفده سالم هست . در صنف اول فاکولته ادبیات مشغول تحصیل می باشم جهان احساس – جهان منست . این جهان عالم سرور مرا تکمیل میکند برا یم نیرو میبخشد ومرا به موفقیت های آینده امامیدوار میسازد. مشکل است بخاطر بیاورم که‌اولین سرگرمی عشقیم یابه اصطلاح عشق اولینم چه وقت به سراغم آمد ولی باید اذعان کنم که درصنف هفتم درس میخواندم ودر همان آوان بودکه راجع به یك عشق بزرگ وحقیقی می اندیشیدم ... راجع به اینکه کدام‌کسی خواهد توانست یگا نه عشق بی نظیر من باشد .

ایدآل من، عشق من هویداگشت اوبا من یك جارشد گردبدین معنی که باهرموفقیت من اوهمگام پیشرفت چه دردروس چه درسپورت اومانند خودم ترقی‌کرد. اوبحیث یك انسان باارزش، مثل یك دوست مهربان در زندگی من نفوذکرد. در لحظات مشکل زندگی اورا مشاور ومصاحب خود یافتم . دردروس خو د همیشه موفق بودوگام های فراخی برمیداشت به علم علاقمند شد ودرپهلوی آن سپورتمین شایسته ای بار آمدکه به نازك خیالی های شعراونغمات دلپذیر موسیقی علاقمندی خاصی نشان میداد. درادبیات یدبیضی پیدا کرد ... برای من چقدر مشکل بود که دنبال اوبروم وگامهای پیروزی راکه او برداشته تعقیب نمایم . حتی درهمان وقت‌که به صنف هفتم درس میخواندم درکارهای تعمیراتی باشاگردان صنوف دیگر مکتب خودهمکاری میکردم در صنف نهم که رسیدم تمام مدت تابستان را آشپزی کردم ومجبور بودم‌که غذای سی نفر ازاشخاصی راکه دریکی از جنگل ها کمپنگ داشتند تهیه‌کنم درهمین جابودکه بیچاره شلم ومصیبتی بالایم نازل شد :

دیگ سرخ وجوشان رابالای پایم انداختم ولی بعداز شفاخانه بازهم در کمپنگ آنها باقی ماندم چاره جزاین ندا شتم چونکه او ایدال من بود او دلاور و با قدرت وقوی بودمن درهرگونه شرایط مشکلی خودم راکنار اومی یافتم ... نمیدانم چرامن تمام این قصه هارا بیان میکنم شاید از فرط خوشبختی ؟

ویا البته میخواهم باخواهر های ناآشنایم درددل کنم . شاید قصهٔ من آنها را معاونت کندوبه کسانیکه تا هنوز عاشق نشده‌اند وقهرمانان حیات خویش رانیافته اند مثمر ثمری واقع گردد. من اورا یافتم!

اولین باراورا – سریوژا– رادر جزیرهٔ کولسکی دیدم‌که سکی بازی میکند. او درین جاتصادفی نیامده بود پس ازتمرینات زیاد موفق شده بودکه درجملهٔ ورزش‌کاران ورزیده انتخاب شود .

مدت ده روز فقط سریوژا را تماشامیکردم که چگونه نشیب وفراز کوه هارابه سرعت میگذرد ازبین موانع ودرخت هاباچه مهارتی عبورمی کند چه باصفا واخلاص بمن نگاه‌کرده وازبلندی ها وپائینی هابامن پهلوبه پهلو می‌گذرد ... شما می پرسید این عشق–عشق واقعی است ؟

نمیدانم. این آسمان ز یبای دوران جوانی منست، این آفتاب درخشانی است‌که در زیر اشعهٔ آن زندگی وتحصیل برایم سهل می نماید .

دختر های زیبایی (زیباترازمن ...) به سریوژا نظر دارند وزیر چشمی نگاه میکنند آنها دراتاق مطالعه، درسرویس، در مترووبا درسالون های ورزشی به سریوژا نزدیك میشوند وآرزو میکنند تابا اوخوان صحبت وآشنایی بچینند .

آنوقت است که از خودبیخود می شوم ولی ازجادرنمی روم . بجایم مغرور و باوقار می ایستم وتحمل می‌کنم‌ووقتی به‌خانه‌می‌آیم‌ تنهامی شوم به موسیقی شوپن گوش میدهم ویاسونات مهتابی بتهوون را میشنوم . کمی تسکین میشوم آرامم میگیرد وبرخودم تسلط

لطفاً ورق بیزنید





می یابم ... واگر ازهمدیگر جدا شویم ؟ چه باید بگویم این چنین حادثه‌ای هم ممکن است اتفاق بیفتد. میدانم. معنی آن اینست که من سعادت خویش رادرآنجا نیافته ام . ممکن است خوشبختی من درآن تپه های‌پراز برف وسکی بازی ها وجود ند اشته است این فقط تفریح وهوا خوری ای بیش نبوده است . ازینرو ازقسمتم ازطالعم، از بختم مودبانه تشکر مینمایم . زیرا آنچه من درآن مدت دیدم روشنایی بود که شاهراه بقیه حیاتم راروشن کرده است ...)

نامهٔ جالب، عمیق وپرمعنی فوق راتانیا نوشته است !

تانیا مجموعا هفده سال دارد ولی راه زندگی زنانهٔ خویش را خودش برای خو هموار ساخته وهرچیز زندگی رااز دیدگاه خویش نگریسته بدون اینکه ازخواهر خوانده هاوهمصنفی هایش کمك خواسته باشد و یا اسراری دربرابر والدین خویش ایجاد کرده باشد. (آری آیاممکن است ویاخود ضرورتی احساس میشودکه‌این چنین عشقی راازوالدین پنهان نگهداشت !!) وکوچکترین عتراف‌در مورد انتخاب خویش به کسی نکرده باشد . ولی چنانچه ازین (نغمهٔ دلاویز) متصاعداست عشق به سراغ تانیا نیامده است بلکه خوداو بسوی عشق رفته وبخاطر عشق مبارزه کرده است .

تانیا خودش به حقیقت رسیده : خصائل نیك انسانی نظربه عمق عالم باطن اوارزیابی می‌گردد. به هراندازه ایکه علایق باطنی و روحی وسیعتر باشد به همان پیمانه بیشتر حس احترام به خویش اساس پیدا می کند که باالوسیله شناخت جهان‌روحی انسانهای دیگر سهلتر میسر میگردد .

بی جانیست‌که میگویند عشق در جهان برابر باانسانهایی وجود داردکه آنرابه محك آزمایش میگذارند .

وبالاخره یك سلسله سوالات دیگری که به ذات خود تیپیك محسوب میگردند :

(میخواهم باوملاقات کنم ولی مادرم (پدرم) اجازه نمی دهندو مجبورم میکنند که در کنج خانه بنشینم ... چه کنم ؟)

ازجوانب مختلفی به این مسایل میشود نگاه کرد: (اوانسان خوبی است ولی والدین نمی توانندابن همه خوبی هارا ببینند . نمیدانم چرا مادرم به مناسبات بی شائبهٔ ما عقیده ندارد وباور نمی کند ؟)

بیائید قبل ازهمه این مطلب رابر خود بقبولانیم که پدرومادر نه تنها دربرابر شما مسوولیت هایی دارند بلکه صاحب صلاحیت هایی نیزمی باشند وحقوقی برشما نیزدارند. پدرومادر شما کاملا درمورد شما نزد جامعه جوابگواند مشوره های شان، شك وتردیدانها واضح است که به مفاد تان بوده واز دیدگاه تجارب خویش دربارهٔ شمانظراندازی مینماین. به این مطلب خودشما نیزباید بامن هم‌عقیده باشید که هیچ پدرمادری بدخواه اولادخویش نیست . وموقف شما دوشیزه های عزیز نمی تواند فقط ذریعه آرزوها وغصه های تان تثبیت وتعیین گردد .

ازنگاه پدرومادر شما باید قبل ازهمه به تحصیلات تان ادامه دهید. چرا آنهاباید متیقن شوندکه شخص طرف مقابل تان یعنی انتخاب شماباید انسان جدی، باتربیه ومودبی باشد.

اگر عمیقانه غور کنیم حتی ازهمین مکاتیب خودتان برمی آیدکه نتوانسته اید احساس خودتان راچطور یکه هست ارزیابی درست وتحلیل معقول کنید ؟

چراپدرومادر جلو خطاها واشتباهات شمارا نگیرند درصورتیکه آنها می بینند که شما چگونه درنقطه‌ای قرار گرفته اید و حرکتی ندارید وحتی نمی توانید برای لحظات کوتاهی مزاج بهتر وخوبتری داشته باشید ؟ نتیجه بالای روح تان اثر می کند ... درینجا البته دلیلی موجود است که آرام تانرا از دست داده‌اید ...

دربعضی ازمکاتیب دخترهای ١٤ـ١٥ ساله دیده میشودکه بزرگترین سر گرمی شان موضوع عشق است . این عشق فقط مفهوم آنرداردکه آنها بتوانند بعداز ساعت ٩ شب پنهان از والدین باپسری گردش کنند وناوقت تربخانه بیایند. همینکه جلواین لجام‌گریختگی توسط والدین گرفته شد میگویند : (زندگی مارامادرمادرهم برهم‌کردوبه بدبختی‌گرائیدیم.)

درینجا میتوانیم بادست های خود این موضوع راازهم جدا سازیم ومورد ارزیابی قرار بدهیم. ببینید اطفالی که تاهنوز اصلا حقوقی ندارندکه به حیث یك انسان بالغ وبزرگ درجامعه عرض وجود کنند فورا سخن ازعشق وعاشقی درمیان می آورند . نمیدانیم مطلب شان روی‌کدام یك از مسایل تجربی زندگی چرخ میخورد در صورتیکه تا هنوز قادرنیست حتی سوالات وکار های خانگی مکتب رامستقلانه انجام دهد ودختری که تا هنوزنمی تواند بالاتنه وپیش بند خویش را خودش بشوید آنرادرست اتوبزند چگونه‌بخود حق میدهدکه نام ازحیات وزندگی خویش بزند وحتی والدین رامتهم قرار داده مخرب حیات خویش قلمداد کنند .

بیائید دخترك ها درین مورد جدی تر بیندیشم. اگربشمااجازهٔ ناوقت گردش کردن رانمی دهند، معنی آن اینست‌که آنهاحق‌دارند آنهاباقلب خویش البته خطر هایی رااحساس مینمایند واخطار می شوند که باید متوجه‌شما (اطفال) خویش‌باشند .

شماباید ازدل آنها بیائید. دربیست سالگی تان شما همانقدر بخاطر اطفال تان دل واپس خواهید بودکه اکنون مادرتان بخاطر شما . وشایدهم شما نسبت به آنها بیشتر مضطرب وپریشان شوید ...

بقیه درصفحه ٦٠



دختری‌ازقریه های دور نواحی اسپانیا

سرزمین کاشفین بزرگ

بالباس سفید ودستمال سرخی بدور گـردن داخل میدان شده آماده نبرد میشوند .
دلایل عمده‌ایکه جهت شناسایی سان‌تیلان نزد جهان کشایان موجود است اینکه ۳کیلو مترازآن التامیرابامغاره های مشهور وباستانی خود قرار دارد امروز مغاره های آنجا سیاحین وموزخین‌زیادی رااز سراسرجهان بخود جلب میکند .

سیاح حقیقی یابوهاند ورزیده درسان‌تیلان برای تماشا وعکاسی چند نیامده بلکه حتمی درین شهر توقف کرده ولوکه یك شب هم بشود تاروز آینده رابرای تماشای دقیق‌مغاره هاوقت داشته باشند برای اینکار اتاقی را در هوتل‌برای خوددیزرف وپرگرامی طرح میکنند. شب گذرانی وتوقف دراین شهر علت دو م شناسایی سان تیلان محسوب میشود .

میدان خیمه های توریست ها بارنگـهای مختلفه آنقدر ازهجوم سیاحین بهم ضیق و پوسته اندکه دقیقه ای استراحت وآرامی در آنجا مشکلست رستورانت کمپینگ یگانه‌محل راحت سیاحین درشب است تالحظه ای چند درپشت میز نفسی براحت کشید در فضای گرم وخسته کن آنجا نوشابه‌ای بدست آورد .

منازل وعمارات بصورت عموم بطرز قدیمی یك منزله ساخته شده خیلی مهم نزدیك تعمیر شده‌اند بالکون وکتاره چوبی منازل سان تیلان ازعمارت بالای کوچه هاپیش برآمده مملو از گلهای رنگارنگ میباشند در سراسر کوچه‌ها بوی شیرتازه وسیری‌که در روغن زیتون بریان شده است بمشام میرسد .

دکاکین کوچك صنایع روستایی اسپانو ی ازاشیای ادوار مختلفه مانند شمشیر ، قمه، کارد تااشیای استخوان صدفی، تکت پستی وغیره بطرز وسلیقه خاصی چیده شده‌اند عده‌ای ازجوانان باذوق وسلیقه برای اینکـه هنرخودرا برخ انظار بکشانند در پیاده روها بترسیم تصاویر وپرترت اشخاص جسته بناهای تاریخی ومناظر طبیعی با تباشیر های رنگه خیلی جالب وعالی مبادرت می ورزند . رسامها قطی فلزی که‌کلمه تشکر بالای آ ن نوشته شده است پهلوی خویش گذاشتـه وتماشاچیان برای تشویق ودلخوشی آنها سکه چند رادر آن می اندازند .

مرکب که یگانه حیوان بارکش وتماشایـی توریست هاست دراطراف این بناها وافـر وآزاد دیده میشوند توریست ها مسلسـلا مرکبی راکرایه وبکمال افتخار بدورادور شهر بگردش میپردازند . کلیسای معروف قرن ۱۱ عمارت دادگاه وبناروالی که از سـاختمانهای خیلی قدیمی این شهر محسوب میشونـد بابهترین طرزساختمانی ، حکاکی، رسامی و شهکاریهای‌مجسمه سازی هنوزهم پابرجاست. درین شهر آثاری ازفابریکات ،دود و گـاز دیده نمیشود مردمی که دراین شهر حیـات بسر میبرند تعداد شان به ۳ر۵ هزار نفـر رسیده .به‌تربیه‌حیوانات (گاو) وزراعت‌مشغول اندولی عایدات بیشتر اهالی را توریست :ا تشکیل میدهد. ازخصایص شهر مذکوراینست که هیچ تعمیری ازقبیل منازل رهایش، سیما رستورانت، هوتل وحتی عمارات دولتی بطرز ارکتیکت امروزی بنانیافته بلکه باستا نـی تعمیر وشکل اصلی خودرا مطابق به عنعنات قدیمی حفظ کرده اند .

استوریا ولایت شمالی ا سپانیاو یکی از مهمترین محلات دین کشور محسوب می شود وازطرف دیگر استوریایی ها مردمان زحمتکش کارکن، باافتخار وخیلی با رسوخ اسپانیـا میباشند رومی ها درفتوحات خویش داخـل خاك اسپانیا بااین مردم بامشکلات بزرگـی دچار شده بودند . آنها با عربها مقابله‌شدیدی نموده ودر ۱۸۰۸ بمقابل فرانسویها مقاومت زیادی ازخود نشانداده پیروزیهای شانداری رانصیب شدند که اکنون فرانکو بوجود ایی مردم افتخار میکند. یکقر ن قبـل مردمان استوریا بکشت جواری، باغداری سیب وتربیه مواشی مشغول بودند که تولیدات شان شراب وشربت سیب بود ولی ازهیچگاه اقتصادخود را تقویه نکرده بودند تاآنکه بعدها متوجه‌تغییر فزیونومی اقتصاد خود شدند ودهاقین تغییر شغل نموده بمعادن وصنایع فولاد سازی کـه از مشاغل ثقیل محسوب میشد خودرا‌مصروف ساختند .

بزرگترین معادن زغال سنگ وآهن اسپانیا دراستوریا تجمع ومقام اول را از رهگـذر تولیدات زغال سنگ، آهن، جست والمونیـم وبدرجه دوم ازقوه برق اختیار کرده است .

استوریایی ها رول مهمی رادر تصرفـات امریکا بازی واشخاص ناموری رادر تاریـخ اسپانیا بجامعه تقدیم نموده‌اندچنانچه‌فیلسوف معروف قرن نزده رومان دوکمپواتور از همین حوزه قدعلم نموده است و ازجانب دیگـر استوریا ونواحی آن ازبهترین منطقه تاریخی وتوریستیکی اسپانیا محسوب میشود منازل استوریا بصورت عموم دومنزله بوده که در منزل اول آن اکثرتولیدات زراعتی وآشپزخانه جادارد وتوسط زینه چوبی بامنزل فوقانی که محل رهایش واستراحت آنها وصل اسـت استوریا درحیات اقتصادی اسپانیا رول مهمی رابازی کرده مسکه، شیروپنیر سراسراسپانیا رادرقدم اول وجواری ، کچالو ولبلبودر قدم دوم احتیاجات کشور راتکافو میکند. مـزارع فاسولیا که مناظر قشنگی رادر استوریاتشکیل میدهد ویگانه غله ملی این کشور میباشـد خیلی وافروبه انواع مختلفه زرع میگرددمردم این‌حوزه بدون فاسولیه و شربت سیـب زندگی رابرای خویش دشوار وبی اهمیـت میشمارند درهر دعوتی فاسولیه ونوشابه‌سیب ازهمه اولتر بسر سفره حاضر میشوند .

ازهمه اولتر بسر سفره حاضر میشود.

چوپان) است که بروز (یعقوب مقدس) تجلیل میشودکه بدین مناسبت هـزاران چو پان در ناحیه جهیل انول درنزدیکی‌گد ووانگ باخیمه وآلات موسیقی عنعنوی خویش گردآمده تمام شب رابه رقص وآواز خوانی سپری میکنند

«ناتمام»

شعر...

خاطره

سالها پیش بر کنارهٔ رود
نیمه شب پای این چنار کهن
در فروغ سپید ماه خزان
خفته بودیم روی فرش چمن

* * *

باد لرزان وسرد پائیزی
میوزید از درون جنگل تار
میشد از ناله شبانگه باد
مرغکان روی شاخه ها بیدار

* * *

برگهای فسرده گلها
بر چمن پیش باد میرقصد
وانگهی روی رود می افتاد
درخم وپیچ موج میلغزید

* * *

سر نهادم بروی سینه او
از سر بیخودی وسر مستی
چهره ام شدبه چاك پیرهنش
غرق درآن بلندی و پستی

* * *

رفتم از خویش وکرد بیهوشم
عطر عطش آفرین آغوشش
ریختم سیل بوسه های هوس
برلب وغبغب وبرودوشش

محمود فارانی

آبتنی

لخت شدم تادرآن هوای دل انگیز
پیکر خودرا به آب چشمه بشویم
وسوسه میریخت بردلم شب خاموش
تاغم دل رابگوش چشمه بگویم

* * *

آب خنك بود وموجهای درخشان
ناله کنان گردمن بشوق خزیدند
گویی با دستهای نرم وبلورین
جان وتنم رابسوی خویش کشیدند .

* * *

بادی از آن دورها وزید وشتابان
دامنی ازگل بروی گیسوی من ریخت
عطر دلاویز وتند پونه وحشی
ازنفس باد درمشام من آویخت

* * *

چشم فرو بستم وخموش سبکروح
تن به علف های نرم وتازه فشردم
همچو زنی کاو غنوده در برمعشوق
یکسره خودرا بدست چشمه سپردم

* * *

روی دوساقم لبان مرتعش آب
بوسه زن وبیقرار وتشنه وتبدار
ناگه در هم خزید راضی وسر مست
جسم من وروح چشمه سار گناهگار

«فروغ فرخزاد»

لحظهٔ دیدار

لحظهٔ دیدار نزدیکست
بازمن دیوانه هستم
باز میلرزد دلم ، دستم
بازگویی درهوای دیگری هستم
های ! میریشی صفای زلفکم راباد
های ! مخراشی بغفلت گونه‌ام را تیغ
آبرویم را نریزی ، دل !
لحظهٔ دیدار نزدیکست

م . امید

اولسی ادب :

شلیدلی گریوان

چه نانرسه وی به ما باندی جانان‌تل
خکه اوښکی می په مخ راخی باران تل
چه به گل کی دوفانخبنی پیداشی
همیشه ور پسی سم راخی خزان تل
چه گدا دیار دحسن درته ورشم
لکه سپی راپوری نښلی رقیبان تل
خپل اجل په غږیدلو ستر گو وینی
مگر خنگ له شمعی نه‌گرځی پتنگان تل

یاره ماخسرو په‌دی احوال خبر کړه
چه ترخو به می شلیدلی‌وی گریوان‌تل

(خسرو)

د محبت امید

ستا جوروجفامی نه هیریږی ینه
زړه می هم ماشوم دی نه صبریږینه
زه له تا امید دمحبت لرم
مینه دی کمیږی، خو زیاتیږینه
هیڅ دی دعاشق په حال پروانه شی
دادکانی زړه دی چه نرمیږینه
اوس به دی پوهیږم چه نتلی شوم
یارمی مروردی پخلا کیږینه
زه به درته سوال کړم ته نازونه کړه
وینم چه نخری دی هیڅ کمیږینه
ستا بی پروایوته چه گورمه
زړه زما هیڅکله نه ښادمیږینه
خیژی می له خولی نه چه آهونه تل
داد اورلمبی دی چه سړیږینه

(شثین)

اوسنی ادب

اشناته

گل می خو له وی جوړه کړی خلا سیدو ته
تلوسه یې وی په بڼ کی غوړیدو تــه
ناڅاپی ستا د غوسی ږلی پری‌و شی
پری یې ږدی پری دپرخی لوبیدو ته
یوارمان زما لا نــه وی رژیدلــی
غوړیدو نکی گل می سم کړی رژیدو ته
خندا واخلی ژړا را کړی‌داخه دود دی ؟
کــه زه‌هول عمر پیدا یم ژړیدو تـــه !
او ښکو خو به ستا سو لاس زماگریوان وی
یوه لحظه‌خو می خت پریږدی و چیدو ته
شو به شو پانو ته مه رالیږه با ددی
«رفیع» پریږده په آرامه سوځیدو ته

«حبیب الله رفیع»

بغض

مانند شب :
سیاه
خورشید وار :
گــرم
چشمت قیامتی ست - اگر چه -
وقتی نگاه میکنی ام
- خنده ات به چشم -
بغض گریستن
باپنجه‌اش گلوی چشم مراچنگ می زند .
ازروزگارکودکی ام - روزگار خوب -
چشمت حکایتی ست
مادر !

«رفعت حسینی»

لرغونی ادب :

دمینی مجنون

زه په مخ دهغه یا ر هسی مفتون یــم
چه له عقله بیگـانه گرځم مجنون یـــم
دجهان په سودا و زیان می نظرنه دی
بی‌له‌تانه له همه جهانه ستون‌یم

که می زړه شگاف‌شگاف شوباک‌ئی نشته
شانه توره دزلفینو په شبخون یـــم
چه هردم راته خبـــری د قصاص شی
نه پوهیږم بدنام شوی په‌کوم‌خون‌یم

چه دسپی قدر پری شته او زما نشتــه
معلومیږی چه تر سپی لاهم زبـون یـم
ځان به مړ دعشق به ځیل کړمه ناصحه!
وابه نه‌وړم زه «حمید» هسی ښتون‌یم

مینه

د مینی رنځ کی لیونی غوندی شوم
خپلو پردوته صحرانی غوندی شوم
دامینه نده څه ئی بولی خلکو !
چه دیار مخ‌کی سپیلنی‌غوندی شوم
خلك به وایی چه آرام نه‌لری!
څه وکړم خلکو بیړنی غوندی شوم

څوك چه مین شی یاریی وژنی دستی
زه پدی لارکی ځنډنی غوندی شوم
په رویبارانو زیاتی نه شوه شله
سبا ورځمه پیریانی غوندی شوم
زه رهین گرځمه په ځنگ له خلکو
گمان دمینی زیرنی غوندی شوم

څلور مه برخه

دالف. الف ژباړه

ځوچه‌خس ټول کړو

خپلی کرکیلی لپاره له‌خپلو کورونو څخه بهرته ووځی. بولندوی دمختار لدی غوښتنی سره موافقه وکړه او وروسته دیوی پیالی چای له څښلو څخه‌یی له‌کوره ووت. روغبړ یی‌ډیر دوستانه و.

په دویمه ورځ کلیوال له خپلو کورونو څخه ووتل‌اود خپلی‌کرکیلی دکارلپاره کروندو ته ستانه شول‌خو داسراییلی سپایانو له خوا بیرته‌را وګرځول شول. مختارچه تصورکاوه چه‌ناوړه تفاهم منځ‌ته راغلی دی، له بولندوی سره یی دکتلو غوښتنه وکړه، خوورته وویل شول چه هغه له‌خپلو مافوقو بولندویانو سره په غونډه کښی لګیا دی. اودکتلو په ځای یی‌امر وزکړ چه ټول کلیوال‌دی له‌خپلو کورونو څخه وباسی اود کلی ختیځی سیمی ته‌دی بوځی. مختارته اجازه ورنکړی شوه‌چه دخپلوبوټونو دبندو کولو لپاره کورته ستون‌شی.

کله چه‌ټول کلیوال راټول شول اسراییلی ګارد به بامونو وخوت او خپل ټوپکونه یی دکلیوالو پلی ته سیخ کړل. دسهار شپږ نیمی بجی وی. هیڅوا دخوځیدو او حرکت‌اجازه نه‌درلوده. او کلیوال دمانیام‌ترشپږو بجو هماغلته چه وو، ولاړ وو. هیڅ‌یو نارینه او ښځی دا اجازه نه‌درلوده‌چه له‌ځایه څخه بیل شی اوشیبه آرام وکړی. هیڅیوه ماشوم نشوه کولی چه‌ولاړ شی اویو غړپ او به راوړی. (په‌فلسطین کښی دجون دمیاشتی لمرډیر تود وی.)

دماښام مودی په اوږدو کښی‌چه کلیوال دکروندی په ختیځه‌سیمه‌کی ټول دروَل شوی وو، اسرا ییلی فوځیانو به‌ډیر خیر سره اوه شپیته کوره، یو ښوونځی اویو کلنیک چه دکلیسا‌ګانو دبین‌المللی‌جرګی له‌خوا اداره کیده په‌بمونو سره‌والو ځول.

دماښام ورځی دمانیام په شپږوبجو داسراییلی فوځونو دهما غی سیمی بولندوی له لودسپیکر سره په یوه بام باندی څرګند شواو ویی‌ویل‌چه: «تاسو کولی شی چه خپلو کورونو ته‌ستانه شی!» کله چه کلیوال‌ستانه شول بولندوی مختار ته ورنـږ دی شواو له‌هغه سره‌یی په خبرو اترو پیل وکړ. مختار پوښتنه وکړه چه آیا دپیښی پای‌او انجام همــدا و؟ بولندوی ځواب ورکړ دازما غوښتنه نه‌وه، له‌پاسه په‌ما باندی امر شوی و». مختار ځواب ورکړ چه موږ په جګړی کښی دخپلو کورونو دلا سه ورکولو څخه شکایت نلرو. (مطلب‌یی دجون دنهم دبمباری څخه و.) خو تاسو له‌موږ څخه غوښتنه وکړه چه تسلیم شواو‌موږ تسلیم شولو، تاسو زموږ وسلی را څخه واخستی اوموږ هم‌درکړی اوڅه ګیله موهم ونکړه، زماکوز ته‌را غلاست اوما موهر کلی وکړ (دا خبره دعربانو په دو دونـو اوميلمه پالنی کښی ډیرمهم او لـه معنی څخه ډکه‌ده) او وروسته تر دی خبرو بیاتاسو ولی داسی وکـړل، ولی؟...

کله چه‌زه اورشیلم ته ستون شوم نوما همدغه پوښتنه داسرا ییلـی ارکان حرب له‌نطاق څخه وکړه. هغه ته‌دزیته نوم وریاد نشو. خوزمالپاره یی‌دهغی سیمی بولندوی ته پــه «طولکرم» کښی تلفون وکړ. ځواب داوچه له‌اوه شپیتو څخه لږکوزو نه وران شویدی اودغه کار دجګړی په اوږدو کښی ترسره شویدی. خوزه پوهیدم چه‌دا خبره حقیقت نلری. له هغه څخه‌می غوښتنه وکړه چه کولی شی پدی برخه کښی‌دی ډیره څیړنه اوتحقیق وکړی اوهغه هم‌ژبه‌راسره وکړه چه‌دا کار به‌راته وکړی. او کله چه‌دهماغی ورځی په وروستیوساعتو کښی می بیاټلفون ورته وکړ هغـه راته وویل چه څه‌نوری خبری نلری چه‌پخپلو پخوانیو خبرو او پخوا نی ځواب باندی یی زیاتی کړی.

مایه اور شیلم کښی د«مسیحـی خوانانو په ټولنه کښی» هستوګنه غوره کړاوله تګ څخه دمخه می‌یوه شپه هغه‌تورات چه زما دمیز دپاسه و، پرانست. چه وګورم آیـا داسی توجیه به‌پیدا شی چه‌د اسرا ییلـی فوځونو دغه وضعه چه له خپلوعربی ګاونډیانو سره یی کوی اوزه یی‌ډیر پریشان کړی اوډارولی وم، تو جیه کړی شی؟ سترګی می په یوه شعر باندی ولګیدلی چه‌د «تثنیه دسفر» په باب یی‌خبری کولی. دمثنی سفـــر، نولسم فصل ۱۴ آیه، «دخپل ګاونډی دپولی نښه چه پخوانیو ایښی وه.د هغی‌ځمکی په‌میراث کی چه دخدای‌ج دهغی دملکیت اوارثیت لپاره تا ته درکوی مه خوځوه.»

ډیل بی تاته‌نه ښایی چه دخپل ګاونډی دپولی کرښه ځای په ځـای کړی، هغه پوله چه ستا ګاونډیانو له‌لرغونی زمانی څخه ستا په میراث کښی جوړه کړیده ...په هغی ځمکی کی‌چه خدای ج تاته‌در کړی‌ده چه ته‌یی خاوند اوسی».

«له‌اوښکو څخه تشه بد مرغی»

دغه شعر زما په‌زړه کښی پاتــه شو څوچه هغه وخت راورسید چه‌زه له‌بیت المقدس څخه ستون شم وزه یوه‌بل ملکری دلیدا هوا یی ډګر ته بوتلم. څونه له اصلی لاری څخه‌چه دغونډیوله منځه‌تیریده‌اوبیا اللطرون ته‌ور تاوییدله.

کله چه‌له هغه ځای څخه تیریدلم داردن اواسراییل ترمنځه په‌بی‌طرفه سرحدی سیمه کی چه له یوه کالـه راپدیخوا په‌هیڅ یوی خوا پــوری مربوطه نه‌وه، له‌دریو تنو ښځوسره مخامخ شوم چه‌په تش واټ با ندی له‌ویاړ جنو ګام‌ونو اواوږدو کمیسونو سره تیریدلی. موږ ودریدلو اودعربانو په‌دود موسترړی مشی سره‌وکړه پوښتنه می وکړه چه‌په څه شی پسی ځی. د هغوی غږ هماغه دتورات انګازه درلوده چه‌په ډیره خوږه توګـــه‌د فلسطینی عربانو په ژبه جاری کیږی هغوی وویل:

ځو چه لږ څه خس ټول کړو

موږ پداسی حا ل کی چه‌دغونډیو دپاسه ریبلو ته‌نژدی غنمو ته کتل پوښتنه وکړه له‌کومه ځایه څخه‌ له هغو ښځو څخه یی یوی ځواب‌راکړ له «بیت‌نوبه» څخه اونا څاپه هغو دزړه‌وړاړه له‌اوښکو نه دتشی‌بدمرغی څخه‌په ډک‌حالت سره چه «لمر یــی تحقیراوه» په‌ژړا اوزاریو پیل وکړ.

یومیل پورته دغرونو په کمـرو باندی دسروی دونو یوکتار دیـوی تشی ځمکی سره چه نوی ورا نــه شوی‌وه ترسترګو کیده بله خوا یوه ارته ځمکه چه‌د کاکتوس دونوڅیره یی‌جوړه شوه و، سر له نوره‌ځمکو دنوی جوړ شوی پرهار په‌شان تــر نظره راتلله. داټول هغه څه وو چه له«بیت‌نوبه» او هغه ته ورته کلـــی یالو څخه پاتی و. اسرا ییلیا نودغه کلی وران کړی اود ځمکی له مخه‌یی نشت کړی و. دهغو عربانو لپاره چه کورونه یی پدغی سیمی کی وو، او څو سوه کاله دلته میشته وو هیـــڅ شی‌نه‌و پاتی ..

پرته له لږڅه خسو ټولولو څخه هیڅ بله‌هیله دعربی‌سیمو هستوګنو عربانو ته‌نه وه پاته. کوم وخت چه اسراییلی فوځونو یرغل وکړ نوهر څه‌یی وران کړل او یواځی یو څـه کرکجنی نښی وز څخه پاته شوی‌چه هغه ټولی دعربانو لپاره دحسرت‌وړ وی‌او دی. یواځی یو څه‌نښی اودبدمرغی نښانی شته چه ښیبی دابــلا وهلی اوتاراک شوی سیمه یوه‌عربی سیمه ده- هغه‌لاره چه موږ پری‌تیریدلو «عمواس» ته غزیدله. کله چه موږ دبیت نوبه خواته خوځیدلو نو

هغه بیجومی مو ولید. یعنی‌دعمواس بیجومی‌یعنی‌هغه‌ځای چه‌حضرت‌عیسی (ع)وروسته‌دمصلوبیدو تر ورځو یی حواریونو ونه پیژاند، او هغوی‌سره یی ډوډی اومالگه وخوړله او هغوی‌ته یی‌دخیر دعا وکړه. تر هغو چه بیاد هغوی سترگی وغړیدلی او هغــوی پیغمبر عیسی وبیژاند. او موږولیدل چه همدا سیمه یعنی دعمواس سیمه هم‌له منځه تللی او په‌در دونکی توگه نشت شوی ده. عمواس زما دنقشی دپاسه چه‌په سپیځلی سیمی پوری مربوطه وه، په نشته‌شوی و، خــو وروسته ترهغه‌به‌دغه‌سیمه داسراییل دحکومت له‌خوا په برابری شوی‌هیڅ نقشی کنبی ونه ښودله شی ځکه‌چه اسراییلیانو دغه سیمه هم له منځــه وړلی ده، اوهغوی پرته دځان لـــه ساتنی او امنیت ځخه په بل هیــڅ شی باندی فکر نکوی .

بیاهم سړی دلته یوشمیر ځایونو وینی چه بولدوزر پری تیر شوی او ښکاری چه دغو سیمو تاریخی هویت لرلی اودغه سیمی په عربو پــو ری مربوطی وی. دغه‌ځمکی تولی سوری سوری شویدی. ډیر دهستو گنـــی کورونه پکښی وران شویدی هغـه دزیتون ونی چه‌میوه یی‌لمر ته وچه شویده خودا هیله کیدی شی چه‌بیا هم‌میوه وکړی .خو توپیر به یـــی داوی چه دعمواس دسیمی خلك به بی‌میوه ټوله نکړی‌پرته لدی چه‌کومه معجزه پیښه شی. پدغی سیمی کی هغه وروستی نښی چه ښکاری،هغه ځمکی دی چه‌یو وخت کورونه پکی ورا ڼوو. اواوس پدغی سیمی کی او ددغو ځمکودپاسه دکالیپتوس‌کوچنی بوټی راشنه شویدی. او داسی‌ایسی لکه چه‌د جسدونو او قبرونو په‌خوا کی چینجی رغړی په راتلو نکــی وخت کښی به اسراییلی ځوا نـاند پیك نیك اومیلی دځای په لټه کښی دعمواس لرغونی واټ په مخکی‌نیسی اودغی سیمی ته‌به راځی اود گډوډو ونو ترمنځه به‌گرځی. خو په دغــو ونو کښی به‌سر گردانه ارواحی په لالهاندی سره الوځی او گرځی.

اسراییلی ځوانان به گرځی راگرځی خاندی، هو سیری به، خو ددغوونو په‌څانگو کی به لالهانده اروا حـــی گرځی، هغه لالهانده ارواحی چــه ددی سیمی په اصلی‌هستو گنوپوری اړه لری، اوهغوی به‌دغو خلکو ته‌چه ددوی په‌سیمه یی تاړاك گډ کړیدی ښیری کوی.

ځکه چه‌دا ځای هم دهغوی پـــه گاونډیانو پوری اړه لری .

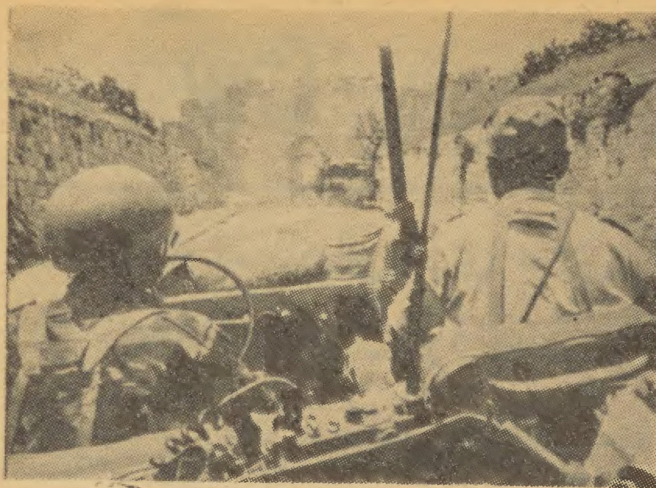
هوکی، ځو دسروی او کاکتوس ونی اویو ځو اوسپنی هغه شیان‌وو چه‌له زیته ، بیت نوبه او عموا سس اوداسی نورو ځایونو ځخه پاتی دی. خوآیا دا ټول هغه ځه د ی‌چه‌داسرا-ییلیانو له‌خوا پدی‌سیمو باندی دیرغل اوبرید اوپدی ځایونو باندې داورد اورولو اوقتل عام په وخت کښی‌پاته دی؟بی‌له شکه چه ځواب یوبر یکړ-ونی اوپوځ نه دی. نه، پرته لدی یو لړهغه تارځه خاطرا ت‌پاتی دی چه په‌اصلی اوسیدو نکو پوری یی اړه لری. عربان غواړی چه ځپلی اصلی خاوری اوځپل ټاټوبی ته راشی. دا هغه واقعیت دی چه‌د دمو کراتـــو حقوق پوهانو دبین المللی اتحا دیی لیږل شوی هیات دفلسطینی آواره-گانو سره دخبرو اترو په ترځ کی پری پوه شویدی .

چه‌په ژنیو کنبی د۱۹۴۹ کــال داگست په ۱۲نیټه منځ ته راغلــی ځلورم مقاوله لیك په روښانه توگه وایی، «دهغو املاکو او شخصی ما-لونو هرډول ورانی، اوله منځه وړل چه انفرادا یامشاعا په ځانگړو خلکو اویادولت اویا عمومی او اجتما عــی سازمانو پوری اړه ولری دیر غلگرو له‌خوا منع‌دی مگر په‌هغو مواردو کی چه فوځی عملیاتو دغه ورانی مطلقا ضروری گرځولی وی.»

خو سره لدی هم دفلسطین عربان تل‌له مرگ اووړانی سره مخامخ‌واو دی دکلیو په‌بمب باندی الو ځــولد اسراییلیانو په نظر کی یوه عادی‌او ورځنی خبره ده. یالو چه‌یو وخـت یوعربی کلی‌وبه دینامیټو باندی‌وا-لوځول شو. «عبدالرحیم دید» چــه ددغه کلی له‌پاته ژوندیو وگړو ځخه دی دموکراتو حقوق پوهانو دبین-المللی اتحادیی لیږل شوی هیات‌ته داسی کیسه کوی .

«نیك په‌اړه‌یو هغوی «اسراییلی فوځیان» دکلی هستوگن دځپلـــو کورونو پرېښودوته‌اړ ایستل.مربوط اسراییلی بولندوی«قوما ندان»وویل که‌ځوك په کورونو کی پاته شول‌نو وبه وژل شی. دیالو علاقه دار له‌هغه سره خبری وکړی‌او غوښتنه‌یی‌ترینه وکړه چه‌پریږدی چه خلك پاته شی. خونوموړی بو لندوی دغه غوښتنه‌رد کړه اوچه دکلی هستوگنو اعترا ض وکړ اووپاریدل نوبولندوی پوښتنه وکړه چه ځوك نه غواړی چه له کلی ځخه ووځی ؟

دولس تنه ځوانان دخلکو له منځه را ووتل. اسراییلی فوځیانو هغوی‌کتار ودرول اودکلیوالو په مخکی یی چار ماری کړل. بیانوموړی شاهد وا یی «نوربیا»





کوتاه. دلچسب. خواندنی

استفاده از آسیابهای بادی برای مقابله با بحران انرژی

چون عده ای از کشور هـا ی‌صنعتی در معرض تهدید بحـران انرژی قرار گرفته اند . در المان فدرال برای جلو گیری از بحـران انرژی ابتکا راتی روی د ست‌گرفته‌شده که یکی ازاین ابتکارات.تولید برق به وسیله آسیابهای بادی است . چندی پیش نخستین آسیاب بادی در جزیره سیلت بکار افـتاد واینك گروهی‌ازدانشمندان‌سویسی، فرانسوی والمانی به تا سیس یك‌مرکز بین المللی برای پژو هش در باره استفاده از باد برای تو لیـدانرژی در سطح گستر ده ، مبادرت ورزیده اند .

آسیاب بادی متشکل از ده تیغه‌فولادی بشعاع ۱۱ متر در با لا ی یك برج ۱۲ متری که به شکـل‌عمودی در باد می چر خند و بـطور الکترو نیکی هدایت میشوند نصب‌شده که می توانند هشتاد در صد ازباد را به برق تبدیل نمایـنـد .نتایج او لیه با دستگاه نصب شده در جزیره سیلت واقع در المـان‌فدرال بسیار مطلوب بوده است . یك چنین جنراتور کو چك میتواندبرق مورد نیاز پنج خانه را تا مین کند یعنی ۱۵۰۰۰۰ کیلوات بر ق‌درسال . چون باد مصرف ا ضا فی ندارد دانشمندان امیدوار هستنـد‌که صنایع جهان برای استفاده ا ز این و سیله تو لید انرژی علا قـه‌بیشتری نشان د هند .



پنگوئـن های کو چك که از خود‌قصه های دارند حتی در کتا بهای نویسند گان بسیار معروف ونامدارجهان. این عکس پنگوئن ها تو سط عکاس نمودار خصوصیت مخصوص پنگوئن هاست

ازدانستنیها

بزرگترین تکت پستی جهان !

بزرگترین تکت پستی جهان در سال ۱۹۱۳ در کشور چین طبع گردید. اندازه این تکت « ۲۴۸ » ملی متر در«۷۰»بود وبعدابزرگترین تکت پستی در سال ۱۹۴۹درکشور فرانسه طبع گردیدکه «۴۸» در«۳۷» ملی متر می باشد .

بزرگترین راه های کشتی رانی :

کشوری که دارای طولانی تر ین راه های در یای قابل کشتی را نی است . فنلا ند است .

مجموعه دریاچه ها و رود خا نه های این کشور که قابل کشتی‌رانی اند به «۴۹۹۰۰» کیلو متر مربـع می رسد .

بزرگترین مسجدجامع‌جهان:

بزرگترین مسجد جا مع جها ن مسجد جامع دهلی در هندو ستا ن است. بنای این مسجد از سال٦٤٤ الی ١٦٨٥ بطول انجا مید، ا یـن مسجد « ۸۴۰۰» متر مربع مساحت دارد .



شما چه فکر میکنید آیا ایـن زن‌زیبا بایك پلنگ واقعی بااین همـه جسارت و خونسردی در سالـو ن سیرك ژست گرفته ویا مانکن است که زیبایی پوست پلنگ راعرضه می‌دارد.

قیمت نوك بینی

چندی قبل یك محکمه ساردنی‌اعلام کرد که نوك بینی آ قـا ی « سالواتو ره » پانزده هزار فرانك‌ارزش دارد . این محکمه حکم مزبور را پس از رسیدگی به نزاع«سالوا»و همسر سابقش « ژانت » اعـلام کرد . جریان از این قراربود که :

خانم ژانت بخانه سالواکه‌شوهر‌سابقش بود ، رفته تا نفقه اش را دریافت کند . آقای سالوا و قـتی‌پیشنهاد زن را در زمینه پر دا خت نفقه شنید خیلی اعصبانی شده‌دربن‌موضوع با هم دعوا کردند ، وقتی مرد خواست ژانت را با سیلی زده‌از خود دور سازد ، خانم باچالاکی نوك بینی مرد بیچاره را کند. بـه‌اساس حکم محکمه زن مجبور شد تاقیمت نوك بینی آ قـارا بزودی‌بپردازد .

بجواب نامه های شما

جمله پیشنهادات‌شما همین صفحه‌به جواب نامه های شما سر ازین‌شماره در مجله باز شد، و لی در مورد نشر اختصاصی مطالبی که شما تذ کر داده اید اکثریت خوا نند گان نظر دیگری دارند .

در مورد نشرنشدن مضمون‌بایدبگویم که اصلا همچو مضمونی تا بحال به اداره مواصلت نکرده است .

• • •

ـبنا غلی محمد یوسف از مکتب جبیبه درنامهٔ شان پس اظهــــار علاقمندی با مجله ژوندون مینوسد

بناغلی محمد قاسم از فابریکــه جنگلك !

نشر عکسهای رنگه در چند ین صفحه مجله ژوندون باوقت محد ود واشکا لاتیکه داریم فعلا عملی نیست درآینده که البته ماشین های‌بهتری ماو شمادر اختیار خواهیم‌داشت فکر نمکنیم سوالی باقی بماند .

پیغله ناهیده از صنف نهم مکتب ملالی :

والله سخنان شما در مورد مود ومود پسندی جوانان خیلی بجا ست به نظر مانیز باید جوانان بــه مسایل دیگر توجه داشته با شنــد تامود وآرایش لباس وغیره. ولـی شمــا کــه جــوا ن هستید و تــا زه درصنف نهم مکتب‌تشریف داریدفکر نمیکنم آنقدر ها هم‌مود ولبا س‌دربین عصر وزمان بد باشد.اختیار دارید.

• • •

بناغلی احمدضیاء از مکتب غازی

می‌برسند که چرا جریده ژو ندو ن مادرپشتی مجله اینهمه لباس ها ی افغانی را چاپ میکنید .

غلط کردید قربان اصلا جریــده تان مجله است که باید پشتی‌داشته باشد ولباس افغانی‌هم که لباس‌ملی خودتان است . پس‌لباس فرنگی را نشر کنیم؟ مگر متوجه صفحه چا رم پشتی نشده اید .

• • •

بناغلی محمود از پوهنځی طــب ننگرهار :

طـی نـامهٔ مطـو ل و اظهـــار نظرهای درمورد سینما وفیلم مــی نویسند که‌در گذشته مجله ژوندون فیلم های روز رامورد نقد وبر رسی قرار میداد ویك سینما رو علاقمنــد به‌فیلم های خوب می توانست پس ازدیدن فیلم ویا قبل از آن به نکته های نامفهوم فیلم پی برده وهم‌بعضی مسایل سینمایی‌برایش روشن‌شود.

بجواب این رفیق ارجمند خــود باید ، بگوییم که ما هم به تایید نظر شان می افزاییم که‌نقد وبررسی‌فلم کمك است برای تماشاچی وهم‌مثلا برای سینما گران وعلاقمندان‌به‌هنر ولی منتقدین ما میگویند :

کی فیلم خوب در سینما ها مـی چلد که‌به نقدش بیارزد .

در حالیکه این روز فلم های خوبی بـــرا ی نمـا یشـ دا ریم

چطور میتوانیم مجله بهتری داشته باشیم؟

این سوا لیست که شاید نــزدبسیاری از خوانند گان از جمنــدمجله ژوندون موجود باشد .

به نظر ماهر نشریه وسیله ایست‌که‌ارتــباط ومناسبـت بین خو اننــدگان واداره یعنی همکاران ونوسنـدگان مجله برقرار مینماید. وایــن‌مناسبت وقتی قویتر مثبت ترومثمرتربوده میتواند که خوا نند گـــان سوالات که‌در ذهن شان خطورمیکندنظریات و پیشنهادات داتیکه در مـــوردبهتر شدن مجله میداشته باشنــد! با اداره مجله درمیان بگذارند واین‌مامول از طریق ارسال نامه هـــاوتماس های مستقیم باستاف ژوندون برآورده شده میتواند. روی همین‌ملحوظ است که صفحهٔ جدیدی بنام«بجواب نامه های شما» در مجله باز میشود تانظر یات وپیشنهـــا دات‌خوانند گان درین صفحه انعکا س‌یافته‌وتا جاییکه امکان‌عملکرد نظریات موجود باشد برای بهتر شدن مجله‌به منصه اجراءگذاشته شود. درغیرآن‌به قناعت خاطر خوا نند‌ه خوا هیم پرداخت .

باید متذکر شد که خوانند گان‌میتوانند سوالات شانرا در مـــوردسایر موضو عات مطرح ساز نــد. سعی ما بر این خواهد بود تا بحــل‌پرسش هایشان در زمینه موضوعات‌متذکره به پردازیم .

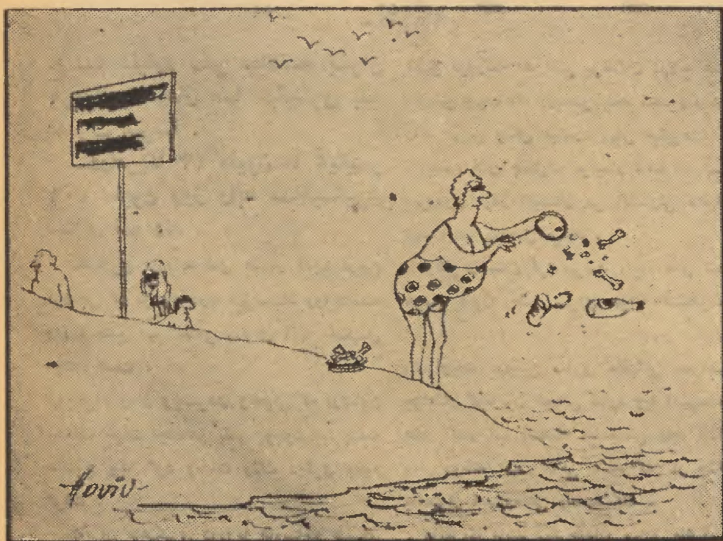
حالا نا مهٔ داریم از بنا غلــــی محمد حسن صنف یازدهم شیر خان کندز . ایشان در نامهٔ خودموضوعات بعســیار را عنــوا ن نموده ودر زمینه نظریاتی دارند، مثلابناغلی‌محمدحسن درنامهٔ خود می نویسد «تقریبادوماه پیشس يك‌مضمون همرای‌خود به‌صفحه جوانان فرستا دم که هیچ درك آن معلوم نگردیده».

دوست عزیز !

موضو عاتیکه شما در مورد نشر بعضی مطالب باما درمیان گــذاشته اید به‌نشر آن اقدام میشود که از که‌لطفا آدرس مکمل ژوندون رابرای شان نشانی دهیم .

دوست ارجمند !

از اـهظار عــلا قمندی تان با مجله تشکر. واما درمورد آدرس‌باید گفت «یار در خانه ومن گرد جهان‌میگردم» مجله ژوندون درهر شماره آدر س رابه‌نشر میسپارد. ولی اگر منظور تان از آدرس «کردکی» است بایــد عرض کنم که به موتر های‌مکروریان سوار شوید ودر ایستگاه «گولایی سرپل» ا زموتر فرود آید ودر مسیر خلاف حرکت موتر نظر اندازید يك عمارت بزرگ پنج طبقهٔ در برا بــر شما در فاصله دوصد متری قــرار دارد . در همین عمارت اداره مجلــه ژوندون در منزل نخستین قـــرار دارد. امیداست ژوندون را بیابید .



در تابلوی آگاهی نوشته شــده‌است انداختن کثافات دردریا ممنوع است .

این کارتون را پیغله عـت از گـذرتنور سازی بما فرستاده .

امروز سیل ماهی‌گیران بخاطر گذشتاندن ایام تعطیل دل بدریا میزنند .

ترجمه : دوکتور جیلانی فرهمند

ماهیگیری یاسپورت واستراحت

ــ ٥ ملیارد دالر سالانــه بــرای خریداری سامان مــا هیگیــری بــه مصرف میرسا .

ــ درامریکا ۳۳ ملیون ما هیگیــر ۷۰٦ ملیون روز رابه مــاهیــگیری سبری نمو دند .

ماهیگیری اززمانه های بسیار قدیم دربین مردمانی که نزدیك دریا میزیستند رواج‌داشته ودریا منبع مهم غذایی رابرای آنها تشکیــل میداده است .

بامرور زمان وپیشرفت وتحولی که درشئون مختلف حیات اجتماعی بشر بوجود آمد پیشه ماتنوع پیدا کرد وحیات رنگ دیگری بخود گرفت .

بنابران ماهیگیری دردریا هاوساحه هــای کوچك جای خودرا به‌کار های دیگر داد وخود آهسته آهسته شکل سپورت وتفنن راگرفت .

ازاینجاست که ماهیگیر سپورتمین ، شخص باحوصله بوده . شفق دا غ که همه بخــواب

صفحه ٤٤

عمیق فرورفته اند حتی پرندگان درلانه هــای خویش غنوده اند ازبستر بلند شده راه دریا راکه ازبین جنگل میگذرد پیش میگیرد .

پیشه های جنگل‌که نوبیدار شده اند بــه سرورروی اودر تابستان می افتندولی ماهیگیر همه اینها راتحمل میکند .

وقتی زمستان فرا میرسد ، باد های تنداز هرسو میوزد حتی سردی هوابه استخوانش میرسد .بازهم ماهیگیر آماتور تحمل میکنـد.

اکثراوقات درچنین سفری ماهیگیر همراهــی جزافکار گوناگون خودش ندارد وبا آنهم‌ساعت هادر کنار آب نشسته چشمانش رابه چنگك وتار دوخته است تاکی باشد که تار چنگك به‌اهتزاز آید وماهی راصید کند .

درامریکا مانند دیگرجاهادر سابق ماهیگیری وسیلهٔ بدست آوردن غذا بود تاآنکه در قــرن بیست یعنی ازشروع سال ۱۹۳۰ ماهیگیری به حیث یك سپورت ووسیله تفنن محبوبیت پیدا کرده واین محبوبیت سال بسال بیشتر شده است .

چنانچه بعضی از شخصیت های معــروف امریکا چون روزولت وهایزنهاور نیز درجمله دوستداران این سپورت شمرده شدند .

فعلا ماهیگیری چون مرض ساری که بــه همه جاسرایت مینماید دامنگیر پیرو جــوان گردیده است وهمه مردم درامریکا ترجیــح میدهند وقت فراغت خود را به مــاهیگیری بگذرانند .

به همه معلوم است‌که وقتی یك حادثه یا عملی به پیمانه وسیعی عمومیت پیدا کنــد اولتر ازهمه ماهران احصائیه گیران به‌آن علاقه مندی نشان میدهند موضوع را تحلیــل نموده تحولات آنرابه اعداد ارقام درج میکند وفیصدی هارامی سنجند .

حال دست به دامن احصائیه زده به بینم درباره ماهیگیری چه چیزهای قابل یادداشت وجود دارد .



امروز باگرفتن یك ماهی بایك چنگك هیچ ماهی گیر قــناعــت نــکرده‌آرزوی صید زیاد رابایك چنگك دارند.

سال گذشته درحدود ۳۳ ملیون ماهیگیران امریکایی تقریبا ۷۰٦ملیون روزرابه ماهیگیری دربحر ودریا گذرانید . آنها ٥ ملیارد دالر رابرای خریداری سامان ماهیگیری به مصرف رسانیدند که ازآنجمله در حدود یك ملیارد دالرراجهت خریداری کشتی کوچك ماهیگیری صرف کردند .

کشتی های که زیادتر به آن ماهیگیــران علاقه مند بودند کشتی های المونیم بود که دارای موتور بودند .

ماهیگیری

صنعت این کشتی ها سبك بودن آنهاست که میتوان به آسانی ازیك جابجای دیگرآنرا نقل داد مثلابربام موتر تیزرفتار بسته کرد ه به جای که ضرورت باشد حمل کرد .

ازجانب دیگر اگر ازدیاد نفوس را درسال ۱۹٦۹ و۱۹۷۰ درنظر بگیریم از ۹ فیصد بیش نبوده درحالیکه به تعداد شوقمندان ماهیگیری ۳۵ فیصد اضافه شده بود که این احصائیه تنها تعداد ماهیگیران رادر آبهای شیرین نشان میدهد درحالیکه دربحراین رقم به ١٦ فیصد میرسد .

عواملی راکه باعث ترویج روز افزون و انکشاف سریع سپورت ماهیگیری گردید میتوان چنین تذکرداد .حفرحوض های ذخیره کننده ماهی درهمجواری شهر های بزرگ وانتشار مجله های ماهی گیری .

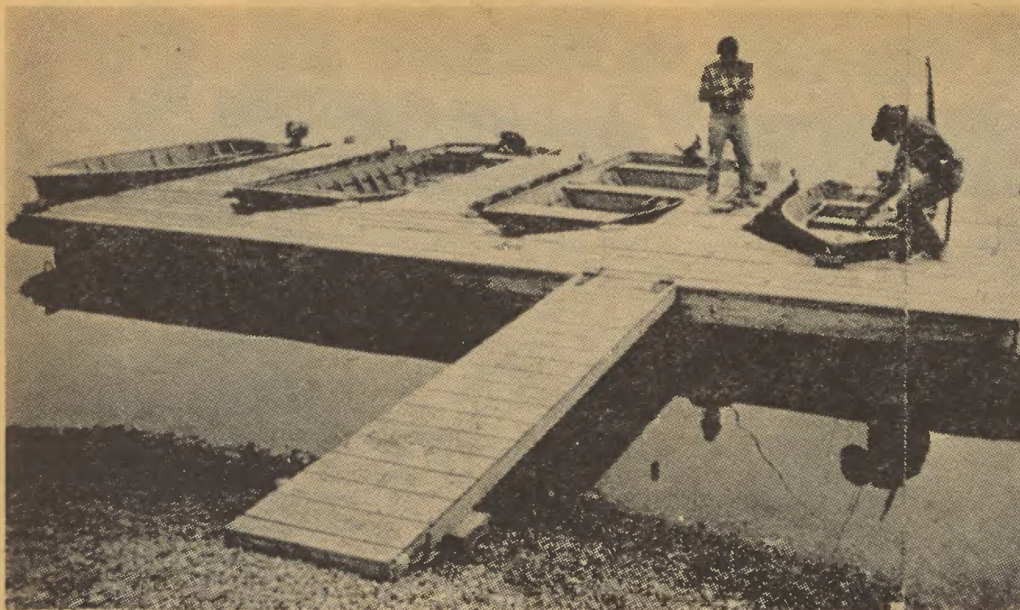
دراکثرایالات اضلاح متحده برعلاوه مجله فوق، بلوتن هایی نشر میشود که در باره قانون ماهیگیری وحفاظة نسل ماهی معلومات کافی ارائه مدارند زیراقانون ماهیگیری ازیك ایالت به ایالت دیگر فرق میکند وحفاظة نسل ماهی مربوط به فصل است . بصورت عموم درحدود ٤٠ تا٥٠ نوع ماهی وجود دارد .

ازین نوع معلومات تقریبا ۳۰فیصدماهیگیر هایی استفاده میکنند که آنها خارج ازایالت مسکونی خویش به ماهیگیری میپردازند .

درامریکا اجازه نامهٔ ماهیگیری راهرماهیگیر بالغ میتواند ازعلاقه داری یاحکومت مربوطه خویش ویاواز مغازه سامان سپورتی در بدل یك مبلغ ناچیز بدست آوردکه این اجازه نامه مختص به ماهیگیری درآبهای شیرین میباشد. قیمت این اجازه نامه پنج دالر است .

عایداتی که ازین رهگذربه حکومت تعلق میگیردبرای حفاظه جنگلات‌وحیوانات‌بکارمیرود

اکثر ماهیگیران آماتور خوش دارند ما هی های خطرناك ، قوی وحمله وروتیزرا صید کنند در حالیکه دیگران از ماهیگیری توقع استراحت وحظ بردن درهوای آزاد ودرکنار طبیعت رادارند .



دراینجا ماهی گیر میتواند کشتی موتوردارِیابی‌موتور را کرایه کند ، بنزین خریداری‌کند وهمچنین درصورتیکه ازخوردن ماهی بسیر رسیده باشد در رستورانت آنجا غذاصرف نماید.

دفضائی چارو

په‌حقیقت کبنبی زموږ دمعیارو نو په‌اټکل یوکال دمشتری په ستوری کبنبی ډیر اوږد تیریږی دمثال په ډول :که څیری په ځمکه کبنبی یو کوچنی پیدا شی او لس کاله یی دعمر څخه تیر شی، لاکن دمشتری ستوری بیا هم‌دلمر په‌شاوخواحرکت نشی پوره کو لی‌یاپه بل عبارت، دمشتری دستو ری انتقالی حر کت ترلسو کلونو زیات وخت غواړی،

داځکه چه‌د لمر څخه دمشتری‌فاصله خورا زیاته ده ځمکه دلمر څخه دری نوی میلونه میله او مشتری څلور سوه اتیا ملیونه میله فاصله لری.

ځکه نوپه مشتری کی دلمر علت دی چه دمشتری دستو ری وړا نگی‌ډیری‌کمزوری ښکاری‌همدغه سوړ اویخ گرځیدلی دی.

دمریخ او مشتری دمدارونو په منځ کبنبی په‌زر گونو کوچنی دنیاوو جوړښت موندلی دی چه حرکت یی دنورو ستورو خلاف گڼل کیږی، نوموړو کوچنیو دنیاوته استر ویډ یاکوچنی ستوری وایی یوازی دری دانی یی‌تر دوه سوه پنځوس میله اضافه قطر نلری‌چه‌د سرس، وستا، اودپا لاس، په‌نومونو سره یادشوی دی دسرس قطر د٤٢٧ څخه تر ٤٨٥میلولیری‌اټکل شوی‌دی. دوستا قطرد ۳۷۰ میلو معادل ټاکل شوی دی اودپالاس قطر ۲۸۰ میلو ته رسیږی .

همدا اوس دفضایی چارو پو هانو اوڅیړونکو دنوموړو درو کو چنیو ستورو ماهیت ته‌خورا پام اړو لی‌دی اوپدی برخه کبنبی په ژوره مطا لعه لگیادی .

دفضایی چارو یو تکړه پوه ارتو اکلارك ددغو ستورو دپیژندنی په‌لړ کبنبی د(ایکاروس)پنامه دیوه‌ستوری په‌باب یوه‌حیرانوونکی نظریه‌ورکړی ده. نوموړی پوه پدی عقیده دی‌چه د(ایکاروس) ستوری داولس‌ملیونو میلو په فاصله لمر ته نژدی شو ی دی.

اودا فاصله ورځ په‌ورځ کمیږی. په‌حقیقت کبنبی نوموړی ستو ری به یووخت ځمکی ته دومره رانژدی‌شی چه‌دبوی فضایی بیړی په مرسته کولی شو چه هلته یوه راډیو یی دستگاه ودروو بیانو پوهان کو لی شی چه دنوموړی راډیو یی دستگاه په‌مرسته دلمر په باب گټور معلومات ترگوتو کړی. لاکن پدی برخه کبنی یومشکل شته، هغه داچه، کوم وخت دایکاروی ستوری لمر ته‌نژدی شی،سمدستی داور دبوی کو لو لی شکل اخلی. ځکه نو گمان نه کیږی چه‌انسانان دی پدی نژدی وختو نو کبنبی پدی کار بری ترلاسه کړی چه ریکاردی په ستوری کبنبی یوه راډیویی دستگاه نصب اوپکار وا- چوی. داځکه چه انسانان بایدلمړی داسی یوه راډیوی دستگاه جو ړه کړی چه وکولی شی‌یو داسی‌حرارت وزغمی .لاکن که‌چیری یوه ورځ‌دغسی وسیله جوړه شی په یقین سره‌ویلی شم چه‌انسانان به دلمر په باب‌زیات گټور معلومات حاصل کړی .

په‌هر صورت ،دزحل دستو ری دتایتان‌په‌سپوږمی کبنی دیوی رصد خانی جوړول یوداسی حیرا نوونکی پیشنهاد دی چه‌هر څوك په حیر ت کی اچوی. خوبیا هم لیدل کیږی چه انسانان دساینس او ټکنا لوژی په برکت کولی شی چه دفضایی چارو دزیاتی مطالعی او څیړنی په باب مخکبنی لاړ شی او پدی برخه کبنی هیڅ حداو اندازی ته تسلیم نه شی.

تیاتر پانتو میمم

سرگر می مردم را تشکیل میداد.

انگلیسها این تیاتر رابیشتــر مدیون کمیدی ایطا لوی بنام(کا مید یه‌دیلارت) میدانستندآنهائیکه‌رولهای مهمی رادر این تیاتر بازی کــرده بودند بانامهای هار لیکو ین یعنــی پدر دوست‌داشتنی، پانتلون‌شخصی که‌باپتلون دراز وقیافه مضحك خود مردم‌را میخنداند وهم یك دختــری بنام کولمبین. درامه ها علاوه ازرقص وموزیك حر کات اکرو باتیك‌وصحنه های تصوری رانیز دارا بودند این نمایشات بنام پا نتوس یاد می شد.

پانتو میم‌تاوقتیکه‌به شکل‌امروزی درآمد تحولات زیادی‌را متحمل‌گردید پانتو میم امروز یك تیاتر غیر عادی بنظر میرسد، قسمیکه یك عده‌ساده لوح‌ها باهم دست داده واتحاد نموده اندکه که‌هر گز سخن بزبان نیارند آنها ازگپ توبه‌کرده‌اند وگفتنی‌های خودرا توسط دانس وحر کات و اشارات بیان میدارند.

پانتو میم این عصر بیشتر بــر تنومندی جسمی اکتور ها اتکــاء نموده بانها مو قع آنرا داده تــا مهارت کامل دررقص داشته باشند.

صحنه پانتو میم پراز رقص های هیجان انگیز بوده بعضا این تظاهر جسم وحر کات ناشی ازآن تاثیرات شهوانی ونفسانی دارد، ولــی در حقیقت تیاتر مذکور مبارزه روح و جسم بشررا بیان میدارد که هــر لحظه میکو شد خودرا از طلســم جسم آزاد ساخته در فضای لایتناهی بپر واز درآید.

صحنه ها وپارچه های این تیاتر عالی رااکثرا شعاع های رنگا رنگ نور وامواج موزیك که وقتاً فــوقتاً عملی میشود چون نقاش چیره‌دستی پرداس میدهد و بز یبایی آن مــی افزاید.

ازاینجا است که باوجودعــدم کلمات ولی بی حرف بودن تیاتــر بیننده در لا بلای حر کا ت وژست های مختلف وموزیك متناسب آن غرق درعالم‌تفکر میشود برای یکــی دوسا عتی از خود وزند گی پرهیاــ هوی روز مره بعید میشود ولذ تی تکرار ناشد نی به‌او دست مید هد.

دردرامه کیمون که‌راجع بتا ریخ هیجان آور جنایات‌نوشته شده بود واضح شده که پانتو میم یك‌وسیله قوی احساساتست که از یــك سو زشتی جنایا ت را نشان مید هد واز جانب دیگر رقت احساس را ارائه میدارد که بصورت مستقیــم بر احساسات بیننده مؤ ثر است.

تیاتر پانتو میم رادر پو لینــد هنریك توما شفسکی‌اساس گذاشت توما شفسکی که وقتی اکتور و دانسر خو بی بود در پا نتومیــم مهارت کامل دارد او کسی اســت که‌به سر نو شت بشر به غمگینی خا صی مینگرد او می بیندکه انسان در چنگال خود خوا هی وغرورسخت گر فتار است.

اوتیاتر پانتومیم رادر شهرفروت سوف در غر ب پو لند ۱۹ ســال قبل تاسیس کرد.

اکثر درامه ها وپیس ها یی که دراین تیاتر نمایش داده میشود از شهکار های تو ما شفسکی است. یکی ازپارچه های معروف آن‌وداعــ فوست است که‌ازیك اثر معرو ف آلمانی ترجمه واداپت شده است.

درو داع فو ست دانس دو نفری وجود داردکه رول هلن زیبارادختر موطلا یی (ونوته‌کیشل دژیوینسکه) وازپارس را (ستفن منیجاو کافسکی) اجراء مینماید.

دیگر از نما یشنامه های معروف این تیاتر یکی مهم نمایشنا مــه تحت عنوان نمایشگاه ملکه امپراطور فلپس بود که در وقت خود شهکار تمام نمایشنا مه ها محسو ب می‌شد سناریو ی آن بــه اتکای‌ه هنــر ۸۰ سال قبل توسطدراما تیست معروف آلمانی فرانك ویدیکند نو شته‌شده بود.

دراین پانتو میم همه چیز را می توان یافت یعنی از فکا هی ،انتقادی مسایل عشقی عکس العمل هــای شدیدوفوری گرفته‌تاحالت‌اضطراری درهیجا ن وقدرت فزیکی.

تمام این پیشر فت هارا تیا تر پانتو میم فروت مدیون مقام عا لــی هنر خودمیداند.موزیك این‌نمایشنامه طوری نواخته شده که‌در میان‌مزاح وحالت ترس وخوف انسان را قرار میدهد.

گاه گا هی مو زیك این پار چــه به موزیك و اگنر و مند لسون تماس میگیرد.

رول ملکه امپرا طور راکه دختر مو طلایی بنام دنو تا کیشل‌دژوینسکه اجرا میکند دنو تا به رقاصه درازپا وچهره غمگین معروف است. اودر این نمایشنا مه‌هیچگاه ازروی‌ستیج دور نشده واز بستر خارج نمــی شود درانیجا اورول دختر جوا نی را بازی میکند که احسا ســا ت شهوانی دراو اوج گرفته استواین پانتومیم در حقیقت صحنه ها یــی ازعشق بازیهای او باچند مردجوان میباشد که کوشش‌میکنند دل اورا بدست آرند.

این شهکار حالت قهقــرا یــی سالهای بین دو جنگ را در ارو پــا نشان میدهد پیش آمد قهر ما نان این تیاتر نقا شی های جار ج‌گروش رابیاد میدهد.

این نمایشنا مه بعنوان نمایشگاه نه‌تنها قابل انتباه است بلکه یــك حادثه واقعی واساسی رابیان مــی دارد.

اکثر درامه ها ونمایشنا مه های پانتو میم شهکار واثر مؤ سس آن هنریك توما شفسکی میبا شد.

وقتی نظراورا درباره تاسیــس پانتومیم درپولیند خواستارمیشویم تبسمی در لبانش نقش می بندد و بجواب مامی پردازد:

۱۹سال قبل من این تیاتر راــ تاسیس کردم زیرا امکا نا ت بالت رادر اجرای رولهای مختلفی که حالا درپا نتومیم بکار میرود محدودیافتم بنابرآن تصمیم گرفتم تیاتر دیگری یعنی تیاتر جدیدی بوجود آرم.

دراینجا اضافه میکند که: بعدها فهمیدم که‌چیز نوتر وجدیدی وجود ندارد ازآن‌به بعد قدم به‌قدم دراین پیش میرویم تابه منزل مقصــود برسیم توما شفسکی شخص بــا صراحت است او روش زندگی را خوب درك کرده‌ونظر خودرا با خوش مزگی خاصی بیان میدارد.

میگوید: دردنیای تصویر وتماشا زندگی میکنم یعنی دردنیای تلویزــ یون وسینما.

لذا حرف زدن کمتر است ،پس تیاتر امروز هم تیاتر پانتو میــم است ارزش سخن را پایان آوردیــم چه‌اکثر مردم امروز به‌گپ اعتمــاد ندارندــ امابا آنهم احساس خودرا ازدست نداده اند.

این گفتار هنریك توما شفسکی معنی وهدف این تیاتر رابماواضــح می سازد.

د۲۱ مخ پاتی
په‌آزاده‌هوا کښې

سواحلو دکولو ژی ،خزنده پیژندنه اوقیانوس پیژندنه اونوری زیا تی موضوع گانې لري، دزده کــړې څرنگوالی اودزده کو ونکو محــدود شمیر ددې اجازه ورکوی چه‌زده‌کړه په‌لوړه سطحه سرته ورسوی اوهغو مو ضو عاتو دبیاویلو مخه ونیو له شی چه‌د ژمې په‌موسم کښې لوستل شوی دي ددوبې په‌پای کښې زده‌ــ کوونکی خپلې بیلې بیلې پــرو ژې خلکو ته وړاندې کوی زده کوو نکی باید دعادې تولگیو په څیر داســې کار وکړی چه دنورو څخه بیرته‌پاتې نه‌شي که‌چیرې یوکو چنې دلوست سره علا قه نه درلوده مدرسه دهغه دایستلو غوښتنه کوی اود هغه‌ځای یوځه جدي زده کوونکی ته ورکو ل کیږی.





دژوند پیژندنې زده کوونکی پــه‌خوږو اوبو کښې دژوندو فیزیکی، کیمیاوی او بیو لوژیکی خواصو په څیړنه لگیا د ی

ژوندون

عکسها و مطالب

جان در آثار هنرمندان

جان واین هنرمند مشهور هالیود چهرهٔ خواستنی برای نقاشان است درین عکس جان رادر حالیکه لباس فلم های وسترن رابه تن دارد می بینید. درپهلوی جان واین نارمن راکول نقاش معروف امریکایی که پورتریت جان را کشیده است دیده میشود .

راکول عقیده داردکه چهره جان آنقدر ثقه استکه حتی درنقاشی هم بطور مشهودانعکاس یافته وچنان تصور میشود که این عکس از خودجان برداشته شده است نه از تابلوی که من کشیده ام .



ایدیو نسوا



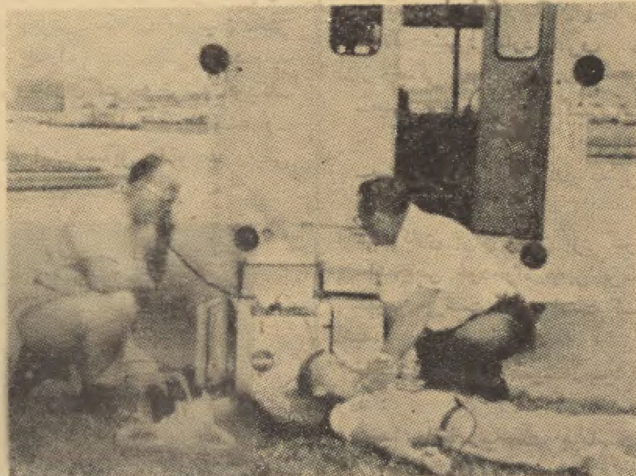
ایدیونسوایکی از هنر مندان جمهوریت ازبکستان اتحاد شوروی که دربیشتر ازیازده فلم روی پردهٔ سینما ظاهر شد ودربین هنر هنرمندان دیگر به سرعت راه یافته ما ننـد ستارهٔ درخشانی تجلی کرد .

ازبکستان شوروی ، استعداد وهنر نمایی های این اکترس افتخارمی‌کندوآیندهٔ درخشانی رادرعالم هنر برایش پیش بینی مینماید .

تایلور وبرتن دهمین سالگرد ازدواج شانرا جشن گرفتند

ریچارد برتن ستاره مشهور هـالیـود و الیزابت تایلور دهمین سالگرد ازدواج شانرا دریك رستوران در سانتامونیکا جشن‌گرفتند. درین محفل کیم دونوکی که زمانی ستـاره زیبایی اندام بود برای تایلوریك انگشتر که ٤٥٠ دالر ارزش دارد هدیه کرد. آنها شبی خوشی راگذشتاندن ولی اواخر شب برتن‌چنان مست شد که‌باالیزابت تایلوردعوا کردوکار بجای کشیدکه حال ریچاردبهم خورد واو را دریکی ازشفاخانه های سنت جان‌کــه در سانتامونیکا موقعیت دارد انتقال دادند .

کمک فوری



شهر هوستون درایالت تکساس اولین‌شهر امریکایی استکه ازآلهٔ جدید تلی متریـك برای برقرار ساختن انتظام نبض مریض بعد ازحمله قلبی، ضربهٔ شدید، سموم ویا دیگر امراض استفاده کرده اند .

بابلند رفتن وتوسعه استفاده ازاین آلـه جدید درشهر های دیگر اضلاع متحده امریکا این تولید مهم‌که نتیجه پروگرامهای فضـای خارجی آن میباشد امکان دارد سالانه حیـات دوصد هزارنفر رانجات بخشد .

درعکس متخصصین این فن، صورت‌کـار این آله راعملی مینمایند، یکی ازآنها باداکتر توسط رادیو گپ میزند که به کمك تلیمتر وضع نبض مریض راحاصل میکند .



روان شناسی جوانان

چرا پدر و مادرها مخالف معاشرت جوانان اند؟

درباره روابط عادی یك پسر و دختر چه‌عقیده دارید؟

آیا نزدیکی وتما س یـــك پسر بایك دختر در شرایط امروزی گناه است؟

چرا عده‌از پدر مادر ها مخالف معاشرت جوانان اند ؟

روان شناسان براین سوا لات چنین جواب داده اند.

تا جایکه تجربه ثابت سا ختـــه وگذشت زمان نشان داده بسیا ری از انحـرافــــات سبـب سخـت گیری های والدین یامسو لین‌جوانان اند کـه نخـوا سته انـد (دختـران وپسران)ازنزدیك‌باهم معاشرت‌داشته باشند البته منظور ماز رابطه.روابط عادی است که درمیان جوا نا نما وجود دارد.

تربیه نادرست کودك‌وبی اعتنایی والدین بعضاً سبب می گردد که‌این کودك در آینده جوان منحرف بـار آید زیرا در کودکی هر گز پدر ویا مادر نخواسته که امیال وخواسته‌ های فرزند شان‌رادرك وبه مشکلات آن جواب گوید وکودك را قا نـــع سازد. اگر احیانا از طرف کودك یا نوجوان سوالی درباره روابط زن‌و مرد میشد این سوال از طرف‌والدین دلیل به‌بی تر بیتی وبد اخلا قـــی تعبیر میگردید واین وضع سبب می شد که‌نو جوان ازروابط زن ومردو صدها سوال برایـش بـی جـوا ب وازآن بی‌خبر ماند ودرضمن جرئت این راهم نکند که‌ازپدر ومادر خویش درباره پرسش نماید زیرا میدا ندکه اگر باز هم درین مورد سوالی کـنـد مورد توبیخ والدین قرار می گیرد بناء این عدم معلو مات در باره،ـ برایش عقده تو لید کرده ودرسنین جوانی کوشش میکند که‌این عقده را بگشاید وازهمین جاست‌که بسیاری ازجوانان بدرد سرهای می افتنـد

برای اینکه جوان منحر ف بارـ نیا ید وبرای اینکه روابط میان دختر وپسر یك امر عادی تلقی گردد باید پدران ومادران متوجه تربیه کودکاـ نیکه جوانان فردا اند باشنـد وـ هیچگاه این مسایل راکوچك وبیش باافتاده نشما رند.



رقاصه ایکه دکتورا میگیرد



ماجده رقاصه معروف مصر

مؤسسه «ولترا ندرسون» امریکا درطی هفت سالی‌که ازعمر تأسیسش میگذرد، برای بار نخست پرو گرام آموزش تعلیم فنون وهنـر را روی دست گرفت وبحیث اولین هنرمند بای یکی از ستاره های معـرو ف (بالیه) مصری رابنام «ماجده‌صالح» باین موسسه کشاند.

این ستاره زیبای جهان عـر ب اکنون در صدد آن است تادکتورای خویش رادررشته هنر رقص بدست آورد ورشته .اختصا صی اشـــــ موضوع :«رقص ملی مصر» خواهد بود.

ماجده که‌در ســـال ۱۹٥٤ از پوهنتون‌جنوب‌کالیفورنیا درلاســ انجلس ،فارغ گردید دیپلوم‌ماجستر رادرشق‌پیشرفت تقالید رقص‌مصری بدست آورد واین میدان جدیـــدی است که بنا بگفته خودش اویکه‌تاز بوده‌وتاحال ،با ین معیار کسی‌درین رشته نرسیده است.

این دانشمندوستاره رقص‌بدنبال بازدیدش که‌در اثر دعوت موسسات هنری اروپا بدانجا میرود ،واردـ امریکا نیز میشودتاتحصیلا ت‌خود رادر پوهنتون نیویارك بپایه اکمال برساند.

او چند ی‌قبل دریکی‌از مسابقات رقص بالیه که‌بسویه بین المللی در وارن بلغاریا دایر گردید اشتـرا ك نمود ودرین مسابقه که بیست کشور جهان بشمول مصر، سهم گرفته‌بود نقش ماجده برازنده تر ودرخشا ن تـر نسبت بهمه هنر مندان بچشـم می خورد.

ماجده که‌اکنون درپهلوی‌اعمال تجر بوی وتمرینات وسیع مصروف فرا گیری دوره های عالی‌هنررقص می باشد ،یکی ازچهره های آموزنده وستاره درخشان این رشته هنر، بار خواهد آمد وپیروزی های چشم گیری دررشته رقص جهانی ،درـ قبالش خواهد بود.

ترجمه هبا

میهن پرستی از نظر بزرگان

– میهن یا یادگارنیاکان وخونبهای آنهاست . (...)

–آنکه میهن ندارد شرف نداردوآنکه شرف‌ندارد مرگ‌برای‌اوهزار باراز زندگی شرین تراست (.....)

–میهن پرست حقیقی کسی است که‌نفع‌میهن رابه نفع خود مقدم‌دارد «هاربرت ادمز»

–بهترین زن، زنی است که برای‌میهن سر بازان دلیر بوجود بیاورد. «ناپلئون»

–فداکاری برای میهن بزر گترین‌افتخار ها ست . (؟)

–اشخاص خودخواه میهن پرست‌نیستند .. «جا لینو س»

–میهن پرست کسی است کـــه‌واقعاً بتر قی کشور خود علاقمنـد باشد.. «سقراط »

خایینین به‌میهن همیشه‌رسوا می‌شوند ونام آنان نیز بزشتی یادمی گردد . «الکساندر دوماه»

–خدا حافظ دنیاست، برماست‌که‌حافظ میهن باشیم . «با کن»

فرستنده: نریمان، ن

اندیشه های جوانان

نورمحمد (سهیم) محصل پوهنځی ادبیات وعلوم بشری:

جایی شکی نیست که فردبشر در میان موجودات بی شمار طبیعت موجودیست کوچك ودربین ذرات، ذرهٔ کوچك ودربین قطرات، قطرهٔ است ناچیز ومبهم . ولی بایدپرسیدکه آیا اثبات موجودیت این ذره درچیست وچه کسی درنمایاندن آن مسوولیت دارد ؟ چه‌وقت نسبت به‌دیگران اولو یت می‌یابد؟درپاسخ باید گفت که با استفاده از نیرو وعزم وارادهٔ متین خودش وبااستفاده از تلاش‌پیگیر درپرتو چشمان پرفروغ خودش وبالاخره در اتحاد واتفاق خودش بادیگر ذرات،می تابدبرهدف خود فایق می‌آید، زیراگفته اند: (جوینده خودش یابنده است .) وکسی می تواند برکشتی پیروزی سوار شود که ازنیرویی واقعی خودبه صورت معقـــول وپسندیده استفاده لازم به عمل آورد .

حقیقتا نیرومند کسی‌است که آرزوهاوامیدهای خودرا باانتخاب راه معقول جامهٔ عمل می پوشاند ودرتحقق بخشیدن آرمان خویش‌چون پروانه ازسوختن باکی ندارد وچون شمع تاپای سوختن استادگی می کند .

سردی وگرمی روزگار را باپیشانی باز وسینه متبحر از شکیبایی وصبر و حوصله می قبولد ودرصورت شکست درردریایی تاثـرغرق نمیشود ودر بحربی پایان مصیبت و مشقت باالخاصه غم واندوه غصه نمی خوردوبزدوی دست ازجهان هستی برنمی دارد. وبالا خر ه در رسیدن به مطلوب‌محتاطا نه قدم بر می دارد وسرعت‌و شتاب رادرپیمودن راه به خرچ نمی دهند .زیرا شتاب نمودن وبه سرعت راه رفتن و موانع پیشروی خودرا ندیدن، فرجام عـدم‌موفقیت دارد وباعث میشودکه موجبات نابودی خودرا خود فراهم سازد ونابهنگام بمیردوخواسته هایش به‌خاك یکسان شود.

پس بیائید درامر رسیدن به مطـلو بخستگی رادر خود راه ندهیم وبه استفاده از نیروی انسانی خویش وفوق وبرتریت خودرابرناملایمات به ثبوت رسانیم وچون کوه عزم تزلزل ناپذیر ، درمقابل مصائب متصور،درخودایجاد کنیم وبالاخره درراه رسیدن به خط مسابقه آهسته ولی مستقیم راه برویم زیراگفته اند (آهسته اگربه استقامت باشد مسابقه رامی برد .)

لامان (مراد) عضونشرات پوهنځی ادبیات‌وعلوم بشری:

تاریخ پرافتخار وطن مادارای حماسه های‌پرشور است . این حماسه ها یادگار ننگ وغیرت پروردهٔ این مادروطن است . مادروطن‌درلحظات حساس تاریخ خودبه مغز ها ووجود قدرت ونیرو داده وآنرا بیدار کرده اند،ونیز درتاروپود این وجودها، آن حماسه های دیرین نیاکان مارا مجددا زنده ساخته اند . مغزی‌که درآن آمال میهن پرستی موجودند، چنین آرمانها زنده وکار میکنند، واقعا کـه‌سلولها، رگهاو شریانهای که برای تعمیل اینها به وجود (جوان) ارتباط میگیرند .خلاصه، جوان کسیست که دارای آرمانها ی دراثرنیروی خستگی ناپذیر خـود انتقال ومردمی باشدوتاریخ‌گذشتهٔ میهن رابه آیندگان پیوند داده، رشد مثبت همه جانبه راتسریع بخشند .

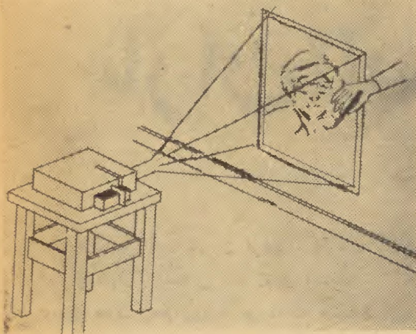
محمد عمر «حزین» دکرهنی دپوهنځی‌محصل:

دځوانانو وظیفه ده ترخودخپل هیوادپرګوټ ګوټ کی دناپوهـی بد مرغه تیاری‌دپوهنـی اومعرفت په وړانګو روښانه کړی ، اوهم‌هغه ناوړه دودونه چی دکلونو، کلونو راهیسی د یوی مزمنی ناروغی په توګه یی دخلکووینی زبیښلی دی اودټولنی دوروسته پاتی کیدو او داقتصادی بنسټ دړنګیدو سبب شوی دی له منځه یوسی .

ځوانانو لره ښاتی چی دژبی او قلم پـه وسیله دټولنی واړه وګړی خپلو نیمګړتیاووته خیرکړی اوهم دداسی نیمګړتیاوو په له‌منځه وړلـو کی‌هڅه وکړی، ترڅو زمونږننی ټولنه داوسنی عصر دغوښتنو سره سم سمباله‌شی اوهم زمونږ واړه هیوادوال دیوه نیکمرغه او خوشحاله ژوند خاوندان شی .

هو! داهغه هیله‌ده چی‌نن دهر هیوادپالونکی ځلمی په‌زړه کی‌ځای لری اوددی‌هیلی‌دترسره کیدو دپاره هر بااحساسه اوروشنفکره ځوان هڅه کوی .

بایک پنسل و یک پروژکتور



اگرآرزو داریدکه‌رسمی ازپرتریت خویش داشته باشیدویا میخوا هید رسمی از صورت دوست، رفیق یا یکی‌از آشنا یان خویش را ترسیم کنید وبرایش هدیه دهید بهتر ین روش راکه کمتر اشتبا هی ممکن است درآن رونما گردد برای شما ابراز میکنم.

برای این منظور پرو ژیکتوری‌را روی میزی قرار دهید ودر مقابـل آن صفحـه کـا غـذ را نـصـب کنید بعد فلمی‌از شخصی مـورد نظرتان راداخل پروژکتـور نمود ه چراغ پروژیکتور روشن‌نما ییدعکس مورد نظرتان روی صفحه کاغذسفید می افتد باقلم پنسل‌باریك خطاصلی وفرعی راکه‌درروی‌کاغذ است روشن کنید بدین ترتیب عکس مورد نظر تان تهیه میگردد

بعداز آن که خطوط راروی کاغذ رسم نمودید پروژیکتور راخاموش کنید وکاغذ سفید که‌روی آن خطوط نقش است‌روشن‌نماییدوازروی عکس یافلم آن پرداس دهید بعد خوا هید دیدکه رسمی ازشخصی مورد نظـر تان‌را به‌بهترین‌صورت آن‌که شباهت زیاد وفوق العاده دارد ترسیم نموده اید اگر خواسته باشید رسم مـورد نظرتان بزرگ باشد باکمی فاصلـه که‌بین صفحه کا غذ وپرو ژکتو ر ایجاد میتکنید این منظور شما نیـر برآورده می گردد.

باید متذ کر شد که‌این شیـوه تنهابرای‌ترسیم نمودن پرتر یت صورت شخص نیست بلکه میتوانید منظره های جالبی نیز رسم نماییـد مشروط بر اینکه فلم آنرا داشتـه باشید.

نو شته :پروین قسیم

آیامیخواهیدازصحنهٔ امتحانات‌موفق‌بدر آئید

همه مامیدا نیم که زند گی خـود هدفی است که برای بد ست آوردن آن چه جانفشا نی هایست که نمـی کنیم ازآنجمله یکی هم هد فــی تحصیل است چـون واضـح است که‌همه چیز هابرای خودیك سعـی وتلا ش‌درکاردارد‌پس درراه تحصیل وکسب علم باید سعی و کوشش لازم به عمل آریم تاباشد که‌همیشه شاهد موفقیت را درآغوش کشیم .

برای این منظور راه های موثری‌وجود دارد که چه درموقع تحصیل وچـه در دیگر مـوا رد زنـد گـی از آ ن استفـا ده نـما یـم مخـصو صـا درمواقع امتحانات اغلب شا گردان بامشکلا تی مواجه میشوند که همه ازاثر روش غلط است که‌یك شا گرد در پیش میگیرد .

معمولا ناراحتی‌یك‌شاگرد خستگی کمی وقت بوده ودرضمن بعضـاً بخود تلقین میمایند که هو ش‌کافی ندارد متاسفانه اکثـرا شا گـردا ن بدون داشتن یك پروگرام خـود را آماده امتحان ساخته وباداشتن‌همین حالت بالای میز امتحان حاضر مـی شوند که‌البته این خود سبب موفق نشدن یك‌شاگرد درامتحاذ گردیده ووی رامایوس وپریشان میسازد.

یك شاگر فهمیده ولایق بایـد پروگرام درسی برای خود تر تیب دهد یعنی بعداز وقت مکتب‌رو زا نه ساعتی را به‌استراحت‌خود تخصیص داده از درس خوانـد ن تـا دیـر وقت هاومهمانی های شبانه جـدا اجتناب نماید ازینکه شبها زیادتـر خسته میشود ودرس خواندن برای یك شاگرد مشکل‌به‌نظر میرسد باید از طـر ف صبـح بـرا ی مـرو ر دروس خویش پرو گرام ترتیب‌نماید زیرا مطالعه صبح ازهر نگاه نسبت باساعت ها مطالعه در شب بهتر و ومفید تر است .

از: یوردان یوف کوف

ادبیات جهان ـ بلغاریا

باران تابستانی

(یوردان یوف‌کوف) درسال ۱۸۸۰ به جهان‌آمد ودرسال ۱۹۳۷ چشم ازجهان پوشید. وی یکی ازبهترین وپرآوازه ترین نویسندگان‌بلغاریا است. وتحصیلاتش رادر رشتهٔ حقوق انجام داد وبه حیث معلم دریك مكتب ابتدایی‌به‌کار پرداخت.

(یوردان یوف‌کوف) در جنگهای بالقان وجنگ جهانی اول شرکت کرد. از ینروعده‌یی از داستانهایش سر گذشت سربازان را دربرمیگیرد واز جنگ وخونریزی انتقاد میکنند. این نویسنده در ترسیم زندگانی روستایی‌دست توانا دارد ودرین زمینه از رخداد های روزانهٔ حیات دهقانان سخن میگوید :

باران سیل آسا باریدن گرفت. ولی‌مانند همه بارانهای تابستانی به زودی ایستاد. آسمان صاف شدوخورشید بر دشت تابیدن گرفت. ابرهای تیره وتار درمشرق ناپدید گشت. دیگر آذر خش نمیدرخشید. شرشر آب ازهمه جاشنیده میشد وسیل ازتپه ها پایین می آمد. دردره، جایی که جو یبار کوچکی جریان داشت، حالادریایی گل آلود وترس انگیز پدیدار شده بود. دهقانان که کلاه هایشان تاشانه های شان پایین آمده‌بود، یاجوالهارا به سر انداخته بودند، باپاهای برهنه اینسو وآنسو میدویدند. مواشی راجمع میکردند، برای آب جویچه میکندند یا دسته دسته جمع شده زودخانه را مینگریستند. زمین زیردرختها، باشگوفه ها و برگهای توفانزده پوشیده شده بود.

(فلیپ) کنار دروازهٔ میخانه اش ایستاده بود وبیرون را مینگریست. یك‌گادی ازپایین به سوی مهمانخانه می آمد. گادی بیرلی راکه ظاهرا خالی بود، حمل میکرد. دو اسپ خاکستری رنگ، بادمهای گره خورده، که از باران مرطوب شده بودند، باشکوه تر به نظر می‌آمدند. مردی درجلونشسته بود. اوبروتهای درازسیاه داشت، وقتی نزدیکترآمد، (فلیپ) اورا شناخت. او(کولیا) بود، یاآنطوری مردم میگفتند (کولیای سیاه).

(کولیا) سالها میشد که گادی رانی میکرد ومردم همواره وی رادر هرگونه هوا میدیدند. (کولیا) هم ازباران شت وپت شده بود. بروتهایش فروافتاده بود وچهره اش میدرخشید.

وقتی به میخانه رسید. ایستاد وازگادی پایین آمد. تسمهٔ اسپها راشل کرد، لگام را ازدهنهایشان برداشت ومقداری کاه برایشان انداخت. بعد، به آبی‌که لحظه به لحظه‌بیشتر میشد، نگریست.

(فلیپ) درحالی که اورا استقبال می کرد، گفت :

ـ (کولیا) درین هواکجا میروی ؟

ـ میروم شهر. دیگرکجا میروم ؟

ـ باید ازپل بگذری، اینطور نیست ؟ ولی پل زیرآب شده. توغرق خواهی شد.

(کولیا) گفت :

کلاه پوستش رابرداشت، به سختی تکان داد ودوباره به سرگذاشت. چهره اش درهم شد. انگار اذیت شده باشد.

بعد، درحالیکه رم راقرت میکرد، گفت :

ـ پس توفکرمیکنی که من غرق خواهم شد، ها؟ پرواندارد. وقتی گدای بیچاره یی مثل من بمیرد، دنیابه آخر نمیرسد. تو قصهٔ آ-ن کولی را نشنیده ای ؟ وقتی زمستان فرارسید وبادشروع به وزیدن کرد، کولی روبه باد نمود وگفت: (باگرفتن جان یك کولی توغنی ترمیشوی ؟) خوب، درمورد من نیز همین طور است. نمیفهمی چقدر ازین زندگی خسته شده‌ام ......

(فلیپ) به‌خاطر داشت‌که یك یادو سال میشد زن (کولیا) مرده بود واو کودکان زیادی داشت. شاید ازهمین جهت وی خیلی بیچاره بود.

(فلیپ) پرسید :

ـ (کولیا) چرایك زن برای خودت نیافته‌ای؟ بعداز جنگ بیوه ها که فراوان است.

(کولیا) گفت :

ـ یك گیلاس دیگربده که بخوریم. یقینا وقتی آدم جستجو کند، زنان پیدا میشود ولی کسی ازمن خوشش نمی آید. برای اینکه من سیاه هستم، برای اینکه بروتهای بزرگی دارم. گذشته ازینها، من خیلی اولاد دارم. مثلا (استانکیا) رادر نظر بگیریم. این زن از دهکدهٔ ماست. اویك پول سیاه‌هم ندارد که خیرات کند. ولی مثل طاووس‌مغرور است. یکروز من همراه اسپها در استبل بودم. اوآواز مراشنیدکه سر اسپها فریاد میکشیدم. گفت: (این آدم مرد خوبی نیست. من شنیدم‌که برای اسپها قسم میخورد. ازین مردمیترسم.)

ـ پس به خاطراینکه برای اسپها قسم خوردی، آدم بدی هستی. ها؟

ـ همین طور است. خوب، اگر برای حیوانات قسم نخوری، بالگد میزنندت یادندان میگیرند. چه‌کنم‌که خداوند آوازی به من‌داده که وقتی کاملا باآرامی گپ بزنم، مثل حالاکه باتوگپ میزنم، مردم فکر میکنند که باکسی دعوا دارم. وامادر مورد زنان! آدم بهتراست تنها رهایشان کند. یك گیلاس دیگر بده‌که بخوریم!

(کولیا) لختی خاموش ماند وسپس‌گفت :

ـ خوب است‌که هنوز زنان پیر یافت میشوند. مردم میگویندکه اگر در خانه ات زن پیری نباشد، بروویکی بخر. زن پیر از کودکان مواظبت میکند.

میدانم اگر پیرزنی نباشد، من چه کار خواهم کرد.

(کولیا) چند لحظهٔ دیگر نشست. یك سگرت کشید. چند گیلاس دیگر رم خورد. بعد، برخاست که برود. (فلیپ) بار دیگر کوشیدکه اورا از رفتن باز دارد :

ـ صبرکن که آب‌کم شود. ازین آب‌گذشته نمیتوانی.

(کولیا) به اسپها اشاره کردوگفت :

ـ آن اسپها رامیبینی ؟ به هرسوکه برانم شان، میروند. من ازچیزی نمیترسم.

رم گرمش کرده بود. کلاهش را عقب زده بود واطمینان داشت‌که وقتی میگوید ازچیزی نمیترسد، راست میگوید. سوار گادی شد. بروتهای درازش راتاب داد وتازیانه را بر پشت اسپها فرود آورد.

سیل دهکده رااز میان نصف کرده بود. آنشب به میکدهٔ (فلیپ) عدهٔ کمی آمدند. وقتی این عده رفتند و(فلیپ) فکر کرد که شاید کسی دیگر نیاید، به سوی کتابهایش رفت وخواست دروازه راببندد. درهمین وقت، دربیرون یك گادی ایستاد. چون جاده گل‌آلود بود، سروصدایی ایجاد نکرده بود.

(فلیپ) به پسری‌که آنجاکار میکرد، گفت:

ـ ببین کیست.

پسراز دروازه به بیرون نگاهی انداخت وگفت :

ـ یك زن ازگادی پایین میشود.

(فلیپ) سرش رابلند کرد. زن جوانی که دستمال سرخی به سربسته بود، از دروارد شد. به دنبال او بروتهای بزرگ وچهرهٔ‌تیرهٔ (کولیا) نمایان گشت. وقتی (کولیا) پا به درون گذاشت، فریاد زد :

ـ سلام (فلیپ) :

(فلیپ) اول نگاهی به اوانداخت وبعد زن راوارانداز کرد :

ـ پس نتوانستی ازپل بگذری، ها ؟

ـ گذشتم وتانزدیك آسیاب رسیدم. درآنجا آب عمیقتر بود. برایت قصه خواهم کرد. ولی حالا، ببین این زن ترشده است. شاید درخانه‌ات آتش باشد. بگذار برود خودش را گرم کند.

زن سرخ شد وخودش را نگریست : کرتی کوتاه وپیراهنش شت وپت شده بود. وی‌لاغر اندام وپریده رنگ بود. سیمای رنج دیده‌یی داشت. اماچشمهایش زیبا بود. این‌چشمهای خرمایی رنگ ومرطوب میدرخشید. بر بالای چشمهایش ابرو های قشنگی دیده میشد. به نظر میرسید که حداکثر سه ویك یاسی و دوسال داشته باشد.

(فلیپ) به پسرك گفت :

ـ درخانه آتش هست. مهمان راآنجا ببر. بعد، چیزی برای خوردن بیار. به زنم بگو چیزی بهت بدهد.

وقتی پسرك وزن ازدر عقب که به خانهٔ (فلیپ) میانجامید، بیرون رفتند، دومرد که اکنون تنهابودند، به‌چشمهای همدگرنگریستند.

(فلیپ) پرسید :

ـ این زن کیست ؟

ـ خوب، برایت میگویم ... اصلا به یك نمایشنامه میماند. یك‌گیلاس دیگر رم بده‌که بخوریم! وقتی‌ازینجا برامدم، تانزدیك آسیاب خیلی آسان رفتم. اماهمینکه به درهٔ (کاساپ لیسکی) رسیدم، منظرهٔ عجیبی‌دیدم.

درآنجا بیشتر از اینجا باران باریده بود. آنجایك دریای‌واقعی، مانند (دانیوپ)، به‌وجود آمده بود. خوب، چه‌کار میکردم؟ گادی را ایستاد کردم که فکر کنم. آفتاب نشسته بود وهواتاریك میشد. یکی ازابرها پارچه شد و هواکمی روشنی یافت. من تو انستم آبهای نزدیك خودم‌راببینم. ولی آخرآبهارا نتوانستم ببینم. به سلامتی تو!

ـ خوب، بعدچه شد ؟

ـ نمیفهمیدم چه‌کار کنم. بعد، به یك طرف نظرکردم ودیدم که شبحی به سوی من می آید. یك زن بود. عجیب بود! دوباره به سوی اودیدم. زن کنار آب راه میرفت. بعدایستاد وبه عقب برگشت. درینحال مثل خوك کوچکی چیغ میکشید وفریاد میزد. من صداکردم : (چه‌گپ شده ؟) خوب، یك گیلاس دیگربده‌که بخوریم!

ـ زن تراندیده ؟

ـ تاآنوقت مراندیده بود. همینکه مرادید پابه فرار گذاشت. صدازدم : (باش، کجا میروی ؟!) ولی اوهمچنان میگریخت. آنوقت باتمام زورم فریادزدم : (صبرکن !) او ایستاد. خوب، خلاصهٔ مطلب اینکه سوارگادی

گردمش .

ـ نپرسیدی که اوچه‌کاره هست ؟

ـ اوآدمی مثل ماست . یك روح بیچاره اودرشهر، دریك بیمارستان کار میکرد. به‌من گفت‌که پرستار بود. گفت: (آنجابامن رفتار بدی داشتند ومن روزگارسختی رامیگذرانیدم.) راست هم میگوید. مواظبت ازآدمهای بیمار کارمشکلیست . اینطور نیست ؟ گفت : (من دیگر ازین‌کار خسته شده بودم .) ویك روز بکسش رابرداشت وبیمارستان را ترك گفت .

ـ ترك گفت، ها ؟

ـ همین امروز. درین باران . آنطرف درهٔ (کاساپ لیسکی) رسیده بودکه باران گیرس کرد .

ـ کنارآب دیگر چه میگرد ؟

(کولیا) حرکتی کردوجواب داد :

ـ یك آدم نومیدچه‌کار میکند ؟

ـ میخواست خودش راغرق کند ؟

ـ خوب، میخواست همین‌کار را بکند. من درراه بااوگپ زدم . خیلی گپ زدم. او گفت: (میخواستم کار احمقانه یی بکنم . دیگرچنین کاری نخواهم کرد .) بعد، کمی گـریست . میفهمی زنها وقتی‌گریه کنند، آرام میشوند. یك گیلاس دیگر بده‌که بخوریم !

(فلیپ) پرسید :

ـحا لاچه‌کار میخواهی بکنی ؟ این زن را کجا میبری ؟

ـ البته که به خانه خودم. یکی دو روز میگذارم استراحت کند. اوبه من گفت که‌اصلا ازکجاست . بعد میبرمش آنجا .

(فلیپ) به سوی (کولیا) خم شد وچیـزی درگوشش زمزمه کرد .

(کولیا) فریاد زد :

ـ آه ، (فلیپ) ! من قهر میشوم . مـن چنین آدمی نیستم .

دروازه کوچك عقبی بازشد وزن به درون آمد. پسرك درحالی که مقداری نان بادوتـا بشقاب دردست داشت، ازدنبال او وارد شد.

(کولیا) گفت :

ـ خوب ، (پاراس کی ویتسا) شما گرم شدید ؟

زن لبخندی زد. کمی حالش به جا آمده‌بود. رخساره هایش رنگ‌گرفته بود وچشمـهای مرطوبش بیشتر میدرخشید .

ـ حالا بیایید چیزی بخورید. (فلیپ) آدم خوبیست . به ماشام میدهد. بنشنید. (فلیپ) توباما غذا نمیخوری ؟

(فلیپ) جواب داد :

ـ نی، تشکر. شما شامتان رابخورید.

هردوکنار هم نشستند . (کولیا) لبخندی هم نزد. خودش راگرفته بود ورفتارش توام بااحترام وادب بود. به زن نان داد. برایش شراب ریخت ومجبورش ساخت که بی‌تعارف غذا بخورد .

ـ (پاراس کی ویتسا) کمی دیگر بگیرید. غذای خوب بخورید. شما خسته هستید. این شام خوب رامیخوریم ومیرویم .

زن پرسید :

ـ ازآنهمه آب چگونه خواهیم گذشت ؟

ـ ماباآب سروکاری نداریم. مابه راه‌دیگری میرویم. مابه سوی تپه میرویم .

زن گفت :

ـ من میترسم !

(کولیا) دستش راروی چاقویی‌که درکمربند داشت، گذاشت وفریاد زد :

ـ شما آدم خوبی هستید. من همراهتانم چه کسی میتواند سرراه من بایستد ؟ فقـط کسی جرات کند .

زن لبخند زد .

غذایشان راتمام کردند. در حالی‌که زن‌سوار گادی میشد، «کولیا» کیسهٔ پارچه یی آبـی رنگش رابازکردکه پول غذارابپردازد . (فلیپ) باردیگر چیزی درگوشش زمزمه کرد. (کولیا) باخشم گفت :

ـ تومرابه جای‌کی گرفته‌ای ؟ من ازآن‌آدمها نیستم .

(فلیپ) بیرون برآمد که آنان را ببینـد . بیرل جای زیادی رادر گادی گرفته بـود . زن درپیش روی‌کنار (کولیا) نشست . (کولیا) جلواسپها راگرفت وتازیانه رابه صدادرآورد برای لحظه یی چراغ میخانه برآنان تابیـد . سپس گادی درتاریکی فرورفت . دریك طرف آب گسترده شده بود. درمیانهٔ آب، جایی که جویبار کوچکی جریان داشت، آواز برخوردآب باسنگها شنیده میشد. ولی آب نزدیك کناره هاآرام وملایم بود وآسمان باچند تا ستـاره درآن منعکس میگشت . دهکده در تاریکـی غوطه میخورد .

(فلیپ) داخل میخانه‌اش رفت ودروازه را بست .

• • •

یك یادوماه بعد (کولیا) به صورت غیـر منتظره به میخانهٔ (فلیپ) آمد. به یك نگـاه میشد فهمید که اوتغییر کـرده ا ست . خوشحالتر وتمیزتربه نظر می آمد. بروتهایش رابه بالا تاب داده بود ولبخند میزد .

(فلیپ) ازاو پرسید :

ـ خوب، (کولیا) تودرین مدت کجا بودی ؟ برسر آن زن چه آمد؟ حالاوکجاست ؟

ـ خانه است دیگر، میخواهی کجاباشد ؟

(فلیپ) باتعجب اورا نگریست . (کـولیا) لبخند زد :

ـ چرااینطور به من می بینی ؟ آن باران که یادت هست، آن توفان بزرگ . میگویـم خداخیرش بدهد . ببین، چه سال پر حاصلی. آن باران برای من خوشبختی آورد .

ـ یعنی باآن زن ازدواج کردی . اینطـور نیست ؟

ـ ها، کردم. چرااینطور سوی من می‌بینی؟ آنشب اورابه خانه بردم. فکرکردم بهتر است یکی دوروز استراحت کند. همه چیز به‌خوبی گذشت . ولی اومارا رهانکرد . اولادها هـم مثل مادر خودشان به او چسپیدند من بهش گفتم :

(خوب، حالادیگر باید شمارابه خانهٔ تـان ببر م .) اوجواب داد: (من جایی نمیروم همینجاکه هستم، میمانم .)

ـ بعدچه شد ؟

ـ بعد، من اسپهاراقمچین کـردم و بـه (لیاسکوویتس) یعنی دهکدهٔ اورفتم . درآنجا خانواده‌اش رایافتم واسنادش را آماده کردم. بیچاره مثل من بیوه بود. به خانه برگشتم وعروسی گردیم. همه اش همین بود.ازهمین سبب بازهم میگویم‌که خداوند آن باران راخیر بدهد. اولادهایم خوشبخت بو دند . بـاران برایشان یك مادر داد . حالاخانه یی دارم که مثل هرکس دیگر میتوانم به آنجا بروم. یك گیلاس (رگیا) بده که بخوریم !

(فلیپ) لبخند زد:

ـ پیش ازین رم میخوردی وحالا (رگیـا) میخوری .

ـ (رگیا) مشروب ضعیفتر است . زیـاد نمیخواهم مست شوم . گذشته ازین، جسـم زنده یی درخانه انتظارم رامیکشد .

(کولیا) تبسمی کرد وبروتهای درازش را تاب داد. درمیخانه دیرنپایید. بیشتر از یـك گیلاس هم نخورد . سوار گادی شد. درحالی که جلو اسپهارابه دست میگرفت، چشمهایش باچشمهای (فلیپ) برخورد کرد وبار دیگـر لبخند زد. بعد، تازیانه رابه صدا درآورد و اسپهای نیرومند ش ازجاجهیدند وگادی را به سرعت به جلو بردند .





خطر

در مجلس صحبت از خطر ها ی مسا فرت با کشتی بود.. مردی‌با اصرار تام میخوا ست ثابت کند که سفر دریاهمیشه خطرنا کاست وچون دلیلش را خواستند گفت : بهترین دلیل اینست که درسفر در کشتی بودم که‌برای او لین‌مرتبه زنی رادیدم وبااوآشنا شدم وسپس بااو ازدواج کردم.

کارت‌ویزت

روزی یکی از اشخا ص ازخودراضی در غیاب ولتر نو یسنده فرانسوی به‌دید نش رفته بود برخلاف انتظار دید که و ضع اطاق ولتر بسیار درهم‌وآشفته وگردوخاك‌زیاد روی میز تحریش نشسته‌است از فرط ناراحتی باانگشت خودروی همان میز گرد آلود نو شت «خر» و رفت...

فردای آن روز تصادفاً ولتر درراه‌دید وگفت:

–دیروز خدمت رسیدم تشریف نداشتید.

ولتر بانگا هی فیلسو فا نه گفت:

–بلی! کارت ویز یت شمارا‌روی‌میز تحریر دیدم ،

نگاه کنید خانم ، جراحی پلاستیکی‌تاثیر شگرفی در زیبایی شما نموده است .

شتر

بر سر دروازه یك کو کا کولا فروشی دربار سلو نای هسپا نیا این جمله نو شته شده است.

شتر حیوا نیست که‌در مقا بل تشنگی مقا ومت زیاد دارد.اماتو مشتری عزیز، سعی کن شتر نباشی



مشکل تربیه کودك

اجراآت‌هوتل

سکا تلندی شب رادر کمال‌راحتی دریك هو تل ادنبوره گذرانیده بود. هوتلدار صبحگا هان پرسید:

–شب خوب وآرام خوا بیدید؟

نا ن شب مزه دار بود؟

خیلی ها.

–صبحانه چطور بود؟

–وحالا باتا دیه مبلغ بیست شلینك چطور؟

دوست عزیز وهمین قسمت اجراآت هو تل اند کی کرا هیت دارد.



در عصر حجر ، زن بشوهر :بایداورا طوری بکشی تا من ازپوستش برای تهیه لباس استفاده کنم .

واعظ و بوت فروش

واعظی برای تهیه کفش به‌بوت فروشی مراجعه کرد وخواست که چون شغلش هدایت ونصیحت‌است ارزان تر بخرد:

–بوت فروش ازوی پرسید، آیا این همه وعظ ونصیحت‌که شما در کتابهای تان می نو یسیدوبه مردم می گویید خود تان هم مطا بق آنها عمل می کنید؟

واعظ گفت : خیر مگر شما همه بوت هایی مراکه می دوزید وبه مردم می فرو شید همه را خود تا ن هم می پوشید وبا آنها راه مـی روید؟

ژوندون



فکر میکنم ماهی فرار کرده اند

شکر که خیاط نبودی

دست سکاتلندی صدمه دیده‌وپاره شده بود، دکتور جراح چند کو ك بر جراحتش زد ودر بدل آن پوند حق العمل تقاضا کرد .

سکا تلندی در حال که‌پول میداد وبعلا مت تعجب‌سرخودرا میشوراند گفت:

– جناب بازهم خدای راشکر – گزارم که خیاط من نبودی ورنه‌از عهده پرداخت حق العمل یك دکمه آن نمی توانستم حتی با فروش‌تمام دارایی خو یش بدر آیم.

ترمیم پیانو

زنگ دروازه نوا خته شده‌خانم منزل دررا گشود مرد بیگانه گفت:

–خانم سلام، من آمده تاپیانوی تانرا ترمیم کنم.

–بشما چنین فر مایشی رانداده ام!

–درست است اما همسایه تا ن این فرمایش را صادر کرده است.



بدون شرح

تنبیه:

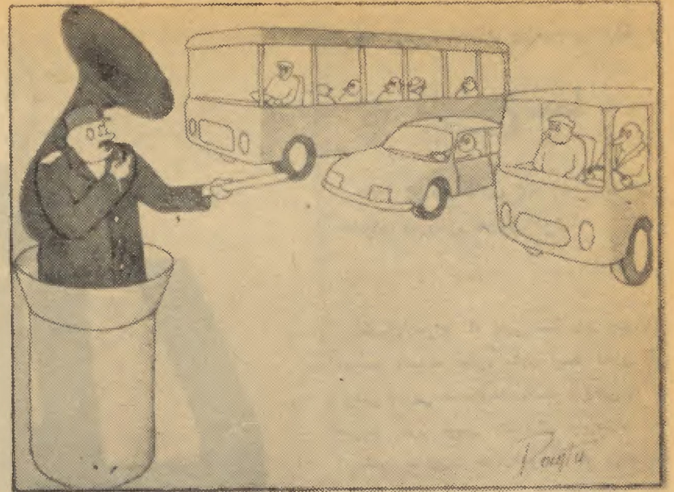
دو نفر گـرم گفتگـو از دورا ن خود بودند یکی ازآن دو گفت.

–هنوز فراموش نمی کنم کـه وقتی بچه بودم وبرای اولین بـار سگرت می کشیدم پدرم مرادید و سخت تنبیهم کرد.

آن دیگری پرسید:

–چه طور؟ زد.

–نه مجبورم کرد سگر ت را تـا آخر بکشم !



وقتیکه ترا فیك نا چار شود

و السلام

شخصی که خیال مسا فرت‌داشت خواست قاطری رابه کرایه بگیرد. مکاری پرسید.

–شما چه قدر اسبا ب دارید!

مسافر گفت:

–یك صندوق کو چك والسلام

مکاری پرسید :

–دیگر چیزی ندارید؟

مسافر گفت!

یك دست رختخواب والسلام

مکاری گفت:

–دیگر چه دارید؟

مسافر گفت،

یك جوال آرد وچهار تا قا لیچه والسلام!

مکاری گفت:

همین؟

مسافر گفت:

والده بچه ها هم هست که‌باهم پیاده سواره تابه مقصـد می رویـم والسلام

صا حب قاطر قدری پشت گوش خودرا خارانده گفت:

خوب ماهم قاطر نداریم‌والسلام.



بدون شرح

بی‌مغز

دیوانه ای بازیر پیرا هن ازدیواردیوانه خانه بالا رفت ودرین مو قع پولیس رسید اورا گر فت وگفت:

خوب یخن ترا گرفتم.

دیوانه گفت:

من یخن ندارم که تو بگیـری، اشتباه کردی پلیس گفت:

مز خرف نگو که با مشت بـه‌مغزت میکوبم .

دیوانه قاه‌قاه خندید وگفت:

بازهم اشتباه کردی.

پولیس پرسید چطور؟

دیوانه گفت. برای اینکه مـن‌مغز ندارم که‌تا بامشت به‌او بزنی.



رقابت در نقاشی

اثبات بی شعوری!

رفیق اول:

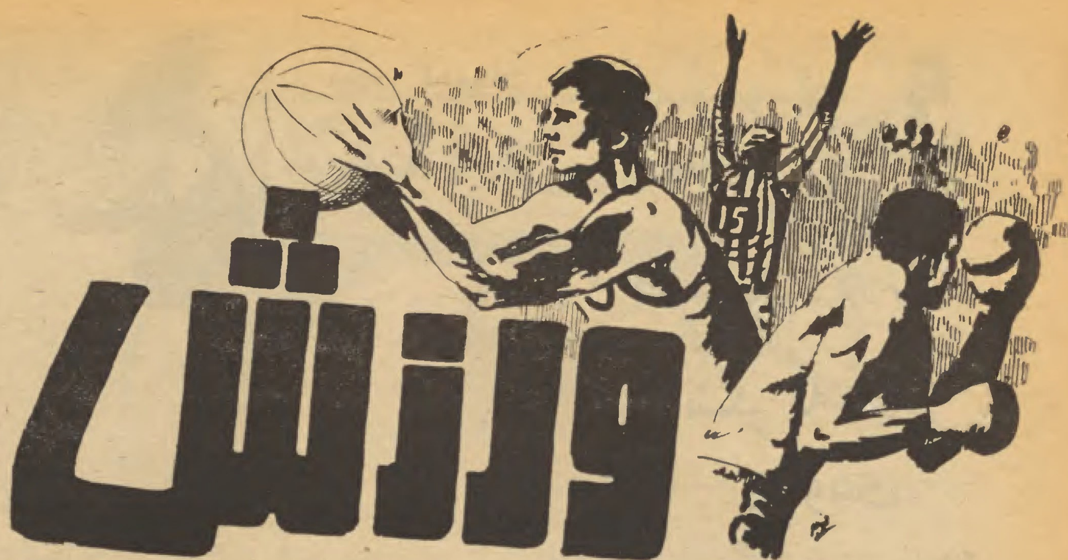
–گمان می کنم توبه هیچ چیـزاعتقاد نداشته باشی.

رفیق دوم:

–چه طور؟ من فقط به‌آنچه که‌می‌فهمم معتقد هستم.

رفیق اول:

–من هم برای همین میگویم!



درزمستان چه باید کرد؟

ورزش که همیشه تمرین ومسابقه راایجاب مینماید درکشور ما افغانستان معمولا این همه مسابقات وتمرینات منظم رامیتوان دردو فصل میان ورزشکاران کشور دیدکه یکی موسم بهار است ویکی هم خزان دربهار که باآمدن باران هاتوأم است معمولا این همه تورنمنت های ورزشی در اواسط وحتی اواخر فصل



خاطره تورنمنت خزانی ورزشکاران پوهنتون کابل

بهار آغاز می یابد ولی درخزان که معمولا هواخیلی مساعد است همهٔ انواع ورزش به اصطلاح زنده شده مسابقات مختلفی رادرهمه رشته های ورزشی میتوان دیدیکی ازین نوع ورزش هابزکشی استکه درآخرین روز های زمستان آغاز شده وبهترین فصل آنرا وسط زمستان میتوان گفت . امابرعکس شنا که مخصوصا درمناطق سردسیر کشور ماتنها در فصل تابستان امکانات آن میسر است وبس .

به هر صورت باآمدن فصل خزان مسابقات زیادی رادر تورنمنت های مختلفی کهازطرف موسسات مختلفه ورزشی دایر میگردد در انواع مختلفه ورزش میتوان دید ازآن جمله ازتورنمنت های خزانی معارف پوهنتون کابل، اردوی جمهوری وکلپ های آزادکه باهمکاری ریاست المپیک دایر میشوند باید یاد آو ر شد .

البته به همه معلوم است که هدف اساسی ازدایر نمودن این همه تورنمنت هاکه بطور عادی درسال دوبار تکرار میگردد ارزیابی ورزشکاران وآبدیده ساختن آنها می باشد. زیرا ورزش اگر هرقدر باتمرینات مداوم توأم باشد اگر ورزشکار درمسابقات اشتراك نورزد ومیدان مسابقه را نبیند از یکطرف نمیتواند آنچه از نیرو دروجود خود دارد نمیتواندتبارز دهد وازآن استفاده نماید ممکن است در ذهن بسیاری ازخوانندگان ارجمند ما سوالی خلق شود مبنی براینکه ورزش نه تنها جنبهٔ زور آزمایی رادارد بلکه بسیار است ورزشکارانیکه تنها بخاطر صحت وسلامت جسمانی خویش بورزش میپردازند، که مادر ینجا تنها از ورزشکارانی صحبت میرانیم که برای هر دو منظور ورزش میکنند وآرزوی نخستین آنهارا قهرمان شدن تشکیل مید هد به هر صورت برای اینکه سخن بدرازا نکشد هدف ازین نوشته راکه عبارت ازدنبال نمودن مسابقات است نباید ازیاد ببریم منظور اینکه چون فصل خزان روبه خلاصی است وزمستان لحاف سفید خویش راهموار خواهد کرد آیاماهم مثل حشرات ونباتات درزیراین لحاف سپید بخواب رویم یااینکه تپ وتلاش نمائیم و نگذاریم آن همه نیروئیکه درایام تابستان به گرفتن آن موفق شدیمهمهاش راازدست بدهیم وازخود که دارای وجود خیلی ورزیده هستیم یك جسم دارای کهالت بسازیم .

درینجا بی لزوم نمیدانم اگر از مسوولیت موسسات ورزشی مثل المپیك وغیره یادآوری کنمکه برای تمرین ورزشکاران اولا جا های لازمه رابابد تدارك کرد ویا زمینه مسافرت آنهارادر مناطق گرمسیر کشور مهیا ساخت

زیرا برای ورزشکاران ماکه حتی در موسم تابستان خیلی بازحمت میتوانند به تمرینات خویش ادامه دهند درزمستان بسیار مشکل وحتی غیرممکن است مسافرت ها که ازآن یادآوری کردیم مفیدیت های زیادی رادر بر دارد یکی آنکه تمرینات ورزشکاران بهسکتگی مواجه نشده ویکی هم ورزشکاران ولایات مثل کندهار وننگرهار ـ خوست وغیره بادیدن مسابقات ورزشکاران کابل یك سلسله تجارب بدست می آورند که خالی ازمفاد نخواهدبود. ماامیدواریم ورزشکاران جوان مابا همکاری موسسات ورزشی دست به اقدامات زده واز فصل زمستان استفاده شایانی نمایند .

ترجمه ازدایرة المعارف ورزشچاپ امریکا :

تاریخ شنا

شنا برای اولین بار در قرن نزده بعنوان ورزش ظهور کرد

احتمال میرود که بشر شنا راز حیواناتی آموخته باشدکه معمولا بدون اینکه نیازی بفرا گرفتن دروس شناداشته باشند ، وقتی به آب میزنند بطور طبیعی بشناوری میپردازند .

بشر بدانجهت شناراآموخت که دیده بود بسیاری از همنوعانش به آب افتادند و چون نمیتوانستند خودرادرآب نگهدارندآنقدرکوشش بیهوده کرده اند تاغرق شده اند .

اینکه بشرازچه موقع شناوری را فراگرفت معلوم نیست. ولی پیشنیان با این فن آشنا بودند. یهودیانی که بزیر خاك فرو رفتند ، مردانی راکه میتوانستند کشتی رانی کنند ، بزیر تسلط خوددر می آوردند . این مردان شاید شنای درآب راازحیوانات آموخته باشند. واین شنانه آن گونه بودکه امروز میشناسیم. بلکه نوعی تلاش خسته کننده بودکه فقط به روی آب ماندن انسان کمك میکرد و سرعت بسیار کمی داشت . معهذا انسان را برای مدت کوتاهی برروی آب نگه میداشت واگر فاصله تاساحل چندان زیاد نبود، امکانداشت که آنها را تاخشکی هم برساند .

انگلیسها نخستین مردمی هستند که شنارا بصورت یك ورزش در آوردند .

شناگران انگلیسی، شنای سینه، و سپس شنای پهلوراابداع کردند واین بدعت تازمانی که(ارنور نروجن)معلم اینورزششد کهخود اودرمسافرت بامریکای جنوبی آموخته بود . هیچ تغییری نکرد .

درقرن نزدهم شنا را بعنوان یك ورزش مرسوم کردند. (کتابی بنام، شناگر کامل) نوشته (کی لارکام) و (هارولاولن) نوشته استکه مسابقه شنا تقریباازسال ۱۸۳۷ در لندن آغاز شد ودرآنموقع شش استخر درشهر وجودداشت . مسابقه هازیر نظر (انجمن ملی شتنای انگلستان) برگزار شد دراین کتاب هم چنین گفته شده استکه درسال ۱۸٤٤عدهای ازسرخ پوستان امریکای شمالی برای دریافت یك مدال نقرهکه بوسیله انجمن اهدا میشد درلندن مسابقهایدادندوبرنده مسابقه شخصی بنام (فلانیك گال) بود که مسافت ۱۳۰فوت حوض را درمدت ۳۰ثانیه طی کرد.

طریقه شنای سرخ پوستان چنانکه یك نویسندهٔ انگلیسی گفتهاست . :(بطورکلی،غیر اروپایی) بود. همین نویسنده اظهارداشته است که : (سرخ پوستان) آب رابشدت با

دستها وبازوهایشان پس میزدند وپایشان را بزیر آب میکشیدند وبرمی آوردند .)

اهالی لندن‌که‌بتماشای شناکردن آمده بودند فقط همین دیدن پس زدن آب بودوبس . این شنایی بودکه بعدها بنام (کرال) خوانده شد ومخصوص انسانهای بدوی بودکه نه فقط در امریکای شمالی بلکه همچنین امریکای جنوبی، افریقای غربی وجزایرجنوبی اقیانوس آرام مرسوم بود .

درآن زمان، مردم انگلیس چندان رغبتی بشنای درمسافت زیاد نداشتند وبنابر این شنایی که درطی آن دستها ازآب بیرون آید وآنرا پس بزند تاثیر کمی برآنها باقی گذارد وبدین ترتیب درطی چهل چند سال آنها بهمان شنای معمولی خود «شنای سینه» پرداختند .

در۷ جنوری ۱۸٦۲ در (استادیوم ژرمن) لندن کنفرانسی از شناگران زیر نظر انجمن کلوپهای شنا برگزار شد .

درتاریخ شنای انگلستان ، اشاره ای بکسی که‌اولین حوض راساخته ، نشده‌است اماز آنجا که مسابقه سال ۱۸٤٤ درحوضی‌بود که ۱۳۰ پا طول داشت بدین نتیجه میتوان رسید که‌تاسیس حوض یك حق عمومی بوده است وهر مالکی میتوانسته است حوض‌هایی بهراندازه ای‌که بخواهد بناکند .

درسال ۱۸٦۹ گروه قدیمی شنا جای خود رابیك گروه جدید بنام انجمن شنای آماتور بریتانیای کبیردادکه بیش از ۳۰۰ کلوپ عضو آن بودند .

سرگذشت شنا بعنوان ورزش درانگلستان ازسال ۱۸٦۹تانیمه های سال ۱۸۹۰ نامعلوم است . فقط دانسته شده است که در حوت سال ۱۸۷٥کاپیتان ماتیووب ازاهالی‌انگلستان کانال مانش راباشنای سینه طی کرد وبدین ترتیب اولین نفری بودکه مسافرت مشکلی را بنانهاد .

امابزرگترین وقابل ملاحظه ترین تحول درورزش شنا بوسیله خانواده مشهور گاویل بوجودآمد. گاویل هاشنای (کرال آسترالیائی) راورواج دادندکه بوسیله (دائیل) شنا گر کوردشکن امریکایی معرفی شد .

فردریك گاویل، متولددر انگلستان در جوانیش اشتیاق فراوانی بشنا داشت اوهم مثل اغلب شناگران همزمان خودفقط شنای سینه وا آموخته بود. گاویل درسال ۱۸۷۸ آسترالیا رفت. درآن جا اولین حوض های شنتاراتاسیس کرد .

بعدازآن شش فرزندش تااوایل قرن‌بیستم ورزش اورا دنبال کردند. در مسافرتی که گاویل هابدریای جنوبی آسترالیاکردند متوجه شدندکه بومیان دودست خودرا بطور جداجدا بکار میبرند واین امرچیزی بودکه تروجن هم به‌آن آشنایی داشت ولی‌گاویل هابموضوع تازه یی نیزپی بردندوآن حرکت پای شیناگران بومی بودکه بوسیله آن سرعت را افزون میکردند .

گاویل هااین نوع شنارا به آسترالیائیها آموختند .

پسر ارشد گاویل درسال ۱۹۰۲بانگلستان رفت ودرآن جاباشنای (کرال آسترالیایی) رکورد قهرمانی جدیدی را بوجود آورد که مدت آن ٥٨ر٦ ثانیه بود : واین رکوردی بود که هیچیك ازشاگردان (تروجن) نتوانسته‌بودند بدان حد برسند . زیراآنهااز حرکات پا ابدأ استفاده نمیکردند .

یکی ازپسران گاویل بنام سیدنی در سال ۱۹۰۳ وقتی المپیك سا نفرا نسیسکو تصمیم گرفت‌که یك مربی شنا استخدام کند، بامریکا رقت و۲٥ سال درآن جا زندگی کرد .

درمیان شاگردان اولیه سیدنی شنا گری بنام سکات لیری بود. اواولین نفری بود که درسال ۱۹۰٥ مسافت ۱۰۰ یارد رادر ٦۰ثانیه شناکرد . موفقیت سکات توجه دانیل را نیز جلب کردو وی برای اولین بار بابکار بردن پاهایش بطریقه (کرال آسترالیایی) در این مسافت ریکاردی برابر با ٥٧ر٦ ثانیه‌بدست قایم‌کردکه‌تاآن‌زمان دردنیا بیسابقه بود.

گردید .

سه سال ، طریقه شنای سینه وپهلوبکلی متروك شد و بجای آن شنای (کرال) مرسوم

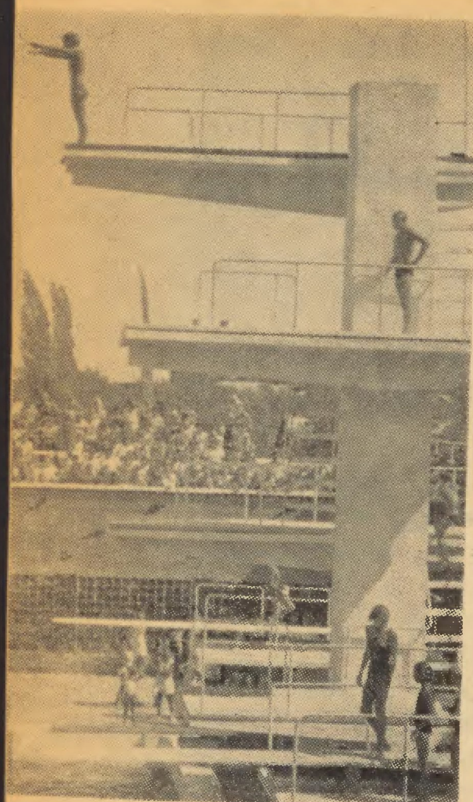
درطی سالهایی که اززمان تروجن شروع گردید وتا (دانیل) ادامه یافت، بتجربه ثابت شدکه رکورد ها مثل حباب هایی میماند که به آسانی درهم شکسته میشوند .

بعدها مسافت ۱۰۰ یاردکه نمیتوانست نظر تمام شناگران راجلب‌کندبوسیله روبرت‌کیفوت مربی شنای پوهنځی یال بمسافت کمتری تبدیل شد ودرمارچ ۱۹٤٥ شنا جزومسابقه های رسمی‌آماتوری درآمد. ولی مسابقات شنای صدیاردی مردان از سال ۱۸۹٦ قسمتی از بازیهای المپیك بود. وامریکا اولین دارنده عنوان قهرمانی شنا درمسافت ٤٤۰ یاردی (اکنون ٤۰۰ متر) شناخته شد. ولی در طی چند المپیاد دیگر امریکائیها درهیچ یك از مسابقات عنوانی کسب نکردند . واین بدان علت بودکه ملل دیگر پیشرفتهای فراوان تری رانصیب شده بودند.

جاپان ، آسترالیا، فرانسه وهنگری ازمللی بودند درسال اخیر مو فقیت هایی بدست آورده اند .

ایالات متحده در المپیاد لندن بسال ۱۹٤٨ مجدداقدمی بجلوگذارد ومردان شناگرامریکایی عناوین قهرمانی چندی بدست آوردند .

شنای آزاد ۱۰۰ متری و٤۰۰ متری زنان ازسال ۱۹۱۲ جزو بازیهای المپیك شد ودر طی آن یك زن شناگر آسترالیایی مقام اول رادر صد متری احراز کرد .



سالها درمورد مسافت های شنا تغییر داده شد تاآنکه سرانجام مسافت های معین مسابقه مشخص گردید .

المان‌غرب‌بایونان‌مساوی‌شد

تیم فتبال آلمان غرب قهرمان جام کشور های اروپایی در مسابقه‌یی فتبال باتیم فتبال یونان مساوی شد .

تیم فتبال آلمان غرب که عنوان قهرمان فتبال کشور های اروپایی رادر جهان دارد . درهفته گذشته دریك مسابقه‌یی جالب ودیدنی فتبال که در دو سلدورف دایر شده یك مقابل یك مساوی شد .

این دوتیم که درمسابقات فتبال جام کشور های اروپایی شرکت دارند درگروپ هشتم تصادف نموده ومطابق به پر وگرام مرتبه فدراسیون فتبال کشور میزبان هفته گذشته باهم مسابقه دادند که درنتیجه تلاشهای پیگیر شان مخصوصا تیم آلمان غرب که بایك غرور عجیب وهمیشگی اش باتیم یونان مقابل‌بودند بردرابه طرف شان پیش نموده بودند غافل ازینکه به چه نتیجه میدان مسابقه را ترك می گویند .

نتیجه که دربالاتذکر رفت البته به ضررتیم آلمان غرب تمام شد به سود تیم یونان .

این مسابقه در چهار چوب جام قهرمانی فتبال کشور های اروپایی انجام گرفت ودر حدود هفتاد هزار نفرتماشاچی ازین مسابقه دیدن کردند .

طوریکه جدول نتایج مسابقات نشان میدهد تیم هائیکه درگروپ هشتم باتیم آلمان غرب تصادف کردند قرار ذیل این امتیازات را حاصل کردند :

یونان باسپری نمودن شش مسابقه هفت امتیاز .

آلمان غرب ازپنج مسابقه خود چهار امتیاز دارد وبلغاریه ازچهار مسابقهٔ خود چهارامتیاز گرفته است . البته مسابقه بعدی تیم آلمان غرب درگروپ هشتم باتیم بلغاریه خواهد بود که درآینده صورت میگیرد .

مساوی شدن تیم آلمان غرب درین مسابقه تلخ ترین خاطره مربی آلمان غرب است .

مادرین قسمت خبر ورزشی خود سخنان چند درمورد مربی فتبال تیم آلمان غرب‌داریم که پیش کش شما دوستان میکنم :

دوست داران فتبال حتما بانام هلموت‌شون مربی تیم فتبال آلمان غرب آشنا هستند اوکه به سن شصت سالگی خود قدم می گذارد مردیست که نام اودر تما م آلمان و جهان ورزش بیشتراز هرکس‌دیگر در روز نامه هاو مجلات برده میشود اودر آغاز زندگی سال شصت خودازفتبال همچون یك معشوقه‌صحبت میکند .

اوزمانی که ازبازیکنان محبوب‌کشورش بود نام چند فتبال بازان معروف دیگر مثل بکن باوئر، اورات‌وگردمولر برد ه چهرهٔ حق به‌جانب



هلموت شول بی صبرانه تلاش‌های‌اعضای‌تیم خودرا می بینند.

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تهیه وترتیب از: ر،ر

از سیما سلیم

رول زن

در اجتماع

پیروی از مقتضیات روزو هم آهنگی با شرایط روز ازنیاز های عمده عصر ماست . حضرت علی (ك) سیزده قرن قبل میگفت : فرزند خودرا مطابق عصرش تربیه کنید. این گفته درواقع مطابقت به آن اصل بیولوژیکی داردکه زندگی‌وحیات حجره رادر توافق‌جستجو میکند وگویا اساس حیات موجودات زنده‌توافق است .

زن به حیث سازمان دهنده منزل وتنظیم کننده حیات روحی وفکری و اجتماعی بشری پیش ازهر موجود دیگر نیاز دارد تاباشرایط روز تطابق کندو زندگی خود، فامیل ودرنتیجه حیات جامعه رابا موازین روز عیار نماید .

متاسفانه دراثر تلقینات نادرست ونارسایی فکری جمعی ازمردم چنان پنداشته میشود که زن پیرو مود وآراستن وپیراستن لباس‌بوده وازرمره قربانیان هوس هاو آرزو های خام بشمار میرود .

آن عده اشخاص که درمظاهر مدنیت و در منجلاب هوس های نافرجام غرق اند واصلا قدرت فهم ودرك اینرا ندارند که در یابند وظیفه زن چیست ؟ باید بدانندکه این موجود لطیف متحمل وبردبار وظایف حساسی بدوش دارند وخدمات برجسته رادر اجتماع انجام میدهند .

تامل به این‌گونه تبصره هامارا مجال‌میدهد که زن رادر قیافه بزرگتر ، عالیتر وبرازنده‌تر جستجو کنیم .

این قیافه، چهره های زنان بیدار ورسیده عصر است‌که به وظایف خود پوره مستشعراند تکالیف فردی واجتماعی خودرامیدانندوبنابرآن درقدم اول خانه خودرا باوسایل وشرایط ساده چنان تنظیم می نمایندکه همه اعضای فامیل درآن احساس راحت کنند و تصور نمایندکه‌منزل شان بهشت روی زمین میباشد.

این عده زنان وظیفه‌شناس وجایب خود را دربرابر خواهران بی سواد کم اطلاع وبی معلومات نادیده نگرفته ودرراه رشد وبیداری وتفهیم وظایف ووجایب انسانی شان، ازهیچ گونه فداکاری دریغ نمی ورزند .

این زنها چه درده وچه درشهر، درهرجا که بسرمیبرند میدانندکه صرفه جویی واقتصاد درواقع تنظیم کننده اقتصاد فامیل واقتصاد ملی اوست وباذهن رسا میتوانند شرایطی را

بقیه درصفحه ٦٠



زنان افغان‌درهمه جا ودرهمه احوال‌باشرایط دسوار زندگی دست وپنجه نرم می نمایند حتی درعقب ماشین های عظیم وغول پیکرمصروف خدمات اجتماعی اند.

از: حیدری وجودی

تجلی رحمت

ای مادر ای ستاره روشن خصال من
رویت بود چو آیینه ماه و سال من
مهر تواست مظهر علم و کمال من
ای مادر ای بهار جمال وجلال من

امروز فرد عاطل و بیکار نیستی
بر دوش زندگی تود گر بار نیستی
در گلشن زمانه ماتو خار نیستی
تنها تو مرد راگل دستار نیستی

امسال در قلمرو هستیت سال تو
سال تواست شاهد شأن وجلال تو
جانها منور است ز نور جمال تو
پوشیده کی بود زنظر ها کمال تو

سازنده جهان حقیقی د گر تونی
مادر تونی و آیینه خیر و شر تویی
امروز مرد رابه جهان رهبر تویی
در روز گار به مقدم وهمسفر تویی

مادر تویی که درس وفا میدهی بما
درس وفا و صدق و صفا میدهی بما
وزنور خویش نور و ضیا میدهی بما
آیینه بهشت نما میدهی بما

مادر چو آفتاب تویی در جهان ما
روشن بود ز مهر تونام و نشا ن ما
در پرتو نظا م نوین وجوان ما
به منزل امید رسد کاروان ما

اکنون زمان سعی و تلاش است وجستجو
فرحت فزاست جلوه گلها ی آرزو

ای مادر عزیز بجای للو للو
کای نور دیده کوکب اقبال تو نکوست
ای مادر عزیز شرین سخن سخن
وقتیکه کودك تو بخواهد لبن لبن
این شعر ناب شاعرخاك کهن بخوان
ای سرو باغ آرزویم راستکار باش
صاحب ثبات و عزم دراین‌گیرودارباش
بشنو بگوش جان ودل اندرز مادرت
مادر مرا زبان ثنائی تونیست نیست
مه را فروغ حسن ادای تونیست نیست
تو مهر جاودانی وانوار رحمتی
مادر فدای صا فی آیینه ا ت شو م
قربان دست و بازوی فرینه ات شوم
پوشیده در نگاه تو راز محبت است

باشد به چشم مردم معنی نظر همی
گلهای مهر تو به جهان جلوه گر همی

دیگرنصیب روی تورنگ شکسته نیست
پای مبارك تو به زنجیر بسته نیست

آیینه تجلی آفا ق ذات تو ست
در پیکر بشر متجلی صفات توست

آفاق روشن است زنور و صفای تو
مهر جهان فروز ندارد ضیای تو

نفس امید و آرزوی ما تویی تویی
جان تلاش و جستجوی ما تویی تویی

حالا غبار یأس بمویت نشانده نیست
دروازه امید بروی تو بسته نیست

این نکته را بکودك نو زاد خود بگو
آینده تو روشن و آیینه روبرو ست
اینست گوشدار زمانی بمن بمن
کیفش بکن ز باده عشق وطن وطن
در گوش او ترانه حب وطن بخوان
در صحنه حیات و عمل استوار باش
چون بحر پرتلاش وچوکوه پایدار باش
باشد مدام شاهد اقبال در بر ت
آیینه ای بحد صفای تو نیست نیست
خورشیدهم به‌اوج وضیای تونیست‌نیست
گلهای بیخزان بها ر محبتی
مادر نثار آن دل بیکینه ات شو م
قربان مهر گرم تو و سینه ات شوم
مادر ! تبسم تو تجلی رحمت است

نوشته : نیك سیر

تجلیلی از طفل

اطفال گروه نیاز مند وبی پناه اند نیازمند بدین مفهوم که احتیاج به تربیه ورشد و رهنما یی دارند

وازین سبب کمبودی در وجود شان احساس میشود واگراین کمبودی بنابر ضعف زندگی وبنا به شکستگی کالبد حیاتی خانواده با قی میما ند

مرضی کشنده میشود که طفل با شخصیتی نارسا، مریض، بیچا ره و بیسواد بار می آید .

همچنان گفتیم اطفال بی پناه‌اند بدین حساب که اگر پدر ومادرشان که‌بهترین پناه شان شده میتوا نند وجهی به نوباوه گان‌خودنکنندواورا بادلحسپی واقعی دستگیری نه نمایند. دیگر طفل شا ن پنا ه خود را از دست مید هد و دیگر مثل اینکه او پدر ومادری ندا شته‌باشد. مینگریم پدران وما درانی را که باوجودسوادوروشن فکری و وجود وشکوه و جلال مادی و با وجود دانش نیم بند خود بی تو جهی بفرزند شان میکنند وطفل خود را یاری نمیکنند واورا بجا معه‌ی خود موجودی ناگوار تحویل مید هندو درین میان هستند گرو هی زیاد که میخوا هند فرز ندا نشان تر بیه شود بجایی برسد، رشد گیردو جامعه‌ی خود را ساز گار باشد ولی بادست تهی واند یشه‌ی خالی‌از سواد ودانش کاری کرده نمیتوانند

که گناه شان نیست و درین وقت

چه بهتر اگر پدران و ما دران اطفال خود را صمیمانه باغوش‌گیرند ودرتربیه وپرورش شان همت‌گمارند وبدانند که طفل شا ن باید فرزند

راستین فر دای کشور با شند

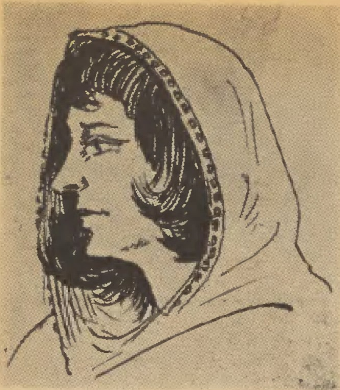
بمر دم و جا معه‌ی خود خد متی شایان بنمایند این بهترین تجلیلی

ازطفل شما ست.



بکوشید تا وفا وصمیمیت وغیره‌صفات شایسته و انسانی را به اطفال تان بیا موزید

گشسپ
زن‌مبارز



گشسپ زنیکه در دلیری ورزمندگی رقیبی را نمی شناسد

گشسپ یاگوشسپ ازرنان نامدار سیستان واز زورآوران و پهلوانان نخبهٔ آن سامان میباشد که درشان وستایش اوورزمندگیهایش داستانهای حماسی پرداخته شده است چنانکه درفهرست داستانهای منظوم حماسی در کشور حماسهٔ منظوم (بانوگشسپ نامه) مقام‌ارجمندی دارد .

گشسپ یکی از دختران رستم زال- جهان پهلوان سیستان است‌که درچالاکی، پهلوانی وزورمندی حتی درصف مردان هم‌کم نظیر بودودر (بهمن نامه) نیز بحیث یکی ازپهلوانان بزرگ داستان آن حماسی عرض وجود کرده‌است .

داستان حماسی (بانوگشسپ نامه) (منظوم)که ازاین زن شجاع بجامانده است درقرن پنجم هجری ببحر متقارب طی نهصد بیت منظوم‌شده است که‌تااکنون در کتابخانهٔ‌ملی پاریس حفظ‌میباشد،چنانکه «ژول‌مول»مستشرقی‌که این‌منظومه را درپاریس دیده است ضمن اظهار رأی پیرامون آن درباره شجاعت وزورمندی گشسپ چنین مینویسد :

(... پهلوانی وی چندان بودکه به جنگ‌شیران میرفت ودشمنان رابیك زخم دونیم میکرد وشاهان وامیران را اسیر ومطاع فرمان‌خود میساخت ....

همچنین یك نسخه ازاین کتاب درکتابخانهٔ‌موزهٔ بریتانیا حفظ است .

گشسپ زیبا وقهرمان مورد توجه خواستاربزرگی چون فغفور- قیصر وخاقان چین و بزرگان وخویشان کیکاوس شاه وبسا دلیران‌وزورآوران این مرزوبوم واقع شده وهریك درازدواج بااو بردیگری سبقت میجست امارستم‌پدرش هیچیك راشایستهٔ شوهری‌گشسپ نمی دانست تا آنکه گیو پسر گودرزراانتخاب وپسند کرد وگشسپ راباو داد . چنانکه در شاهنامه فردوسی حماسه سرای‌دربارغزنی دراین قاره ازگیوچنین نقل قول شده است :

دو دیگر بزرگان روی زمین — چه فغفور وقیصر چه خاقان چین
بزرگان و خویشان کاوس شاه — دلیران و گردان زرین کلاه
همه دخت رستم همی خواستند — همه بر دلش خواهش آراستند
بدامادیش کس فرستاد طوس — تهمتن بدو کرد چند ین فسوس
بگیتی نگه کرد ر ستم بسی — ز گردان نیامد پسندش کسی
بمردی و دانش بفرونژاد — بخورد و بدانش مرا کرد یاد
بمن داد رستم گزین دخترش — که بودی گرا میتر از افسر ش
مهین دخت با نو گشسی سوار — بمن داد گردکش نا مدار
ز چند ین بزرگان مرا برگزید — سر مرا بچرخ برین بر کشید

بیژن پهلوان که در شاهنامهٔ فردوسی‌که در عصر سلطان محمود غزنوی منظوم‌شده است بعداز رستم وگیو سومین مقام را درزورمندی دارد محصول این ازدواج‌او‌بود.

معروف است‌که مادر گشسپ وخواهرسوارکارش (زر) خالهٔ کیقباد بود واین دوزن درجنگ بهمن باپهلوانان سیستان جنگها وپهلوانی هانموده وحتی درجنگ میان فرامرز وبانو گشسپ بارستم پدر خویش، رستم‌رامجروح کرد ولی رستم بعدا اورا شناخت .

بانو گشسپ در تاریخ حماسه سرایی‌درکشور مامقام ارجمندی برای خویش احراز نموده است .

زن‌از نگاه بزر گان

زن عاقل به تربیت شو هر خودهمت میگمارد ومردی عا قل هم‌خود رابه زنش واگذار می کند تا اوراتربیت کند.

(مارك تو این)

زن مخزن اسرار خلقت است. (کارل کو تزکو)

زن مخلو قی است حدوسط بین‌فرشته وبشر

(بالذاك)

هیچ مو هبت ونعمتی برای یك‌مرد بهتر ازیك زن خوب نیست

(سیمو ند)

سعا دت زند گی در کلمه زن‌نهفته‌است .

(آدام مستکو یچ)

صفحه۵۷

ازدوستان



اسمای جدید و کهن کشورهای جهان

اسم حالیه	اسم سابقه
۱- افغانستان	آریانا، خراسان
۲- ایران	پارس
۳- ایتالیا	روم
٤- آلمان	پرووس
٥- اندونیزیا	هنده لیند
٦- اطریش	نمسه
۷- تایلیند	سیام
۸- ترکیه	عثمانی
۹- ترکستان روسی	ماورالنهر
۱۰- چین	ختن ، کاته
۱۱- سویس	هلوسیا
۱۲- سرنیکا	سیلون
۱۳- سوریه	شامات
١٤- ترکستان چینی	سین کیانگ
۱٥- فرانسه	گول
١٦- فنلیند	سوتوی
۱۷- عربستان	حجاز
۱۸- لیبیا	طرابلس
۱۹- مدغاسکر	مالکاشی
۲۰- ویتنام	انام
۲۱- هندوستان	بهارت

اسمای سابقه و حالیه شهرهای کشور ما

اسم حالیه	اسم سابقه
ارگ هرات	قلعهٔ اختیارالدین
قلعه سابقه بلخ	هنداون
کندهار	اراکوزیا، زابل
رستاق	ولوالمیر
شیندند	اسفزار (سبزوار)
شبرغان	شیرگان
کوهدامن	کاپیسا
غورو هزاره جات	وگیانا
نورستان وچترال	بلور
هرات	آریاهرای
ایبك	سمنگان
اشکمش	وزوالنین
بلوچستان	گدروسیا اورشیا
تاشقرغان	خلم
جلال آباد	ننگرهار
خراسان	اپارسیا
دولت آباد	فاریاب
زنده جان	پوشنگ
سرپل	انبار
شلگر	هجویر
کشك	فروزونده
کابل	ویگرت
میمنه وشبرغان	کورگان جوزجان
وزیرستان	ویری
هده	مکارکرا

فرستنده : محمدکریم آرزو

آن لحظه ها گذشت

از: عبدالحبیب «رشید»

آن لحظه ها که نخل هوس بارمهرتو
در تپه های عشق دلم صدجوانه زد
گل بارکرد جوانه وعطر هوس فشاند
امید بلبلم به گلی آشیانه کرد.
آن لحظه ها گذشت ...
آن لحظه هاگذشت که زچشمان انتظار
در پای گلبن هوس انگیز مهر تو
آب خلال اشك به صبح وبه شام تار
میریختم که سبز شود سبز ترزپیش
آن لحظه ها گذشت ...
آن لحظه ها که بلبل امیدهای من
میکرد سر ترانه یی ازعشق های من
آری ترانه یی که دیگر نیستش اثر
در گوش بادوبرگ وگل این دیار غیر
آن لحظه ها گذشت ...
تند باد بیوفایی توای گلشن هوس
خشکیده ساخت نخل هوس بار مهرتو
در تپه های عشق دل بیقرار من
درتپه های عشق دل بیقرار من
آن لحظه ها گذشت ...
دیگر گلی‌که خاطره های گذشته را
آرد بیاد وزنده کند عشق های من
باصد جوانه مرده وافسرده گشته است
درخاك بیوفایی تو آرمیده است
آن لحظه ها گذشت ...
آن لحظه ها گذشت ...

شکوه

ازمحمد حنیف (صدیقی شبگرد)

از کوچه دل باز که دلبر گذر کرد
زد تیرنگه بر دل وزخمی به جگرکرد
زاندم که اسیر سر زلف تو بشددل
از خانهٔ خودروی بگرداندو حذر کرد
هر چندکه درهجرتودل بود صبوری
خودرا زچه روباز به تیرتوسپر کرد
شب های‌فراقش سحرکردم وافسوس
گردانده زمن روی بدل مهردگر کرد
ای دل‌که تومهرش به‌برخویش‌کشیدی
ازروی چه باتو ستم و ظلم سیر کرد
زان به‌که اگرمرگ مرابود مسیر
کززندگی زارم رقیبان را خبر کرد
(شبگرد) ببالین توای کاش بیا ید
آن مه‌که شب وروز تراخاك بسر کرد

تاگور

شاعر عالی مقام هند رابندرانات تاگور در ششم‌ماه می سال (۱۸٦۱) در شهر کلکته دریك خانواده سر شناس هندی چشم بجهان کشود وتحصیلات خویش را نزد معلمین خصوصی ادامه داد. وقتی هفده ساله بود به سرودن شعر آغاز نمود درهمین وقت سفری بانگلستان نمود. ترانه های آفتاب وترانه های شامگاه راکه شهرت خوبی دارد ونمونهٔ از سبك رو ما نتیزم جدید است

در (۱۸) سالگی انتشار داد وازآن به‌بعد درمحافل ادبی شهرتی حاصل نمود. وقتی (۲۳) سال داشت ازدواج نمود. ودر سواحل دریای گنگ مصروف ادارهٔ املاك پدری اش شد. درینجابازندگی عادی مردم آشنایی خوبی پیدا کرد ودرهمین وقت بودکه نمایشنامه های متعددی باداستانهای هیجا ن انگیزی نوشت که زندگی مردمش را تمثیل میکرد. درسال (۱۹۰۱) به پول شخصی خویش‌مکتبی تاسیس کرد وخودش نیز سهم بزرگی در تدریس داشت. درسال (۱۹۱۳)موفق‌بدریافت جایزه نوبل شد وقتی (٦۸) سال داشت به نقاشی پرداخت وآنرا فراگرفت وتابلو های هندی زیادی رسم کرد ودر نمایشگاه های هنری اکثر کشورهابه نمایش گذاشت . درقسمت موسیقی نیز دسترس کامل داشت.

تاگور درتمام مدت زندگی اش اشعار دلپذیر سرود وآنرا انتشار داد. علاوه ازآثار منشور اوکه درهمه جاخواننده دارد داستان ها و مقالات اونیزبه زبانهای زندهٔ دنیاترجمه ونشر شده است . تاگور بعداز هشتاد سال خدمت به‌عالم ادب درهفتم آگست سال (۱۹٤۱)چشم ازجهان بست .

موزیك جاز

جاز موسیقی سیاهان امریکایی است‌که ابتدا به‌سال ۱۹۱۲ در اورلئان جدید، جنوب ایالات متحده امریکا بوجود آمد وبعدازجنگ بین المللی دوم درسراسر امریکا واروپابسط وگسترش یافت .

در پیدایش لغت جازبین موسیقی شناسان اختلاف نظر موجود است . عده ای ازموسیقی شناسانی آنرابه معنای تحریك کننده میدانند وچنین میپندارند که لغت جازازآن آمده است وعدهٔ دیگر ریشهٔ آنرا درنام نوازندگان و خوانندگان سیاه مانند (جس) ، (جاسبو) و (چارلز) می جویند وبدین عقیده اند که لغت جازازنام این نوازندگان وخوانندگان که در حقیقت بانی وپایه‌گذار موزیك جاز اند گرفته شده است . جس، جاسبو و چارلز اولین افرادی بودندکه در ۱۸۱۲ درنخستین ارکستر جاز شرکت جستند .

دکندهار سر پټي مشهور او نامتو بازار چې لرغونی او انتيك شيان ورکي پلورل کيږي .

توفيق

که جامعه‌اش خدمتگاران بیشتر خواهد داشت وهرگونه غنایی به نفع جامعه است .

- شعر متعهد، چگونه شعر رامی نامید؟

- این اصطلاح، اصطلاح نوی است که برشعر چسپانده شده واگر مراد شمااز بیان خواسته زمان ومحیط باشد، بیشتر ها نیز مدبور بود، مثلا یك موسیقی دان بین‌موسیقی خود خواسته‌راجع به‌لطافت باران‌حسب الحال شعری بخواند یااراده داشته که فلان موضوع بیاد آید وفلان موضوع جلب توجه‌کند ، لهذا شعری زمزمه کرده وآهنگی راست نموده‌یا شاعرجامعه‌یی رامحتاج‌به انگیزه‌ورهنمایی‌یافته شعر داغ سروده واحساسات مردم رابرانگیخته یاعاطفه شا نرا تحریك کرده اخلاقیات، اجتماعیات ، علوم را درشعر درآورده‌اند جنانجه پیشتر گفته شد.

سوال طرح شده رابرایش میخوانم که شعر کدامیك ازشعرای کلاسیك ومعاصر را ازکدام نگاه می پسندید ؟ اودر جواب میگوید:

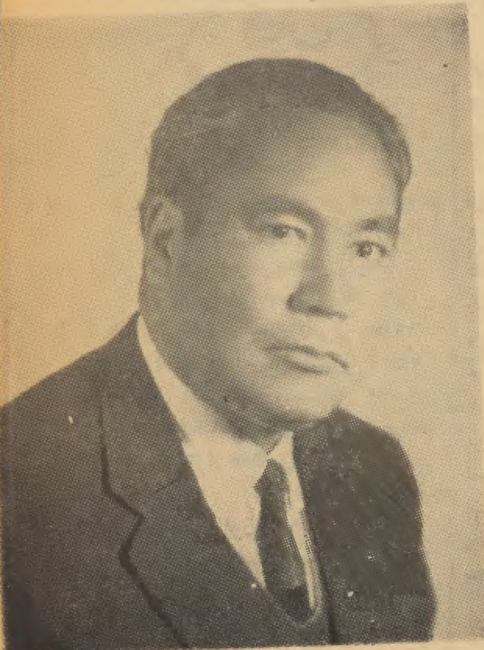
شعر هرگاه به واقعی شعرباشد از خود زیبایی هایی دارد وباین شرط ازهر کس که باشد می پسندم .

سوال آخری ام از ښاغلی توفیق چنین است : به نظر شمابا تکامل سیانس وتکنو لوژی ضرورت شعر، درآینده چگونه خواهد بود ؟

- بعداز اندکی تامل جواب مید هد که ضرورت شعر درآینده روشن است، چنانکه قرن هابوده ومادامی که به‌موسیقی و حماسه ضرورت باشد به شعر نیز ضرورت است . فکرمیکنم بشر دلپذیری ودل انگیزی سمفونی های ملایم را در گالریهای کار واستراحت ازنظر دور نخواهد داشت وآیا آنوقت موسیقی میتواند بدون شعر باشد؟آهنگ (حدی) برای کاروان ازدیرباز وخواندن یك ترانه ویایك شعر وانگیزش وتاثیر آن درجمعیت و تروپ های‌کار وفعالیت وغم وشادی ، انکار ناپذیر است وتاثیرات آن فوق‌العاده‌است.یك آهنگ مارش‌ویك‌ترانه راکه‌بارها باتمام‌احساسات‌شما بازی کرده‌وجان‌شمارا گرم‌ساخته‌همیشه‌احساس کرده اید. ازجانبی هر صنعت گریاتخنیکرکه پدیده هنری وتخنیکی خوب‌خودرا شکل‌زیبا می‌بخشد، همان زیبایی شعراست، زیبایی‌های خلقت‌وزیبایی های پدیده‌هایی‌هنری همه‌شعر است وشعر مجسم وجزاین نمیتواند باشد!

روی آهن راپالش میدهند، لباس، لباس است، آنرا اتومی کنند موی، موی است، آنرا شانه میزنند، سخن هم سخن است، آنرا به لهجه خوب وباآهنگ خوب ادا میکنند تازیبا شود وهمینکه زیباشد ازحالت اصلی خود به شعر گراییده است وهرچیزیکه زیباست شعر است. پندك درشاخ امکان داشت راسامیوه ببندد ولی اینکه گل میکند، رنگ می افروزد وعطر می پاشد وجهان جلوه ایجاد میکند، همان شعر آفریدن طبیعت است !

ولهذا شعرهمیشه داخل زندگی انسانهاست وخواهد بود، بهرحالت که باشد !



ښاغلی توفیق

صحبت بی پرده

موضوع دیگر عبارت ازمناسبات والدیـــن شمانسبت به دوست تان است . این‌مناسبات راقبول می کنیم شما سعی نمائید تابه‌والدین تان ثابت کنیدکه دوستی تان به اصطلا ح (بازاری) وزودگذر نیست وچیزی جدی است عمق این دوستی رابرخ آنها بکشایند .

این‌کار راچگونه باید انجام دهید؟ نه تنها باالفاظ وکلمات، نه اینکه به قهر وغضب یابا تهدیدها، بلکه بااستقرار دررفتار خویش و نشان دادن روش وکردار درست ومعقولی که انتخاب شما واقعا دارند . اگر بتوانید اینرا ثابت کنید هیچ خطری ازناحیه والدین شمارا تهدید نخواهد کرد. آیامیدانید که فرق بیـن ارزیابی شماوغم وغصه مادرتان درین است که شما فقط بااحساس اولی تان بازی میکنید ولی آنهاتمام زندگی بعدی شمارا بحیث یـك زن ازنظرمی گذرانند ... ازینرو نصایح آنها رابشنوید واطاعت کنید این بهترین رهنمایی من به شما است .

مکارنیکادانشمند بلندمقدارشوروی میگوید: (عشق رابیاموزید ، عشق را فراگیـــریـــد خوشبخت شدن رابدانید یعنی یاد بگیرید که خودتان رااحترام کنیدخصایل بشری‌رامطالعه نمائید .)

دوستان ارجمند: تمام این مسایل زندگی رابه شما میشناساند مصروفیت های روزمره مادبیات وهنررابشما معرفی میکند. بامسایل زندگی عمیقانه برخورد کنید به هراندازه ایکه دانش شمادر ین باره وسیعتر وعمیقتر باشد به همان بیمانه زندگی شمازیباتر وگوارا تر خواهد شد .

(کوستیاشکین)

فال حافظ



درهر روزاز هفته که میخواهید فال بگیریدبه‌تصویر بالا توجه نموده یك‌حرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایرهٔ‌بزرگ‌پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حـرف اول باشدیادوم‌باشدیامثلا پنجم) درزیر همان‌حرف‌مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل‌خانه‌های سفید آن‌سه‌عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وآنگاه‌به‌همان شماره در زیر نام همان روزاز هفتـه مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافـظ‌شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه‌حرف چهارم نام‌خودراکه‌میم است انتخاب واز جمله سه عددی که‌در زیرقوس مربوطه به این حرف دیده می‌شودبیت «۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحهٔ مقابل‌مراجعه کنید وبخوانید لسان اللغیب بشما چه می گوید !

تنظیم منابع طبیعی

باتطبیق پرو گرام های تو سعوی علفچر ها، حدبندی ومسیر چر ش حیوانا ت ،سبب می شود تارمه‌های حیوانی ازدیاد یابد درینصـــو رت موضوع دیگری عرض اندام می‌کند که‌آن هم تضمین سر مایه مالدار، از طریق فروش مواشی آن است.

در گذشته مثلا یك خشك سالی سبب می شد تاگرو هی مالداران، رمه های شانرا ازدست بد هنـــد درین صورت آن‌ها برای همیشـــه متضرر می گردیدند یااز طر فـــی عدم فروش مواشی شا ن با عـــث خساره مالی مالداران می گردیـد. وزارت زراعت بادرنظر داشت این موضو عات پرو گرام علفچر هـارا روی دست گر فت تااز نگاه غذایی ضرورت مالداران راتضمین کنـــد همچنان تاسیس‌شرکت های‌مالداری که‌مدنظر دولت است مانند،شر کت مالداری هرات که بکار آغاز کرده سرمایه کوچی ومالدار را، از حیث فروش مواشی شان تضمین می‌کند.



اطلاعات و کلتور

ولیس تحریر : محمد ابراهیم‌عباسی
مدیر مسؤل نجیب رحیق
معاون : پیغله راحله راسخ
مهتمم: علی محمد عثمان زاده .
تیلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵
تیلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹
تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹
تیلفون ارتباطی معاون ۱۰
تیلفون منزل معاو ن۴۰۷۶۰
سوچبورد ۲۶۸۵۱
مدیریت توزیع ۵۹
آدرس : انصاری وات
وجه اشترا ك :
درداخل کشور ۵۰۰ افغا نی

رول زن

فراهم آورندکه بدون احساس کمبود مواد و وسایل ازاصل صرفه جویی واقتصاد پیروی نموده باشند .

زن امروز به سوالات روز پاسخ میدهد وبا دیدوسیع شرایط سیاسی واجتماعی رادرنظـر گرفته میکوشد در بهبود شرایط وحفظ موقعیت عناصریکه به خیر وفلاح مملکت کار میکنند ممدومعاون واقع گردد.٠امروز که جامعه مادر یك مرحله جدید حیات ملـــی قـــرار دارد همانطوریکه هرفرد درموقعیت این مرحله‌نقش بارز دارد زنان وطن نیز وظایف بزرگی در پیش دارند، تشخیص این وظایف ودرك وعمل نمودن به آن زنان وطن رافرصت میدهد تابه مقتضای زمان رفتار کنند وبه حیث زنان که وظایف محولهٔ خودرا خوب می شناسندنقش سازنده رادر حیات اجتماعی بازی کنند .

زنده باد اساس گذاران نهضت نسوان

پاینده بادجمهوریت وطن عزیزماافغانستان

المان غرب

وپروانه را به خود گرفته که ازفرزندان خود حرف میزند وهنوز نشانه های اندوهی‌که‌کناره گیری مولر ازفتبال آلمان بوددر چهر ه اش غبارپاس وناامیدی دیده میشبود .

شون ازینکه چهل سال قبل به دنیا آمده خیلی ناراحت به نظر میرسد وزمانی که در ۱٦ سالگی درتیم فتبال سرن ۱۷ گـــل زد فراموش نمیکند اودر خاطراتش گفتـــه کـه تلخ ترین خاطره‌ام شکست تیم آلمـــان در مسابقات مکسیکو بود که تاصبح خـــواب از چشمانم پریده بود باز میگویـــد شکست تیم آلمان غرب درمسابقات ۱۹۷٤ در برابر تیم آلمان شرق بود که نیز از شبهای بودکه خواب نکرده است .

وی که یازده سال قبل به عنوان مربی تیم فتبال آلمان غرب قبول شده سعی زیاد کرد تابتواند خودرا از سایه نام (هربرگر) مربی قبل ازاو کنار کشد واین کوشش اوبه عنوان های قهرمانی جهان، اروپا و نایب قهرمانی جهان ویکبارهم مقام سوم جهان برای‌آلمان غرب انجامید اما همواره از (سپ هربرگـر) به عنوان یك استاد یاد میکند .

اومی گوید تنها آرزودارم یکبار دیگر در ۱۹۷۸ جام جهانی رابه دست آلمان های غرب ببینم ودرآن وقت است‌که دیگر به‌گوشه ای برای استراحت پناه خواهم برد .

دندان

ویازردك به شرطیکه چك زده شود، پس از هرغذا فواید زیاد دارد ودندانها را تمیـز میسازد ودرسفیدی وزیبایی دندانها موثـــر است .

علاوه بر آن برای سلامت دندانها از مواد غذایی کلسیم دارباید استفاده کرد. ویتامین های (ث) و (د) هم بسیار مفید وموثرهستند. غذاهایی مثل شیر، تخم مرغ، پنیر، ماهی، مالته، کینوولیمو، غذاهای مفیدی برای دندانها وزیبایی وسلامت شان هستند .

برای نگهداری بیشتر دندانها حد اقل هر شش ماه یکبار به داکتر دندان مراجعه کنید تاعلاوه برمعاینه وتداوی آنهارا تمیز کنید . زیرا مسواك زدن به تنهایی برای پاکـــیزه نگهداشتن دندان کافی نیست .

فال حافظ

شنبه

۱- آن ترک پریچهره که دوش ازبرمارفت
آیا چه خطا دید کـه‌ازراه خطا رفت
۲- تارفت مرا از نظر آن چشم جهان بین
کس واقـف مانیست که ازدیده چها رفت
۳- دوراز رخ تودم بدم از گوشه چشمم
سیلاب سرشک آمدو طوفان بلا رفـت
۴- از پای فتادیم چو آمد غـم هجران
در درد بمردیم چو از دست دوا رفـت
۵- دل گفت وصالش بدعا باز توان یافت
عمریست که عمرم همه در کار دعا رفت
۶- دی گفت طبیب ازسر حسرت چومرادید
هیهات که رنج تو زقانـون شفا رفت
۷- ای دوست بپرسیدن حافـظ قدمی نـه
زان پیش که گویند که از دار فنـا رفـت

یکشنبه

۱- دیر یست که دلدار پیامی نفرستاد
ننوشت سلامی و کـلامی نفرستاد
۲- فریاد که آن ساقی شکرلب سرمست
دانست که مخمورم و جامـی نفـرستاد
۳- قـد همـه د لبر ا ن عـالـم
پیش الف قد ت چو نو ن بـاد
دوش از مسجد سوی میخانه‌آمد پیرما
چیست یاران طریقت بعداز ین‌تدبیرما
۴- هرآنکه روی‌چوماهت‌به چشم بدبیند
برآتش توبه جز جـان او بسند مباد
۵- حسن تو همیشه در فـزون بـا د
رویت همه ساله لاله گـو ن بـا د
۶- اندرسر ما خیـا ل عشقت
هرروز که باد در فزون باد

دوشنبه

۱- درخت‌دوستی بنشان که‌کام‌دل بیارآرد
نهال دشمنی برکن‌که رنج بی شمار آرد
۲- شب صحبت‌غنیمت‌دان‌که بعدازروزگارما
بسی گردش‌کند گردون بسی‌لیل‌ونهار آرد
۳- صبحدم مرغ‌چمن باگل نوخاسته گفت
[illegible]
نازکم کن که درین باغ‌بسی‌چون توشگفت
۴- روزگاریست‌که سودای‌بتان دین‌من‌است
غم این‌کار نشاط دل غمگین من اسـت
۵- دیدن روی ترا دیدهٔ جان بین بایـد
وین کجا مرتبهٔ چشم جهان بین منست
۶- روضهٔ خلد برین خلوت درویشانست
مایه محتشمی خد مت درویشان است
۷- بدام‌زلف تودل مبتلای خویشتن است
بکش به‌غمزه که‌اینش سزای‌خویشتن‌است

سه‌شنبه

۱- باغ مراچه حاجت سروو صنوبراست
شمشاد خانه پرور ما از کـه کمتراست
۲- یك قصه بیش نیست غم‌عشق‌وین‌عجب
کز هرزبان که می شنویم نا مکرر اسـت
۳- دی‌وعده دادوصلم ودرسرشراب داشت
امروز تاچه گوید وبازش چه درسر است
۴- شرح شکن زلف خم اندر خم جانان
کوته نتوان کرد که این قصه دراز اسـت
۵- بردوخته ام دیده چوباز از همه عالم
تادیده من بررخ زیبای تو باز است
۶- ای مجلسیان سوز دل حافـظ مسکیـن
از شمع بپرسید که در سوز وگداز است
۷- بار دل مجنو ن و خم طرهٔ لیـلا
رخسارهٔ محمود وکـف پای ایاز است

چهارشنبه

۱- غم کهن بمی سالخورده دفـع کنید
که تخم خوشدلی اینست پیردهقان‌گفت
۲- نشان یار سفر کرده ازکه پرسم بـاز
که هرچه گفت برید صبا پریشان گفـت
۳- امروز که دردست توام مرحمتی کـن
فردا که شوم خاك چه سود اشك ندامـت
۴- بربرگ گل بخون شقایق نوشته اند
کانکس که پخته شد می چون ارغوان‌گرفت
۵- میخواست‌گل‌که‌دم زندازرنگ‌وبوی‌دوست
از غیرت صبا نفس در دهـان گرفـت
۶- دلبر برفت ودلشد گـان راخبرنکرد
یاد حریـف شهر ورفیق سفر نکـرد
۷- دیدی ای دل که غم عشق دگربارچه‌کرد
چون بشد دلبر و بایار وفادار چه کـرد

پنجشنبه

۱- آه ازآن نرگس جادوکه چه‌بازی‌انگیخت
آه از آن مست که بامردم هوشیار چه‌کرد
۲- برقی از منزلی لیلی بـدرخشیـد سحر
وه که با خرمن مجنون دل افگار چه کرد
۳- سالها دل طلب جام جم از ما میکـرد
وآنچه خود داشت ز بیگانه تمنا میکـرد
۴- دست در حلقهٔ آن زلف دوتانتوان‌کرد
تکیه برعهد توویاد صبا نتو ان کـر د
۵- عارضش رابه مثل ماه‌فلك سوزان‌گفت
نسبت دوست بهربی سروپا نتوان‌کرد
۶- مشکل عشق نه در حوصلهٔ دانش‌ماست
حل این نکته بدین فکر خطا نتـوان کرد
۷- غیرتم کشت که محبوب جهانی لیکـن
روز وشب عربده باخلق خدا نتوان نکرد

جمعه

۱- دردم ازیار است و درمان نیز هـم
دل فـدای او شـد و جـا ن نیز هم
۲- مابی غمان مست دل ازدست داده‌ایم
همراز عشق و همنفس جام باده ایـم
۳- بر مابسی کمان ملامت کشیده انـد
تاکار خود زابروی جانان گشاده ایـم
۴- ای گل تو دوش داغ صبوحی کشیدهٔ
ما آن شقایقیم کـه با داغ زاده ایـم
۵- بی‌زلف سرکشش سرسودایی ازملال
همچون بنفشه برسر زانو نهاده ایـم
۶- گفتی‌که حافظادل سرگشته‌ات‌کجاست
در حلقه های آن خم‌گیسوی نهاده ایم
۷- من دوستدار روی خوش وموی دلکشم
مد هوش چشم مست ومی صاف بی‌غشم

تهیه‌وتنظیم از : شرار

خواندنی‌ها

غم انگیزترین مسابقه فتبال

چندی پیش در ایتالیا غم انگیـــزترین وجالب ترین مسابقه فتبال برگزار شد . چون تمام بازی‌کنان این دوتیم نابینابودند.این نخستین مسابقه فوتبال بین کوران بود که برگزار میشد البته برای این بازی چوب‌های دروازه از چرم ساخته شده بود ورنگ سفید داشت تا کوران در اثر برخورد به آن‌صدمه نبینند . وهم به توپ فوتبال یك‌زنگ کوچك آویزان شده بود. که‌کوران به شنیدن‌زنگ میدانستند که توپ درکدام قسمت زمین است وبه این ترتیب بازی میکردند وبه توردروازه هم یك دستگاه نصب شده بود کـه با بر خورد توپ صدا میکرد و اعلان میکردکه‌گول شده .

این مسابقه راصدها نفر تماشا کردنـد .درحالیکه اکثر آنها از نابینایی این ۲۲ نفر بازی‌کن شدیدا در اندوه بودند .

احترام به ارزش های انسانی

یکی از افتخارات بزرگی‌که شرقی ها واز آنجمله ما افغانها داریم احترام با کـانو ن خانواده وارزش‌که برای تحکیم ومبانی خانواده قایل هستیم . امامتاسفانه درغرب روز بروز این ارزشهای معنوی روبه نابودی میـرود و خانواده هادست خوش پریشانی و ویرانـی میشوند وبدبختی اینجاست که ملت هـای ناسازگاری اینچنان بچگانه وغیر معقول انـد که اگر بعضی ازآنهاراخدمتتان عرض کنیم . شاید قبول آن برایتان خیلی مشکل باشد . ولی حقیقت چیزی جز اینست که در غـرب خانواده تقدیس واهمیت گذشته خودرا ندارد وبه اندك بهانه زن وشوهر ها غزل خداحافظی رادر دادگاه ها می خوانند. واین چیزی نیست جزاینکه تمدن بشربه وضع بسیار مهلکـی روبه فلاکت وورشکستگی میرود و معنویات وروحانیات بشری ازاحترام افتاده است .

واین برای غرب که ادعای داشتن تمدن وپیشرفت رادارند البته مایه تاسف است .

جنگ خشو وعروس

گرچه جنگ ویتنام بعداز مدت سی سال پایان یافت ودر گذشته جنگ های صدساله وجنگهای صلیبی به صلح انجامید اما جنگ خشو وسنو هیچوقت تمام نمیشود .

چنانچه یك روز مردی پیش داکتر رفت و گفت: خوشوی او اعصابش را فـوق العاده خراب کرده است .

داکتر بلافاصله یك بوتل کوچك به اوداد. مرددرحالیکه ازاو تشکر می‌کرد. گفت : این راچه قسم باید بخورم .

داکتر گفت: شمااین رانمی خورید بلکـه این دوا رابه خوشوی تان بدهید. مرد اسم دوارا ازداکتر پرسان کرد .

داکترگفت : این قوی ترین ادویه مخدردر دنیا است .

تنبیه بخاطر بچه های مکتب‌گریز

اگریك روز فرزندتان ازمکتب روی گردان‌شود ویااینکه مکتب راترك کند چه‌کارمیکنید؟ اورا لت وکوب میکنید. برایش اسباب بـازی‌وخوردنی های خوشمزه میخرید تاحرف تان را گوش کند. تشویق اش میکنید وبـرایش‌میفهمانید که برای اومکتب لازم است و او حتمابه آنجا برگردد ؟

به هرحال شماها برای برگرداندن فرزنـدتان به مکتب هر کاری را میخواهید بکنید .

امااگر درکشور فرانسه باشید . پدرومادرچنین طفلی به جای طفل گریزپا، شما تنبیه میشوید. چون درفرانسه اگر بچه‌ی در طول‌سال بیش از شش روزبه مکتب نرود. پد ر و مادرش مسوول است ودوهزار پو ند جریمه‌نقدی ویابه دوماه زندان محکوم میشوند .

عیـن همین قـانون در بعضی مـمالك دیگـرهم وجود دارد .

تصادما ت طیارات باپرنـد گان‌وتلفات ناشی ازآن:

تصادف وبرخورد دوطیاره درآسمان تاکنون‌به ندرت‌اتفاق افتاده . ولی بیشتری تصادفات که باعث سقوط طیاره میشودپرندگان هستند.طبق آمارکه آلمان فدرال درده سال اخیرفراهم کرده ۹۵۰ طیاره نیروی هوایی آلمان باپرنده‌های گوناگون تصادف کرده اند . وزارت دفاع آلمان خسارات ناشی ازین حوادث را ۹۵ملیون‌مارك تعیین کرده است . وبه منظور مقابله به این وضع وحشت انگیز وزارت دفاع به‌یکی از اساتیز فیـزیك بنـام دوکتور هیلـد ماموریت داده تا راه بــرای جلوگیـــر ی‌از تصـا د م پر ند گـا ن بـــا طیاره ها مخصوصا درنزدیك میدان هوایی پیدابکند.دوکتورهیلدمعتقداست‌که باکشتار دسته جمعی پرندگان مانع تصادف آنهابه طیاره میشود . یکی از نقاط اساس که بیشتر در معرض خطرا ت پایگاه هـوایـی ا ست کــه‌سالانه۱۸۸هزارطیاره نظامی نشست وبرخاست میکنند. دوکتور هیلد نخستین اقدامی که‌کرد.چراندن رمه های گوسفند در نزدیکی میدان هوایی بود ودیگراینکه کشت زار های اطراف‌میدان های هوایی رابا مواد شیمیایی دواپاشی کرد تامانع هرگونه رشد گیاهان شـو د .زراعت در اطراف این پایگاه ممنوع شده ودر صدد هستنددرشعاع ۷ کیلو متری منافع هـرگونه کشاورزی بشود وباانتقال کشت زارها به نقاط دورتر انبوه پرندگان راAز نزدیك‌پایگاه های نیروی هوایی دور میکند .

به دستور کار شناسان بلند گوهای قوی‌پخش صوت باصداهای ترس آور در نقا ط مختلف نصب شده تاپرندگان را متـوار ی‌بکنند .

درمیدان های کوچك هوایی از تازی های‌شکاری وتکتیك های مختلف استفاده میشود.

بزرگترین دسته نوازندگان

بزرگترین دسته واکست که تاامروز بوجود آمده گروه کانگره ملی نوازندگان ترومپـت وشیپور مکتب های سرتاسر کشور نـاروی است . این واکست در اخیر سـال ۱۹۵۸ برنامه‌ی اجرا کردکه درآن ز مـان تعـداد نوازندگانش به ۱۲۶۰۰ نفر میرسید وتشکیل این تعداد نوازنده از عجایب موسیقی جـهان بشمار میرود .

* * *

ملا وسلمانی

روزی ملا برای سر تراشیدن به سلمانی مراجعه کرد. ناگاه دست استاد لرزید وکمی ازسرملا بریده شد ، ملافریاد زد که ای مرد چه میکنی سرمرا بریدی .

استاد گفت: خاموش باش که سر بریـده سخن نمی گوید .

* * *

دانستنیها :

جمعی از داکتران روان شناس آلمان غرب ثابت کرده‌اند که موسیقی سمفونی فشارخون راپایین می آورد وموسیقی جاذ فشارخون را بالا میبرد .

* * *

ازجمله زبان های دنیاکه حایز زیادترین حروف میباشدچینی‌است ودارای ٤٤٤٩ علامه میباشد .

* * *

بزرگترین ایستگاه راه آهن جهان گران - سانترترمینال در نیویارك است ودر دوطبقه بناشده، درطبقه بالا۴۱ راه ودرطبقه پائین۲۶ راه کشیده شده است که روز ۳۰۰ ترن از آنجا عبورمیکند و۱۸۰ هزار مسافر رابه نقاط مختلف انتقال میدهد .

(چند ضرب المثل)

- اگر گل سرخ را دوست دارید باید به خار آن هم دلخوش باشید .

(پرتگالی)

- چیست که هرگز پیروکهنه نمیشود ، عشق مادر . (ایتالوی)

- شمشیری علیه محبت و مهربانی وجود ندارد . (جاپانی)

- غنی هرچند شخصی باشدخوان برسرراه نمی گشاید . (عربی)

- پیران که میدانندفراموش میکنندوجوانان که فراموش نمی کنند نمی دانند .

(فرانسوی)

- تنها کسیکه اززن زیبا بدش می آید، زن زشت است . (ایتالوی)

- عرب هامیگویند که ضرب المثل نسبت به کلام ، همان حال رادارد که نمك بطعام.

ژوندون

فریادهای مرگ

ـ آری چون میدانستم پروتیرو درآنساعت آنجاست .

ـ ساعت چند بود ؟

ـ بعداز شش شام . غالبا یك ربع یانیم ساعت ازشش گذشته بود .

ـ آیاتپانچه رابه قصد قتل شوهر تــان باخود حمل کردید ؟

ـ خیر، تپانچه رابه‌منظور انتحار، باخود برداشتم .

ـ میدانم . اما برخاستید وبه منزل‌کشیش رفتید ؟

ـ آری وبسوی درب شیشه ای اتاق کار آقای کشیش که بسوی حیاط باز می شـود پیش رفتم . سرپیش برده نگـا هی بداخـل اتاق افگندم‌وشوهرم رادیدم ناگهان چشما نم تاریك شد وبسوی اوفیر کردم .

ـ بعد ؟

ـ بعد؟ ازآنجا دور شلم .

ـ وبه آقای ریدینگ جریان راگفتید ؟

من باردیگر متوجه شدم‌که خانم (آن) قبل ازدادن جواب قدری تردد‌نشان داد وبعــد گفت :

ـ آری .

ـ آیا موقع دخول یاهنگام خروج از منزل آقای کشیش کسی شمارادید ؟

ـ خیر... آری ... میس مارپـل آن خانم سالخورده مرادید وچند دقیقه ای با اوبصحبت پرداختم. درباغچه خودش مصروف رسیدگی به گلهایش بود .

چند لحظه زیر لحاف باناراحتی تکان خورد وبعد ادامه داد: آیاهمینقدر صحبت کـافی نیست ؟

دوکتور بایدوك به طرف تخت خواب او رفته نبضش رادید وبعد به‌سوی مالچت‌اشاره کرده بیخ‌گوشش گفت: شما آمادگی های‌لازم رابگیرید . تاآنموقع من کنار (آن) می مانم . تنهاترك‌کردن او خطر دارد . ممکن است‌دست بیك دیوانه گی بزند .

مالچت باشارهٔ سر قبولی خودرا ابـراز داشت وهر دوازاتاق‌خارج شدیم واز زینـه هاشروع بپائین رفتن کردیم . درست درهمان موقع متوجه خروج مردی اسکلیت‌گونه،ازاتاق مجاور شدم. باگوش فرادادن به صدای قلب خود، چند پتهٔ زینه رادوباره بالا شدم و از مردك پرسیدم :

ـ آیاشماملازم خاص آقای پروتیروهستید؟ مردك باتعجب بمن نگریسته جواب داد :

ـ آری آقا .

ـ آیاآقای پروتیرو سلاح داشت ؟ مـثلا تپانچه ؟

ـ من هرگز متوجه چنین چیزی نشـدم و ندیدم .

ـ مگر درروك میز توالتش همیشه یـــك

تپانچه وجود نداشت ؟ درست فکر کن .

ملازم باقاطعیت سر خودرا جنبانیده جواب داد :

ـ درروك هیچگاه تپانچه نبود. اگر چنیـن چیزی وجود میداشت مسلمامن آنرا میدیدم.

بسرعت اززینه ها پائین شدم در حالیکه یقین حاصل‌کرده بودم‌که‌خانم پروتیرو موضوع تپانچه رادروغ گفته است . اماچرا ؟

مدیر پلیس پس ازآنکه نقل اظهارات‌خانم پروتیرو رابه دفتر خودگذاشت‌گفت: میل دارد بدیدن میس مارپل برود وخواهش کرد منهم

اورا همراهی کنم. توضیح کردکه نمیخواهـد پیرزن ازحضوراو دچار خوف شود .

خنده‌ام گرفت زیرا میدانستم میس مارپل اززنانی است‌که هرگز حضور پلیس اورادچار وحشت وخوف نمیکند. درهرحال چند لحظه بعدمن ومالچت در اتاق کوچـك پذیرایـی میس‌مارپل روبروی اونشسته بودیم. مالچت شروع به صحبت کرد :

ـ می خواهم باشماراجع به آن واقـعـه تاسف آور صحبت کنم. مسلمااین واقعه هم مارامتاسف ساخته است . من فکر کـــردم

موقعیت باغچه منزل شما طوریست که اگر درآن مشغول رسیدگی به‌گلهاباشید، میتوانید مشاهدات دیروز خودرا بما توضیح دهید .

ـ حقیقتا من ازدیروز ساعت ۵ عصر بـه بعد درباغچه خانه خود بودم واین خیلی‌طبیعی است‌که بتوانم ازآنجا منزل همسایه را هم ببینم .

تاتمام

امتحان کانکور

منبع بجوا ب این‌سوال که چانس شمول به پوهنتون راکدام مکتبها باچه شرا یطی بیشتر دارا هستند؟ گفت‌آنعده‌ازفارغان مکتبهاکه‌معلما ن ورزیده ووسایل تعلیمی خوب‌دارند وبه سیستم امتحان کانکور بلدیت پیدا می کند چانس بیشتر شمو ل در پوهنتون رادارند.

از منبع مذ کور پرسیده شده‌که: آشنا سا ختن فار غان مکتبها بـــه چگو نگی امتحا نات کانکور چگونه صورت می گیرد؟ بجواب گفــت: امسال کتاب رهنمای کانکورکـــه محتوی سوا لات چهار ساله کانکور است از طرف پوهنتون چاپ شده وبه تمام ولا یات وکتابخا نه ها و لیسه های مر کز توزیع گردیده که بامراجعه بان مشکلات فار غـــا ن رفع ورهنمای خوبی برای شان می باشد بر علاوه کتاب مذکور، قبل‌از شروغ امتحان کانکور، رهنمـــا ی کو چك امتحا ن کا نکور وشمول‌در پوهنتون که‌به زبانهای دری‌وپښتو چاپ شده است بدستر س آنهـــا گذاشته‌میشود ونیز از طرف‌استادان پوهنتون رهنما یی می شوند.



شاگردان باتمام انرژی میکوشندکه از امتحان موفق بدر شوند



در موقع امتحان کانکور دسپلین‌خاص بر قرار است

دولتی مطبعه

